اسباب هلاکت مسلمانان و راه علاج آن

ویژه اهل سنّت







مؤلف:

مولانا محمد عاشق الهی بلند شهری (رح)

مترجم:

عبدالرحمن ریگی (غلام نبی)

بسم الله الرحمن الرحيم

اسباب هلاکت مسلمانان

و

راه علاج آن

مؤلف: مولانا محمد عاشق الهی بلندشهری رحمه الله

مترجم: عبدالرحمن ریگی (غلام نبی)

Ilahi, Muhammad Ashiq
الهی بلند شهری، محمد عاشق، ۱۸۸۱-۱۹۴۱ م.
اسباب هلاکت مسلمانان و راه علاج آن / مؤلف محمد عاشق الهی بلند شهری؛ مترجم عبدالرحمن ریگی (غلام نبی). ـ تربت‌جام: شیخ‌الاسلام احمدجام، ۱۳۸۳.
۱۳۰ ص.
(ISBN: 964-8688-12-5)

فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
عنوان به اردو: هماری مصیبتون ک اسباب اوران کاعلاج.
کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. احادیث اهل سنت -- قرن ۱۴ ق. ۲. احادیث اخلاقی -- قرن ۱۴ ق. الف. ریگی، عبدالرحمن، مترجم. ب. عنوان.

BP ۱۲۷ / ۵ الف ۷۳ الف / ۱۳۸۳ — ۲۹۷/۲۱۱
کتابخانه ملی ایران. — م ۸۳-۳۱۳۱۶



انتشارات شیخ‌الاسلام احمد جام ـ تلفن: ۲۲۲۵۲۳۸-۰۵۲۸

اسباب هلاکت مسلمانان و راه علاج آن

تألیف

محمد عاشق الهی بلند شهری

ترجمه

عبدالرحمن ریگی

بستی، ۱۳۰ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، چاپ دوم، بهار ۱۳۹۰
امور فنّی و چاپ : مؤسسهٔ چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد

بها : ۱۳۰۰۰ ریال

شابک ۷-۱۱-۸۶۸۸-۹۶۴ (ISBN 964-8688-11-7)

فهرست مطالب

پیش گفتار مترجم

امروزه سؤالی که در دنیا اسلام مطرح می‌شود این است که چرا مسئولان و سیاستمداران و نهادها و سازمانها، افکار جهانی و آرای بین المللی از طریق تریبون‌های گوناگونی که در اختیار دارند مسلمانان را زیر انتقادها و فشارهای خویش قرار می‌دهند و برای مسلمانان و کشورهای اسلامی ضرب الاجل و محدودیت تعیین می‌کنند؟!

چرا کشورهایی همچون آمریکا و همپیمانانش به دنبال اثبات و ارائه‌ی دلیل و مدرک و سند می‌گردند و با جنجال و هیاهو فضای سیاسی کشورها را دچار تنش و اضطراب می‌کنند؟!

چرا سران کشورهای اسلامی، سیاستی پویا و کارآمد ندارند و ناموفق بوده و به بن بست رسیده‌اند و با چندین معضل و مشکل روبرو شده و استقلال و تمامیت ارضی خویش را از دست داده‌اند؟!

چرا مسئولان و سیاستمداران دنیا به طرق مختلف کارشکنی می‌کنند و بر مواضع غیرعقلانی خویش اصرار دارند؟!

پاسخ این همه چراها و چندین چرای دیگر این است که مسلمانان امروز فریضه‌ی دعوت و تبلیغ را ترک کرده و بر دستورات و اوامر خدا و رسول ﷺ عمل نمی‌کنند؛ بلکه به دنبال متاع ناچیز و کم ارزش دنیا هستند و برای بدست آوردن آن از هر در و کانال ممکن وارد می‌شوند. مسلمانان امروز در گناه، معصیت، فحشاء، فسق و فجور، ربا، ریا، زنا، ظلم، اجحاف، سرقت، قتل، کشتار و در چندین عمل ناشایست دیگر مبتلا هستند. و به اعمال بیهوده و

مخرب از قبیل ویدیو، سینما و ماهواره که از حربه‌های غرب برای انحراف مسلمانان هستند، می‌پردازند.

مسلماً با گذشت زمان در دنیای کنونی که عصر اکتشافات و تولید و صنعت و اتم است، بشر هر روز به اکتشافی نو دست می‌یابد؛ اما نباید فراموش کرد که بسیاری از این وسایل و دستگاهها سکه هایی هستند که دو رو دارند، یک روی آنها مثبت و طلایی است و چه بسا که بسیاری از کارها را آسان نموده و موجب خوشحالی پژوهشگران گشته است اما روی دیگر آن سم خطرناک و قاتلی است که جسم و روح و تمام وجود را نابود می‌کند و کلاً ارزشهای والای انسانی را متزلزل می‌گرداند.

در واقع استفاده‌ی صحیح از این وسایل بلامانع است؛ اما استفاده‌ی نادرست از این وسایل مشکلات و ناهنجاریهای زیادی را ببار می‌آورد. اما آن دسته از افرادی که استفاده‌ی صحیح از این وسایل می‌کنند کم‌اند و اکثراً جوانان به دنبال استفاده نادرست از این وسایل هستند و این یک حقیقت مسلم است و نیاز به ارائه‌ی مدارک و شواهد نیست.

لذا اگر ما مسلمانان از این استفاده‌های نادرست دست کشیدیم و به قرآن و سنت عمل کردیم تمام این مشکلات و مصایب حل خواهند شد و یقیناً بدانید که اگر ما مسلمانان به سوی قرآن و سنت برگردیم هیچ کس نمی‌تواند بر ما حرف زور بزند و بر ما تسلط یابد. و چون ما به قرآن و سنت عمل نکردیم و در معاصی مبتلا شدیم در نتیجه، خداوند متعال دولتمردان جابر و جائر را بر ما مسلمانان مسلط می‌گرداند و این حکام و دولتمردان نیستند که بر ما ظلم می‌کنند بلکه ثمره و نتیجه گناهان ما هستند و ما داریم تاوان گناهان و معاصی خود را پس می‌دهیم.

لذا بر ما مسلمانان واجب است که از گناهان دست بکشیم و کار امر به معروف و نهی از منکر را انجام داده و به دستورات شرعی عمل کنیم تا الله تعالی بر ما ترحم کرده و ما را از این نابسامانیها نجات دهد. لازم به ذکر است که نظام جمهوری اسلامی ایران بر مبنای مبارزه با عوامل فساد و بی‌بندوباری پایه‌گذاری شده است و دولتمردان ما همواره این امر را در راستای سیاست خود قرار داده‌اند.

کتابی که در دست دارید در رابطه به همین موضوع است که به قلم مولانا محمدعاشق الهی رحمه الله به رشته تحریر در آمده و توسط این حقیر به زبان فارسی ترجمه شده است.

امیدوارم خداوند متعال با لطف و کرم خویش این خدمت ناچیز را به درگاه خویش بپذیرد و فریضه‌ی دعوت و تبلیغ را که تنها امتیاز این امت بر دیگر امتهای گذشته است، در تمام عالم احیاء بگرداند.

حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر

عبدالرحمن ریگی (غلام‌نبی)

۸۳/۱/۱۳

مقدمه مؤلف

بسم الله الرحمن الرحیم

نحمده و نصلی علی رسوله الکریم

هر چیزی که در عالم وجود دارد، در قبضه قدرت الله تبارك و تعالی است. از آسمان به غیر از اراده‌ی خداوندی هیچگونه آفتی نمی‌رسد. و این زمین کسانی راکه بر روی آن می‌گردند، هیچگونه مشقتی نمی‌تواند برساند. به غیر از حکم الهی نه رعد و برق صورت می‌گیرد؛ و نه تگرگ از آسمان فرو می‌ریزد؛ نه شمشیر را قدرت بریدن است؛ و نه آتش را توانایی سوزاندن؛ و نه باد را جرات وزیدن. تا زمانی که حکم قادر مطلق نباشد نه آب می‌تواند از جای خودش تکان بخورد؛ نه قحط سالی روی خواهد داد و نه فقر و افلاس به ظهور می‌پیوندد؛ نه ترس و وحشت و ناامنی ظهور می‌کند و نه آتش شرّ و فساد بلند می‌شود. غرض اینکه هر چیزی که در عالم وجود دارد بدون اراده رب العلمین، هرگز ظهور نخواهد کرد. و بدون مشیت الهی نه به کسی مصیبتی می‌رسد و نه سکون و راحتی به سراغ کسی خواهد آمد.

زمانی که بندگان، خدای لطیف و کریم و رحیم را اطاعت و فرمانبرداری کنند خداوند متعال تنها از فضل خودش بر آنان رحم می‌فرماید و برکتهای زمین و آسمان را نازل می‌فرماید. و قتل و غارت، خوف و هراس، فقر و بیچارگی و افلاس را بر می‌دارد و زندگی را توأم با امن و سکون و راحتی می‌گرداند.

پاداش و مزدی که برای طاعت در آخرت تعیین شده است حتمی است و

علاوه بر آن در دنیا نیز جایزه‌ی اعمال نیک محفوظ است. ارشاد الله جل شانه است:

﴿وَعَدَاللهُ الَّذِيْنَ آمَنُوْا مِنْكُمْ وَ عَمِلُو الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الاَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِيْنَهُ الَّذِى ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً﴾ [1]

ترجمه:« وعده داده است خدا آنان را که ایمان آوردند از شما و کردند عمل‌های شایسته البته خلیفه سازد ایشان را در زمین چنانکه خلیفه ساخته بود آنان را که پیش از ایشان بودند و البته محکم کند برای ایشان دین ایشان را که پسندیده است برای ایشان و البته بدل کند درباره ایشان بعد از ترس ایشان ایمنی را». [2]

در سوره اعراف نابودی اقوام گذشته را ذکر فرموده ارشاد می‌فرماید:

﴿وَ لَوْ أَنَّ اَهْلَ الْقُرَى آمَنُوْا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الاَرْضِ وَلَكِنَّ كَذَّبُوْا فَأَخَذْنٰهُمْ بِمَا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ﴾ [3]

ترجمه: «و اگر اهل دیه‌ها ایمان آوردندی و پرهیز کردندی می‌کشادیم برایشان برکت‌ها از جانب آسمان و زمین و لیکن به دروغ نسبت کردند پس گرفتیم ایشان را به وبال آنچه می‌کردند».

در «صحیح مسلم» آمده است که زمانی حضرت عیسی - علی نبینا و علیه السلام - ظاهر می‌شوند بعد از نابودی دجال و یاجوج و ماجوج به زمین (از

۱- سوره نور ۵۵.

۲- ترجمه کلیه آیات قرآنی از تفسیر شاه ولی الله محدث دهلوی رحمه الله

۳- سوره اعراف ج۹ ع۱

طرف الله جل شانه) خطاب می‌شود که: میوه‌های خود را برویان و برکتهای خود را باز فرست (یعنی بیرون کن). برکتهای زمین بیرون می‌آیند و از یک انار، شکم یک جماعت سیر می‌شود؛ و یک جماعت پوست انار را بصورت چتر درست کرده و می‌توانند در زیر آن حرکت کنند و در شیر هم برکت داده می‌شود تا اینکه شیر یک شتر برای یک جماعت خیلی بزرگ و شیر یک گاو برای یک قبیله و شیر یک گوسفند برای یک قبیله کوچک کافی خواهد شد.

در یک حدیث ارشاد نبی اکرمﷺ است:

«قال ربکم عزوجل لو أن عبیدی أطاعونی لأسقیتهم المطر بـالليل و أطلعت عليهم الشمس بالنهار و لم أسمعهم صوت الرعد»[1]

ترجمه:«الله تعالی فرمودند: اگر بندگان من فرمانبرداری مرا می‌کردند، من فقط در شب برای آنها باران می‌فرستادم و در روز خورشید طلوع می‌کرد و آنها آواز رعد و برق را هم نمی‌شنیدند».

اگر مخلوقات نافرمانی خالق و مالک خود را بکنند، و نعمتهای الله تعالی را استفاده کرده و شکر نعمتهایش را بجا نیاورند، پس خداوند عالم که هرچیز در دست اوست و صفتهای او که «عزیز»، «ذوانتقام»، «الجبار»، «المتکبر»، «الواحد القهار» است، مخلوقات را متنبه می‌فرماید و در شکنجه‌های آفات و مصائب گرفتار می‌کند.

در سوره انبیاء ارشاد است:

﴿وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهَا قَوْماً آخَرِينَ○﴾

«ما خیلی از روستاها رااز بین بردیم ؛ بخاطر اینکه آنها ظالم بودند

۱- رواه احمد

وپیدا کردیم از آنها انسانی دیگر».

در سورهٔ طلاق ارشاد است:

﴿وَكَأَيِّنْ مِّنْ قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسَبْنٰهَا حِسَاباً شَدِيْداً وَعَذَّبْنٰهَا عَذَاباً نُكْراً فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَتْ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْراً﴾ [1]

ترجمه: «و بسا که تجاوز کرد از فرمان پروردگار خویش و از فرمان پیغامبران او پس حساب کردیم به او حسابی سخت و عقوبت کردیم او را عقوبتی دشوار پس چشید سزای عمل خود و شد سرانجام کار او زیان کاری».

در سوره حج ارشاد است:

﴿فَكَأَيِّنْ مِّنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنٰهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوْشِهَا وَبِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَّشِيْدٍ﴾ [2]

ترجمه:«پس بسیاری روستاها که هلاک ساختیم آنها را و وی ستمگار بود پس وی افتاده است بر سقف‌های خود و بسیار چاه بیکار مانده و بسا محلی بلند خراب شده».

در قرآن کریم واقعات هلاکت و از بین رفتن امتهای گذشته هر جا بطور یادآوری و تذکر بیان شده است که بعضیها در زمین فرو رفتند، بعضیها در دریا غرق شدند. یا بر بعضیها از آسمان سنگ بارید، بعضی‌ها از صدایی بسیار قوی هلاک شدند، و بر بعضیها طوفان آب آمد و بعضیهاَ بوسیله باد از بین رفتند، این قصه‌ها برای عبرت و پندآموزی اهل بصیرت کافی هستند.

۱- طلاق ۸.   ۲- حج ۴۵

در یک حدیث ارشاد است:

«إن الرجل ليحرم الرزق بالذنب يصيبه»

ترجمه: «انسانِ بخاطر گناه کردن از رزق محروم می‌شود».

در حدیث دیگر آمده است: که آن حضرتﷺ، حضرت معاذ بن جبل رضی الله عنه را چند وصیت فرموند؛ از آنها یکی این است:

«إياک و المعصية فإن بالمعصية حل سخط الله»

«از گناه کردن پرهیز کن. بخاطر اینکه معصیت خشم خدا را نازل می‌کند.»

در این زمانه هر قدر اعمال‌های بد انسان بیشتر شوند به همان اندازه مصیبتها بیشتر می‌شوند. از هیچ جماعت یا فردی مصیبت دور نمی‌شود تا وقتی که فرمانبرداری الله تعالی را انجام داده و در پیشگاه ذات پروردگار به حالت عجز و ناله در نیاید و این خیلی ضروری است.

هر قومی در این زمانه از نافرمانی الله تعالی باز نگردد و بر نصیحتهای نیک عمل نکند و در مقابل مال و دولت، خود را ذلیل کند آنها باید یقیناً بدانند که وسیله‌ی مصیبتها و آفات و تباهی و بربادی خود را آماده کرده‌اند.

در سوره انعام ارشاد است:

﴿فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوْا وَلٰكِنْ قَسَتْ قُلُوْبُهُمْ وَ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطٰنُ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ فَلَمَّا نَسُوْا مَا ذُكِّرُوْا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتّٰى إِذَا فَرِحُوْا بِمَا أُوْتُوْا أَخَذْنٰهُمْ بَغْتَةً فَإِذَاهُمْ مُبْلِسُوْنَ فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِيْنَ



ظَلَمُوْا﴾[۱]

ترجمه: «پس چرا زاری نکردند وقتی که آمد به ایشان عذاب ما ولیکن سخت شد دل ایشان و زینت داد در نظر ایشان شیطان آنچه می‌کردند؛ پس چون فراموش کردند آنچه پند داده شد ایشان را به آن، گشاده ساختیم بر ایشان درهای همه چیز؛ تا آن هنگام که شادمان گشتند به آنچه داده شد ایشان را گرفتار کردیم ایشان را ناگهان پس شدند ناامید شونده پس بریده شد بیخ کرده ستمگاران»

در این آیات اخطار شده است که مجرم را از طرف الله آگاه سازید و او فوراً باید متوجه شود و اگر سخت‌دلی کرد و در دام وسوسه‌های شیطانی قرار گرفت. به عذابی سخت دچار می‌گردد. این هم معلوم شد که با فراوان شدن مال و دولت، رزق و روزی، الله تعالی را فراموش نکنیم و مرتکب گناه نشویم. نعمت مال و دولت را دلیل مقبولیت ندانیم بلکه آن را نوعی تنبیه نابهنگام بدانیم در هر حال متوجه به خدا باشیم خواه مصیبت باشد یا آسایش.

حضرت «عباده» رضی الله عنه از نبی اکرم ﷺ نقل می‌کند: «هر قومی را که حق تعالی بخواهند بلند مرتبه کند در میان آنها میانه روی و عفت را پیدا می‌کند و هر قومی را بخواهد از بین ببرد دروازه خیانت بر آنها باز می‌شود و اگر آنها بر این اعمالشان خوشحال شوند پس بر همه آنها عذاب مسلط می‌شود». این مطلب را ارشاد فرموده و آیات بالا را تلاوت فرمودند.

حضرت «حسن» رضی الله عنه می‌فرماید: بر هر کسی نعمت، فراوان شود و او آن را باعث هلاکت خود نداند آن شخص انسان فهمیده‌ای نیست و هر کس با

۱- انعام ۴۵

تنگی و فقر مواجه شد و ندانست که این فرصت رجوع به طرف خداست آن شخص هم انسان فهمیده‌ای نیست.[1]

خلاصه اینکه گرفتاری و درد، نتایج و ثمرات اعمال بد هر انسان است.

از حضرت «ابوموسی»رضی الله عنه روایت است که رسول اکرمﷺ ارشاد فرمودند: اگر جسم و بدن دچار آسیب گردد هر چند که معمولی و جزئی باشد علت آن گناه می‌باشد (یعنی در هر گناه آسیب نمی‌رسد اکثر گناهان معاف می‌شوند. این همه کوه مصیبتها راکه می‌بینیم به علت بعضی از گناهان است) بعد از آن، رسول اکرمﷺ برای تأیید ارشادات مبارک خودش، این آیه را تلاوت فرمودند:

﴿وَ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيْبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيْكُمْ وَ يَعْفُوْ عَنْ كَثِيْرٍ﴾[2]

«هر مصیبتی که به شما برسد به سبب اعمال شما هستند و اکثر گناهان چنان اند که الله تعالی آنها را معاف می‌فرمایند».

بطور واضح معلوم شد که فساد این دنیا و درد و گرفتاری اهل دنیا بخاطر نافرمانی الله تعالی هستند. اگر بندگان الله تعالی، به اطاعت و فرمانبرداری مشغول باشند پس حالات عوض خواهد شد و از امن و سکون، آرامش و راحتی، رفعت و عزت، نعمت و دولت برخوردار خواهند شد. غرض اینکه این قاعده‌ی کلی است که خوب شدن دنیا و خراب شدن آن به فرمان برداری و نافرمانی خالق و مالک بستگی دارد.

و این قاعده کلی در آیات و احادیث به صراحت اشاره و ذکر شده است. در خیلی از احادیث برای بعضی از اعمال بد، سزاهای مخصوص و بر بعضی

۱- در منثور ۲- شوری ۳۰

از اعمال خوب پاداش‌های ویژه‌ای ذکر شده است. در این خصوص من با تلاش زیاد چهل حدیث را با ترجمه و تشریح مرتب و آماده کرده‌ام.

در این احادیث اولاً آن احادیث درج شده‌اند که در باب عذابها و مصیبتها گفته شده‌اند که جمعاً مشتمل بر بیست حدیث هستند و در هفده حدیث کریمه دیگر طریقه علاج و ثمرات و پاداش‌های خصوصی اعمال صالحه ذکر شده‌اند. (در بعضی از احادیث شریفه اسباب مصیبت و راه نجات آن هر دو ذکر شده‌اند.)

مصایب دنیوی برای مؤمنین به این لحاظ رحمت هستند که سبب کفاره گناهان می‌شوند. لهذا برای تشریح این امر و توضیح آن در آخر، سه حدیث دیگر ذکر شده‌اند که جمعاً چهل حدیث می‌باشند.

از تمام کسانی که توفیق استفاده از این کتاب را پیدا می‌کنند درخواست دارم که بنده حقیر و برادرم مولانا حسین احمد مظاهری را در دعاهای شان یاد فرمایند.

و ما توفیق إلا بالله علیه توکلت و إلیه أنیب، ربنا تقبل منا إنک أنت السمیع العلیم و تب علینا إنک أنت التواب الرحیم.

محتاج رحمت بی پایان
محمد عاشق الهی بلند شهری عفا الله عنه و عافاه
کلکته جمادی الاولی ۱۳۸۰ میلادی

بسم الله الرحمن الرحیم

هر کس نماز فرض را عمداً ترک کند از ضمانت الله تعالی خارج می‌شود

عن أبي الدرداء رضي الله تعالی عنه قال أوصاني خليلي أن «لاتشرك بالله شيئاً و إن قطعت و حرقت، و لا تترک صلوة مکتوبة متعمداً، فمن ترکها متعمداً فقد برئت منه الذمه. و لا تشرب الخمر فإنها مفتاح کل شر»[1]

ترجمه: حضرت ابوالدرداء رضی الله عنه فرمودند که دوست من (رسول اکرم ﷺ) من را وصیت فرمودند که: «با الله تعالی کسی را شریک قرار مده اگر چه کشته شوی یا سوزانده شوی، و نماز فرض را عمداً ترک مکن. هر کس نماز فرض را عمداً ترک کند از امان الله تعالی خارج می‌شود. و شراب مخور، که این عمل، کلید تمام گناهان است».

توضیح: از امان الله تعالی خارج شدن، یعنی امن و سکون و حفاظت او در دنیا و آخرت به عهدهٔ الله تعالی نخواهد بود و دشمن هر طوری که بخواهد به حسابش می‌رسد. از این حدیث معلوم می‌شود که پایبندی در نمازها موجب می‌گردد تا انسان در پناه خدا داخل شود. و اگر بنده‌ای قصداً نماز فرض را ترک کند از امان الله تعالی خارج می‌شود. و از این لحظه او به خود و مخلوق واگذار می‌شود و هر حالت بدی که بر او وارد آید از حفاظت خالق و مالک خارج است.

---

۱ - رواه ابن ماجه

حال لحظه‌ای با خود بیندیشیم که در خانه‌های مان و در دفاتر کار، بازارها و در اماکن تجاری چقدر برای نماز اهتمام می‌شود؟ تا جایی که ما می‌دانیم این است که در سفر و حضر، صحت و مرض، بسیار کم اند افرادی که بر ادای نماز پایبند هستند.

در دنیایی به این بزرگی که مملو از انسان است روزانه میلیونها نماز ضایع می‌شود؛ آیا چنین انسانهایی شایستگی آن را دارند که در پناه خدا محفوظ بمانند؟ اینها نه تنها نماز نمی‌خوانند، بلکه نمازگزاران را به ترک نماز نیز وادار می‌کنند و نماز را به باد مسخره می‌گیرند.

هستند کسانی که در دنیا خیلی بزرگ اند، ولی بخاطر اعمالشان در آخرت کوچک خواهند شد و حتی آنها فرصت نماز خواندن را هم ندارند. در نزدیک آنها، گنهکار بودن معیار، بزرگ بودن است. و اگر کسانی از آنها حوصله نماز خواندن را داشته باشند، بدون رعایت اوقات نماز در ظرف چند دقیقه به مشکل آن هم در کاخها و ویلاها چند رکعت نماز می‌خوانند. رفتن به مسجد مثل عموم مسلمانان و ایستادن در صف‌ها برای‌شان عار و زشت می‌باشد. «فیا أسفی علیهم» در هر طبقه‌ای کم و بیش افراد نمازگزار حتماً هست؛ البته برای اینکه سکون و راحتی به دنیا بازگردد، اصلاح شدن چند نفر انگشت شمار ناکافی است. البته هر کس به پاداش اعمال خودش در آخرت خواهد رسید.

در این حدیث پاک بر تحریم و ممنوع بودن نوشیدن شراب هم تأکید و یادآوری و به عنوان کلید تمام گناهان معرفی شده است. در حدیثی دیگر رسول خدا ﷺ لعنت فرمودند کسانی را که شراب می‌خورند و کسانی که به دیگران می‌دهند و کسانی که شراب را درست می‌کنند و کسانی که شراب را

حمل می‌کنند و کسانی راکه شراب پیش آنها گذاشته می‌شود. (مشکوة) جای تفکر و اندیشه است که در کشور ما چقدر شراب بطور انفرادی و اجتماعی استفاده می‌شود!

حسب فرمان نبی آخر الزمانﷺ چقدر از انسانها به علت شراب در لعنت و بازخواست خدای قدوس قرار دارند. در لعنت و بازخواست خداوندی بودن و امید رسیدن به عروج و ترقی و رستگاری و کامیابی را در سر پروراندن، کار بیهوده‌ای بیش نیست.

در یک حدیث ارشاد است که «الخمر جماع الاثم» یعنی: «شراب مجموعه تمام گناهان است» (مشکوة) در مسلم شریف از حضرت «جابر»رضی الله عنه روایت است که رسول اکرمﷺ ارشاد فرمودند که: هر چیز نشئه‌آور حرام است. بدون شک خداوند وعده کرده به کسانی که مسکرات می‌نوشند «طینة الخبال» بخوراند. صحابه رضی‌الله‌عنهم عرض کردند: یا رسول الله! «طینة الخبال» چیست؟ آن حضرتﷺ ارشاد فرمودند: «عرق دوزخیان» (یا فرمودند:) «آب و چرکی که از بدن دوزخیان بیرون می‌آید»[1]

از حضرت «ابوامامه»رضی الله عنه روایت است که رسول اکرمﷺ ارشاد فرمودند که بدون شک الله تعالی من را برای تمام جهان رحمت و هدایت درست کرده و فرستادند و رب (عزوجل) من را حکم دادند که اسباب و ابزار موسیقی، بتها و صلیب (که مسیحی‌ها به آن احترام می‌گذارند) و حرفهای جاهلیت را از بین ببرم و رب (عزوجل) به عزت خود قسم یاد کرده‌اند که هر یک از بندگانم من اگر یک جرعه از شراب بنوشد در روز قیامت به همان

۱- مشکوة

اندازه (از) چرک و ریم (دوزخیان) به او می‌نوشانم. و هر کسی از خوف و ترس من نوشیدن شراب را ترک کند او را از حوضهای مقدس سیراب خواهم کرد.[۱]

در یک حدیث دیگر ارشاد است که هر چیزی که مقدار زیادی از آن نشئه‌آور باشد (نوشیدن) مقدار کم آن نیز حرام است.[۲]

با توجه به این وعیدها و فضای موجود، خودتان حدس بزنید که انسان چقدر مستحق است تا در دنیا و آخرت به خوبی با او برخورد شود؟!

انسانها وقتی نافرمان می‌شوند الله تعالی حکام ظالم را بر آنها مسلط می‌فرماید

۱) و عن أبي الدرداء رضى الله تعالى عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه و سلم: «إن الله تعالى يقول: أنا الله، لا إله إلا أنا مالک الملوک و ملک الملوک قلوب الملوک فی يدی و إن العباد إذا أطاعونی حولت قلوب ملوکهم عليهم بالرحمة و الرأفة فساموهم سوء العذاب فلا تشغلوا أنفسکم بالدعاء علی الملوک ولکن اشغلو أنفسکم بالذکر و التضرع کی أکفيکم»[۳]

از حضرت ابو درداء رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: «الله تعالی می‌فرماید: من معبود تمام مخلوقات هستم، بغیر از من هیچ معبود دیگری نیست من مالک تمام پادشاهان و سلطان تمام سلطانها هستم. دل تمام پادشاهان در قبضه من است. زمانی که بندگان اطاعت

۱- رواه احمد ۲- ترمذی ۳-رواه ابو نعیم فی الحلیة

من را می‌کنند من در دل پادشاهان رحمت و الفت و مهربانی می‌اندازم و زمانی که آنها نافرمانی من را انجام دهند دل پادشاهان را با خشم و سختی به طرف آنها مایل می‌گردانم به همین دلیل پادشاهان رعایا خود را سخت در تکلیف می‌اندازند. پس ای بندگان من شما برای پادشاهان خود بددعایی نکنید بلکه به یاد من الله تعالی مشغول باشید و در مقابل ذات من گریه کنید تا گره مشکلات شما را باز کنم».

در حدیث دیگر ارشاد است: هر طوری که شما باشید همانطور پادشاه و حاکم بر شما مسلط خواهد شد (مشکوة) مطلب این است که اگر شما نیک و صالح باشید الله تعالی بر شما پادشاهی نیک و مهربان مقرر می‌کند و اگر شما نافرمان و بد کردار باشید پس بر شما حاکمی فاسق و فاجر و ظالم مقرر می‌شود.

از این دو حدیث معلوم می‌شود که سبب مسلط شدن حکام ظالم به خاطر کیفر اعمال بد است. حکام اگر ظلم می‌کنند سزای آنها در دنیا و آخرت به آنها خواهد رسید اما مردم کیفر اعمال بدشان را از پادشاه می‌بینند. امروز دنیا از شر و فساد پر شده است. حکام از عوام و عوام از حکام ناراض هستند. برای نجات از ظلم حکام، تدبیرهای مختلفی اندیشیده می‌شود، اجلاس برگزار می‌شود. بعضی وقتها گفته می‌شود امن و امان و انصاف حاکم خواهد شد. و گاهی اوقات از طرق دیگر انقلاب کرده و افراد احزاب جدیدی را بر سر کار یم آورند و در انتظار امن و آرامش می‌نشینند. اما به طور کلی تمام کوششها و نشست‌ها بی‌فایده می‌شوند بخاطر اینکه علت اصلی آن در حدیث شریف بیان شده است (و در اینجا مفقود است) چراکه عوام و خواص، کوچک و بزرگ همه در نافرمانی الله تعالی مشغول هستند و حکام را اگر عوض هم بکنند

وضعیت نابسامان دنیا هرگز درست نخواهد شد فقط زانو زدن در مقابل ذات کبریایی و خواستن از او سبب می‌شود تا حاکم ایده‌آلی نصیب آنها شود.

۲) وعن عمرو بن العاص رضی الله تعالی عنه قال: سمعت رسول الله صلی الله تعالی علیه و سلم یقول: «ما من قوم یظهر فیهم إلا أخذوا بالسنة و ما من قوم یظهر فیهم الرشا إلا أخذوا بالرعب»[1]

به سبب زنا قحط سالی
و به سبب رشوه بزدلی عام می‌شود

حضرت عمرو بن العاص رضی الله عنه فرمودند: من از رسول اکرم ﷺ شنیدم که می‌فرمود: «در قومی زنا رواج یابد با قحطسالی عقوبت می‌شوند و در هر گروهی رشوت خواری عام شود با خوف و ترس عقوبت خواهند شد.»

در این حدیث به دو عمل نافرجام و انجام بد آنها گوشزد شده است: ۱) عام شدن زنا کاری و سبب آمدن قحط، ۲) رشوه‌خواری و سبب آمدن رعب و وحشت بر دلها. اگر حالات انسانهای حال حاضر را نگاه کنیم می‌بینیم بازار زنا و رشوه‌خواری خوب گرم است و نتیجه‌ای این دو گناه که عبارت است از آمدن قحط و ترس و وحشت و اعمال منافی عفت، در جلوی چشمهایمان است. در خانه‌های فساد زنا صورت می‌گیرد و همه شما از آن مطلع هستید و آنچه در جاهای مختلف در پارکها، سینماها و رقاص خانه‌ها صورت می‌گیرد همه واقف هستند روزانه ۲۴ ساعت در تمام دنیا چقدر زن و مرد زنا انجام

---

۱ - رواه احمد

می‌دهند با این حساب بفرمایید بگویید این آبادی دنیا قابلیت و شایستگی بقا را دارد؟ این مهربانی الله پاک است که بجای فنا کردن تمام دنیا در جاهای مختلف قحط سالی را ظاهر نموده و مردم را هشدار می‌دهند امروز در دنیا زنا و دواعی آن یک فن و یک مدل و یک ناز و فخر به حساب می‌آید و برای توسعه‌ی آن به شدت تبلیغ می‌شود.

و حقیقتاً جای تاسف است که آن حکومتهایی که کارشان اصلاح کردن و از بین بردن بدیها است خودشان زنان بدکار را مجوز می‌دهند و اگر طرفین با رضایت خویش عمل زنا را انجام دهند آن را جرم نمی‌دانند. در تحت چنین شرایطی مسئولان و مدیران حکومتی چطور مستحق رحمت خداوندی قرار می‌گیرند؟

همچنین رشوت را در نظر بگیرید کدام کار مردم است که سر از ادارات بکشد و بدون رشوه انجام بگیرد بدون دادن پول نقد، میوه، تحفه در دفتر یا در خانه‌اش هیچ کاری نمی‌شود و حال سیگار دادن هم در رشوه خواری رواج شده است بخاطر پرهیز از نام رشوه کل بسته را به او نمی‌دهد بسته سیگار را بدست می‌گیرد و یک نخ را خودش روشن می‌کند و بقیه بسته سیگار را بر روی میز می‌گذارد و راه دیگر برای دادن رشوه وجود دارد.

در حدیث شریف آمده است که جناب رسول اکرمﷺ لعنت فرموده‌اند کسانی راکه رشوه می‌دهند و کسانی راکه رشوه می‌گیرند و کسانی راکه سبب دادن و گرفتن آن می‌شوند. (مشکوة شریف) در حدیث دیگری ارشاد است که رسول اکرمﷺ ارشاد فرمودند: اگر شخصی برای شخصی دیگر سفارش کرد بعد از آن اگر او چیزی به سفارش کننده به عنوان هدیه داد و او آن را قبول

کرد پس آن شخص در یکی از دروازه‌های بزرگ ربا داخل شده است.[1]

یعنی در عوض سفارش است و از این حدیث هم معلوم شد که از عوض شدن نام، حقیقت عوض نمی‌شود. و اگر نام رشوه را هدیه یا تحفه بگذاریم همان رشوه است. فقها نوشته‌اند که هر شخصی اگر یک حاکم را قبل از رسیدن آن پست و مقام به نسبت فامیلی یا دوستانه چیزی عطا نموده است گرفتن آن هدیه بوده است اما بعد از رسیدن به پست و مقام اگر کسی چیزی به او بدهد همه آنها رشوه هستند.

در مسلم شریف حدیثی نقل شده است که رسول خداﷺ شخصی را بنام ابن التبیه برای وصول زکات فرستاده بودند. زمانی که او زکوة را وصول کرده و پیش پیامبرﷺ آمد عرض کرد: این مال شما است (یعنی این قسمت بیت المال است) و اینهابه من هدیه داده شده‌اند. رسول خدا این سخنان را شنیده خطبه خواندند بعد از حمد و صلوة فرمودند: اما بعد! من بعضی از شما را برای کارهایی که خداوند من را بر آن متولی قرار داده است مقرر می‌کنم از آنها یکی می‌آید و می‌گوید این مال شما است و این را به من هدیه داده‌اند. او در خانه پدر و یا مادر خود می‌نشست و می‌دید که به او هدیه می‌دهند یا نه؟ چرا ننشست در خانه پدر یا مادر خود؟

از این معلوم می‌شود که هر چیزی که به سبب پست و مقام برسد رشوه است، أعاذنا الله منه.

نام چیز حرام را تبدیل کردن و برای آن صورت دیگری درست کردن و آن را حلال دانستن از این امت جلوتر درگذشته‌ها رایج بوده است. در روایتی

---

۱ - ابوداود

از صحیحین آمده است که رسول خداﷺ ارشاد فرمودند: لعنت خدا بر یهودیان باد زمانی که خداوند متعال استعمال چربی را برای آنها حرام گردانید آن را به صورت دیگر (یعنی روغن) درست کرده و فروختند و پول آن را خوردند.[1]

نتیجه معاملات نادرست و رشوت خواری این است که از یک خبر معمولی ارزش سهام به شدت کاهش می‌یابند و دلها مضطرب شده می‌لرزند و اگر کسی خبر دهد که دشمن قصد حمله را دارد آن وقت بجای اینکه آمادگی مقابله را بکنند هیجان زده شده و نمی‌دانند که چکار کنند و زمانی که در امن و امان باشند حرفهای بیهوده در سر می‌پرورانند و علماء را با الفاظ نامناسب یاد می‌کنند و می‌گویند که اگر اینها حکم جهاد را می‌دادند ما اینطور می‌جنگیدیم و اصالت خود را ظاهر می‌کردیم، وقتی که موقع جنگیدن و ثابت قدمی پیش می‌آید فوراً جا را خالی کرده و گم می‌شوند.

می‌گویند در «دهلی» گربه‌ای از بالای یک جای به پایین پرید و به یک حلب برخورد کرده و از برخورد با آن صدایی بلند شد شخصی از خواب پریده گمان کرد که دشمن حمله کرده است و فوراً ندای «الله اکبر» سر داد، از فریاد زدن این شخص مردم محله هم بلند شده و شروع به فریاد زدن کردند. خیلی شلوغ شد. بعد از تحقیق معلوم شد که گربه‌ای پریده است. ﴿يحسبون كل صيحة عليهم هم العدو﴾

رشوت خواری را ترک کنید و ترس را از دلها بیرون کنید آن وقت علما حاضر می‌شوند تا بهادری و دلیری شما را تماشا کنند.

١- مشکوة

به سبب اعمال فاحشه امراض جدید پیدا می‌شود و از ندادن زکات باران نمی‌بارد

۳) و عن ابن عمر رضی الله تعالی عنهما قال أقبل علینا رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم فقال: «یا معشر المهاجرین خمس خصال إذا ابتلیتم بهن و أعوذ بالله أن تدرکوهن لم تظهر الفاحشة فی قوم قط حتی یعلنوا بها إلا فشافیهم الطاعون و الأوجاع التی لم تکن مضت فی أسلافهم الذین مضوا و لم ینقصوا المکیال و المیزان إلا أخذوا بالسنین و شدة المؤنة و جور السلطان علیهم و لم یمنعوا زکاة أموالهم إلا منعوا القطر من السماء و لو لا البهائم لم یمطروا و لم ینقضوا عهدالله و عهد رسوله إلا سلط الله علیهم عدوا من غیرهم فأخذوا بعض ما فی أیدیهم و ما لم تحکم أئمتهم بکتاب الله تعالی و یتخیروا فیما أنزل الله إلا جعل الله باسهم بینهم[۱]».

حضرت ابن عمر رضی الله عنه نقل می‌کند: که رسول اکرم ﷺ روزی به ما ارشاد فرمودند: «ای مهاجرین! در پنج چیز اگر شما مبتلا شدید و خدا نکند که شما مبتلا شوید (آن پنج چیز دیگر را به دنبال خواهند داشت بعد از آن تفصیل آنها را بیان فرمودند) ۱ـ زمانی که در قومی بی‌حیایی به صورت آشکار انجام گیرد در آنهای مرض طاعون و امراض جدیدی پخش خواهد شد که در گذشتگان آنها نبوده است. هر قومی که در ترازو نابرابری کند بسبب قحط و کار طاقت فرسا و پادشاهٔ ظالم عقوبت می‌شود. ۳ـ کسانی که زکوة مال خود را پرداخت نکنند برای آنها باران نمی‌بارد حتی که اگر چهارپایان گوسفند و گاو و خر و اسب و غیره

---

۱ - رواه ابن ماجة

نبودند باران کلاً قطع می‌شد. ۴ـ و هر قومی که پیمان الله و رسول را بشکنند خداوند از بیگانگان دشمنی بر آنها مسلط می‌کند که اموال آنها را در ملکیت خود دربیاورد. ۵ـ در هر قومی که انسانهای با اقتدار خلاف کتاب الله داوری کنند و در احکام خداوندی اختیار و انتخاب خود را اجرا کنند آنها دچار اختلاف خانوادگی خواهند شد.

اولین صحبتی که آنحضرتﷺ ارشاد فرمودند: اینکه در هر قومی که بصورت آشکارا بی‌حیایی انجام بگیرد میان آنها حتماً طاعون پخش می‌شود و بیماریهای بی‌شمار و مختلفی در بین آنها ظاهر خواهد شد که در زمانه پدران و پدر بزرگانشان دیده نشده است؟

امروزه بی‌حیایی خیلی عام شده است و آنچه در خیابانها، پارکها، رقاص خانه‌ها، جشن‌ها و در هتلها و مراسم ملی و حزبی از قبیل کارهای خلاف عفت انجام می‌گیرد لازم به اظهار کردن و گفتن نیست. افراد مطلع و کسانی که روزنامه‌ها را مطالعه می‌کنند آنها بخوبی می‌دانند (که در شهرها چه می‌گذرد) نتیجه این فحاشی و بی‌حیایی همان امراض و وبای جدیدی است که پزشکان از معالجه آنها عاجز شده‌اند. هر چقدر پیشرفت پزشکان در علم بیشتر شود امراض جدیدتری ظاهر می‌شود. پیامبر راستگوی خداﷺ می‌فرماید: تا زمانیکه بی‌حیایی از بین نرود امراض جدید هم از بین نخواهند رفت.

بی‌حیایی چطور از بین می‌رود که امروزه آموزش بی‌حیایی در مدارس، سینماها و در جاهای دیگر کلاس دارد، و بی حجابی یکی از برنامه‌های زندگی قرار گرفته است و رقص و سرود و عریانی مد شده است. ظلم در اینجا است که در گذشته این کارها را گناه می‌دانستند اما هنرپیشه‌ها و کارگردانان غربگرای امروزی، موسیقی و عریانی و بی‌حجابی را از برنامه‌های اسلام



می‌دانند.

و در این مورد احادیث و روایتها و حکایتهای بی‌سند را پشتوانه خود قرار می‌دهند و یا آیات و احادیث را ترجمه غلط کرده و مردم را فریب می‌دهند. ﴿فسیلعم الذین ظلموا آی منقب ینقلبون﴾

مسئله دومی که آن حضرتﷺ ارشاد فرمودند: که هر قومی در ترازو (یعنی وزن کردن) کم می‌کند موجب می‌شود تا قحط زیاد شود و مردم زیر ظلم رهبرانی عذاب بکشند. کم کردن در ترازو (وزن کردن) گناه کبیره است که سبب محرومیت از نعمتهای دنیا و آخرت خواهد شد. در قرآن شریف آمده است که:

﴿ وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِيْنَ الَّذِيْنَ إِذَا اكْتَالُوْا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُوْنَ وَ إِذَا كَالُوْهُمْ أَوْ وَزَنُوْهُمْ يُخْسِرُوْنَ أَلَا يَظُنُّ أُولٰئِکَ أَنَّهُمْ مَبْعُوْثُوْنَ لِيَوْمٍ عَظِيْمٍ يَوْمَ يَقُوْمُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعٰلَمِيْنَ﴾ [1]

«وای حقوق مردم کاهندگان را به آنکه چون برای خود پیمایند از مردمان به سختی تمام بگیرند و چون خواهند که پیموده بدهند ایشان را یا سنجیده بدهند ایشان را زیان رسانند»

بارها در جاهای مختلف قحط سالی می‌شود. دولتمردان و مردم پریشان می‌گردند. سبب آن معاصی و گناهان هستند که یکی از آنها کمی در وزن است چنانچه در حدیث شریف وارد شده است که زمانی که موادّ خوراکی کمیاب می‌شود مسلماً بدست آوردن آن بدون مشقت و تلاش حاصل نمی‌شود امروزه حکومتها از کشورهای دیگر مایحتاج روغن و برنج را تهیه می‌کنند و

۱ - مطففین ۳

یا با شعار فرزند کمتر زندگی بهتر و با شعار پیشرفت در علم کشاورزی عقیده دارند که کمبود خوراکی جبران می‌شود.

اما تا زمانیکه در کارها و معاملات از ایمان داری و امانت داری کار گرفته نشود غذایی جبران و بهبود نخواهد شد. در زمان جاهلیت مردم عرب بخاطر ترس از فقر و اینکه نتوانند شکم بچه‌های شان را سیر کنند آنها را می‌کشتند، قرآن شریف ارشاد می‌فرماید:

﴿وَ لاَتَقْتُلُوْهُمْ خَشْيَةَ إِمْلاَقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَ إِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيْراً﴾[1]

«و مکشید اولاد خود را از ترس تنگدستی ما روزی می‌دهیم ایشان را و شما را هر آئینه کشتنایشان هست گناهی عظیم.»

خداوند عالم می‌فرماید که شما و اولاد شما را من رزق می‌دهم انسان از خدا فراموش شده خودش را مسئول رزق می‌داند همانطور که یادآوری شد اعراب جاهل بعد از متولد شدن بچه از ترس رزق، آنها را می‌کشتند و در حال حاظر انسانهای متمدن از ترس رزق با افزایش نسل دشمن شده‌اند که کار هر دو گروه در عمل فرق دارد ولی نظریه شان یکی است. از تمام تدبیرها صحیح ترین تدبیر این است که مردم و رهبران با ایمان و روحانی تربیت شوند و اعمال صالحه را اختیار کنند. از پایمال کردن حق دیگران و خوردن اموال دیگران و از بدحسابی و کمی در وزن دوری کنند اگر چنین نکردند، کمی رزق، قحط سالی پی در پی، زحمت فراوان گریبانگیر مردم و حکومتها خواهد شد. در حدیثی آن حضرتﷺ برای کسانی که متر و وزن می‌کردند

۱- بنی اسرائیل ۳۱

فرمود: «إنکم قدولیتم أمرین هلکت فیهما الأمم السابقة قبلکم»[۱] «دو چیز به شما سپرده شده است (یعنی متر کردن و وزن کردن) که در مورد این دو چیز امتهای گذشته هلاک شدند».

نکته سوم اینکه آن حضرتﷺ ارشاد فرمودند: «کسانی که زکات نمی‌دهند باران هم بر آنها نمی‌بارد اگر چهارپایان نمی‌بودند باران کاملاً قحط می‌شد». معلوم شد که ندادن زکات سبب نباریدن باران و قحط سالی است پس حق است که از نپرداختن زکات (که جرم عظیم و گناه کبیره است) یک قطره باران هم نمی‌بارید اما الله تعالی برای بعضی از مخلوقات مثل جانوارن و چهارپایان کم و بیش باران نازل می‌فرمایند که به سبب آن انسانها ارتزاق می‌کنند. چه جای شرمندگی است که خود انسان‌ها لایق و مستحق باران نمی‌شوند بلکه به خاطر جانوران آب نصیب شان می‌شود و در موقع کاشت کردن هم همین طور این امر هم قابل ذکر است که آمدن باران لازمه روییدن نباتات نیست زیرا که از آمدن باران زیاد، بعضی وقتها محصولات کم می‌شود. و چه بسا محصولات زیاد می‌شود اما درکنارش بی‌برکتی می‌آید اگر تعلق با الله تعالی درست باشد و توجه به حقوق دیگران و ادای فرائض مورد نظر باشد آن وقت باریدن باران رحمت شده و به سبب آن در محصولات برکت می‌آید.

در یک حدیث آن حصرتﷺ ارشاد فرمودند.

«إقامة حد من حدود الله خیر من مطر أربعین لیلة فی بلاد الله»[۲]

«اقامه کردن حدی از حدود خدا از باریدن ۴۰ روز در شهرهای الله تعالی

۱- ترمذی عن ابن عباس

۲- رواه ابن ماجه

بهتر است» یعنی باریدن باران در چهل شب آن خوشحالی و ارزانی را نخواهد داشت که از اقامه کردن حدی از حدود خدا میسر می‌گردد.

در یک حدیث آن حضرتﷺ ارشاد فرمودند:

«**لیست السنة بأن لا تمطروا و لکن السنة أن تمطروا و تمطروا و لا تنبت الأرض شیئاً**»[1]

«قحط سالی این نیست که باران نبارد بلکه قحط سالی این است که باران پشت سر هم ببارد و از زمین چیزی نروید».

هنگامی که باران می‌بارید آن حضرتﷺ در بارگاه الهی عرض می‌کردند: «**اللهم صیبا نافعاً**» بارالها! باران نافع نازل فرما.

یعنی برای مطلق باریدن باران دعا نمی‌کردند بلکه برای باران نافع دعا می‌کردند. بخاطر اینکه در باران ضرر هم وجود دارد مثلاً سیلاب یا حادثه‌ای دیگر پیش می‌آید.

دانشمندان قرن حاظر برای پیشرفت کاشت و برداشت تدبیرهای زیادی می‌کنند و درکنار اینها دعوت به نافرمانی الله تعالی هم می‌دهند وکسانی راکه زکات می‌دهند و یا ترغیب به زکات می‌دهند آنها را به باد تمسخر گرفته و اهمیت و عظمت زکات را در جلوی آنهاکم نشان می‌دهند حال با توجه به طرز تفکر فراوانی رزق و نزول باران رحمت چطور صورت بگیرد؟

نکته چهارم این که آن حضرتﷺ ارشاد فرمودند هر قومی که عهد خدا و رسول را می‌شکند الله تعالی از بیگانگان دشمنی را بر آنها مسلط می‌کند که اشیاء مملوکه آنها را تصاحب کند که اکنون ما با چشمان خود می‌بینیم. ما آن

۱-رواه مسلم

عهد و پیمانی که با خدا و رسولش را بسته بودیم بر همگان روشن است. الله تعالی را رب روزی دهنده و بر آورنده حاجت دنیا و آخرت و معبود برحق قبول بکنیم و بر طریقه نورانی فخر عالم حضرت محمد مصطفیﷺ زندگی کنیم تا زمانی که بر این قول و قرار پایبند بودیم در تمام عالم با هیبت بودیم در هر میدانی فتح و پیروزی قدمهای ما را بوسه می‌زد و دشمن همیشه مغلوب بود، هر کجا که می‌رفتیم با احترام بودیم. وقتی عهد الله و عهد رسول او را شکستیم ممالک مفتوحه از قبضه ما بیرون رفتند و ما مغلوب شدیم و محکوم دشمنان شدیم ما را قتل عام کردند، اموال و املاک ما را به تاراج بردند کاری کردند که از تصور هم بیرون است.

نکته پنجم، جناب رسول اکرمﷺ ارشاد فرمودند که کسانی که خلاف قرآن حکم بکنند آنها دچار خصومات خانوادگی می‌شوند. مصداق این ارشاد در مقابل چشمهایمان است که امروز در دنیا حکومتهای غیر مسلمان در کنار رهبران و فرماندهان مسلمان به ناحق احکام و قانون صادر کرده و داوری ظالمانه می‌کنند. زندگی کردن بر طبق دستورات کتاب الله و عمل کردن بر قوانین اسلام و اختیار کردن نظام عدل و انصاف اسلام را خیالی و به افسانه تعبیر می‌کنند. رهبران بجای اینکه کتاب الله را قانون اساسی خود اعلام کنند نظام دمکراسی اساس حکومت خود اعلام می‌کنند و دین را از سیاست جدا می‌دانند، آنها می‌پندارند که اگر دستورات کتاب الله را در کشور خود پیاده کنند در بین حکومتهای دنیا خوار شده و در جهان سرافکنده می‌شوند امروز حال کشورهای اسلامی مشهود است آنان کتاب الله را پشت سر انداخته‌اند و مطابق نظام جمهوری آمریکا و اروپا داوری می‌کنند بهمین خاطر درگیر جنگ‌های داخلی هستند. وزارتخانه‌ها زیر آماج تبلیغات سوء رقیب مخالف

متزلزل می‌شوند و چه بسا که وزراء و رهبران حکومتی ترور می‌شوند. آنچه که بیشتر مایه تأسف است اینکه اگر بین دو کشور اسلامی اختلافی بوجود آید با کشورهای غیر مسلمان تعلق و دوستی خود را افزایش داده و برای مقابله یکدیگر از آن کشور کمک می‌گیرند و آنها را ترجیح می‌دهند. **إنا لله و إنا إلیه راجعون**

در حدیث شریف به قانون گذاران دور حاضر هم اشاره شده است که خلاف کتاب الله داوری می‌کنند و در احکام خداوندی ایده‌های خود را پیاده می‌کنند.

امروزه بسیاری از غربزدگان که عربی را بخوبی بلد نیستند می‌کوشند احکام قرآن را تحریف و تغییر دهند. بعضی‌ها قربانی را ضایع کردن مال گفته و برای از بین بردن آن مشوره می‌دهند و بعضی‌ها برای جواز ربا و بهره رساله نوشته پخش می‌کند. بعضی‌ها در این فکر هستند که اجازه تعدد ازدواج را منسوخ کنند. بعضیها نماز سفر را تنگی و سختی می‌دانند. **(الی غیر ذلک)**

چنین انسانهایی برای یک کشور اسلامی آفت هستند. اسلام را همانند پندت‌ها و پادری‌ها طوری می‌خواهند درست کنند که بتوانند در دین حذف و اضافه کرده و اختیار را بدست خود بگیرند. **(اعاذنا الله منهم)**

محبت دنیا دلها را ضعیف می‌کند

۴) و عن ثعبان رضی الله تعالی عنه قال: قال رسول الله صلی الله علیه وسلم: «یوشک الأمم أن تداعی کما تداعی الاکله إلی قصعتها» فقال قائل: و من قلة نحن یومئذ قال: «بل انتم یومئذ کثیر و لکنکم غثاء کغثاء السیل و لینزعن الله من صدور عدوکم المهابه منکم و لیقذفن فی قلوبکم الوهن»

قال قائل: یا رسول الله و ما الوهن قال: «حب الدنیا و کراهیة الموت» (رواه ابوداود والبیهق فی دلائل النبوة)

از حضرت ثوبان رضی الله عنه روایت است که یک مرتبه مصلح اعظم صلی الله علیه وسلم ارشاد فرمودند: «زمانه‌ای می‌آید که جماعتهای (کفر و باطل) با همدیگر یکی شده و برای از بین بردن شما طوری جمع می‌شوند همچنان که برای غذا خوردن در سر یک سفره جمع می‌شوند». این را شنیده یکی عرض کرد که آیا ما در آن روز کم هستیم؟ آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند: «خیر شما در آن روز خیلی زیاد هستید اما شما به مانند برگها و اشغال‌های سیلاب خواهید بود و در آن زمان الله تعالی رعب شما را از دل دشمنان بیرون می‌کند و در دل شما ضعف پیدا می‌کند». یکی عرض کردند که (سبب) ضعف چه چیزی است؟ آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند: «محبت دنیا و ترس از مرگ».

فائده: از سالهاست که این پیشین گویی‌ها کلمه به کلمه صدق می‌کنند و مسلمانها امروز این حالت زار خود را با چشمانشان می‌بینند که هیچ قومی آنها را با عزت و احترام نگاه نمی‌کنند و وجود مسلمانان را بر روی زمین تحمل نمی‌کنند. زمانی بود که اقوام دیگر برای خودشان حکام مسلمان انتخاب می‌کردند و حال چنین است که اقوام غیر مسلم در قلمرو خودشان زندگی مسلمانها را تحمل نمی‌کنند. آنها دوست دارند تمام مسلمانان دنیا در یک وقت و در یک ساعت از بین بروند هرگز این طور نخواهد شد این پیش گویی در بعضی احادیث موجود است البته چنین اتفاق افتاده است که مسلمانان در یک منطقه‌ای حکومت و دولت داشته‌اند، اما بعد از انقلاب نتوانسته‌اند زنده بیرون شوند. اسپانیا یکی از مثال‌های بارز و مشهور این نوع از اتفاقات است.

چرا مسلمانان خوار و ذلیل هستند با توجه به اینکه تعداد آنها بیش از حد است چرا توجه‌شان بیشتر بطرف بیگانگان می‌باشد؟ جواب اینها را هادی عالمﷺ ارشاد فرمودند که محبت دنیا و ترس از موت باعث این حال می‌باشد.

زمانی که مسلمانان دنیا را محبوب نمی‌دانستند و در مقابله جنت (که بغیر از موت نمی‌رسید) زندگی دنیا در نگاهشان هیچ حقیقتی نداشت با اینکه تعدادشان کم بود بر تمام اقوام غالب بودند. در راه الله تعالی جهاد می‌کردند حتی که بر بیگانگان هم حکومت می‌کردند. الان حالی که ما داریم خودمان می‌توانیم آن را عوض کنیم. بشرطی که مثل مسلمانان گذشته دنیا را ذلیل و موت را عزیزتر از جان بدانیم، وگرنه ذلت بیشتر خواهد شد. **(فاعتبروا یا أولی الأبصار)**

خداوند حال هیچ قومی را تا امروز تغییر نداده است مگر این که آنها خودشان بخواهند.

وبال ظلم و کنجوسی

۵) و عن أبی‌موسی رضی الله تعالی عنه قال: قال رسول الله صلی علیه وسلم: «ان الله لیملی الظالم حتی إذا أخذه لم‌یفلته ثم قرأ و کذلک أخذ ربک إذا أخذا القری و هی ظالمة» الآیة[1]

از حضرت ابوموسیؓ روایت است که رسول اللهﷺ ارشاد فرمودند: «که الله تعالی ظالم را مهلت می‌دهند و زمانی که آن را گرفتار

۱- متفق علیه

می‌کند دیگر او را نمی‌گذارد». بعد از آن برای تاکید فرمان خود این آیت را تلاوت فرمود

وَ کَذٰلِکَ أَخْذُ رَبِّکَ إِذَا أَخذ الْقُرىٰ وَ هِیَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِیْمٌ شَدِیْدٌ [1]

ترجمه: «و همچنین‌ست گرفتار کردن پروردگار تو چون در گرفت کند دیه‌ها را و آنها ستمگار باشند.»

در یک حدیث آمده است که شخصی گفت ظالم ظلم می‌کند و فقط جان خود را در مصیبت می‌اندازد حضرت ابوهریره این سخن را شنیده فرمودند: که خیر، ظلم ظالم به همه آسیب می‌رساند حتی گنجشکها از ظلم ظالم در لانه هایشان می‌میرند. (مشکوة)

یعنی این سخن صحیح نیست که اثر ظلم ظالم فقط به ظالم می‌رسد بلکه انسانهای که در کنار او هستند و حتی جانوران نیز به این آفت مبتلا می‌شوند.

٦) و عن جابر رضی الله تعالی عنه قال: قال رسول الله صلی الله: «علیه و سلم اتقوا الظلم فإن الظلم ظلمات یوم القیامة واتقوا الشح فإن الشح أهلک من کان قبلکم حملهم علی أن سفکو دماء هم و استحلوا محارمهم» [2]

از حضرت جابر رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم ﷺ فرمودند: «از ظلم بپرهیزید چرا که ظلم در روز قیامت تبدیل به تاریکی‌ها شده و در جلوی انسان می‌آید و از بخل هم دوری کنید بخاطر اینکه بخل انسانهای قبل از شما را هلاک کرد».

در این حدیث بر اجتناب از ظلم و بخل تاکید شده است. این هر دو سبب هلاکت قومها، جماعتها و خانواده‌ها هستند و سبب شکنجه، آفات و مصائب

۱- هود ۱۰۲ ۲- رواه مسلم

هم هستند امروزه ظلم و بخل در انسانهای خوب وجود دارد خرج نکردن در مواردی که خدا دستور خرج کردن داده است، شرعاً بخل و بخیلی به حساب می‌آید. محبت پول و هوس و دولت بر دلها نقش بسته است و بخاطر همین کارهای حرام را نمی‌توانند ترک کنند برای اداکردن حقوق اهل حق سرشت آدمی آماده نمی‌شود و برای خوردن حقوق دیگران دلایل و تدبیرهای فکر می‌کنند که نتیجه آن ارتکاب گناه است.

ظلم گناه خیلی بزرگی است و سزای آن در دنیا و آخرت خیلی عبرتناک است. از حدیث شماره ٦ معلوم شد که جزای ظالم اگر زود نرسد خانواده و اطرافیانش این فکر را نکنند که جزا داده نمی‌شود، و زندگی او به آرامی خواهد گذشت. از صبر الله تعالی فریب نخورد چون ناگهان مؤاخذه می‌کند و آن مواخذه خیلی سخت خواهد بود، در آخرت ظلم تبدیل به چنان تاریکی شده و در جلوی او قرار می‌گیرد و به او اجازه نمی‌دهند تا از روشنایی صاحبان نور استفاده کند در نتیجه راه نجات را نخواهد دید.

کتابهای تاریخی و انسانهای مسن گواهی می‌دهند که هر حکومت یا قوم و فردی که ظلم را پیشه خود کرده است سرانجام آن به نابودی کشیده شده است. در شریعت مطهره، ظلم حرام است همیاری ظالم هم حرام است، در یک حدیث ارشاد آن حضرت ﷺ است:

«من مشی مع ظالم لیقویه و هو یعلم أنه ظالم فقد خرج من الاسلام» [۱]

کسی که به قصد تقویت ظالم با او همراه شود و بداند که او ظالم است او از دایره اسلام خارج می‌شود. در این حدیث حکم کسی بیان شده است که با ظالم

۱- بیهقی فی شعب الایمان

کمک و همدستی بکند (حکم او این است که) از اسلام خارج می‌شود. حکم خود ظالم را شما خود قیاس کنید.

امروزه حاکمان ظالم، زمینداران و دولتمردان که بر زیردستان و کارمندان ظلم می‌کنند این حدیث را به دقت مطالعه نمایند. بر همگان لازم است که از دعای بد مظلوم ـ کسی که بر او ظلم شده است ـ خود را نجات دهند.

از حضرت علی کرم الله وجهه روایت است که آن حضرتﷺ ارشاد فرمودند: «ایاک و دعوة المظلوم فإنها لیسأل الله تعالی حقه و إن الله لا یمنع ذا حق حقه»[1]

«بترس از دعای مظلوم بخاطر اینکه دعای او حتماً قبول می‌شود و علت آن این است که او حق خود را از الله تعالی می‌خواهد و بی‌شک الله تعالی حق، حق دار را می‌دهد».

و در حدیث دیگر آن حضرت صلی الله علیه و سلم ارشاد فرمودند: «اتق دعوة المظلوم فانه لیس بینها و بین الله حجاب»[2]

«بترس از دعای بد مظلوم بخاطر اینکه در میان او و الله تعالی هیچ پرده‌ای نیست».

نیز ارشاد فرمودند که: صدای مظلوم را بر بالای ابرها بلند کرده می‌شود و آن دروازه‌های آسمانها باز می‌شود و پروردگار عالم می‌فرماید که قسم به عزت من که حتماً تو را کمک خواهم کرد اگر چه بعد از مدتی باشد. (ترمذی شریف)

۱- البیهقی فی شعب الایمان

۲- بخاری و مسلم

خیلی از افراد خانواده‌های امروز به مصائب و آفات مبتلا هستند که آه مظلومان آنها را به چنین روزی مبتلا کرده است. عاجزان و بی کسان را به مشکلات انداختن و حقوق آنها را خوردن ممکن است چند روزی با آرامش بگذرد ولی وقتی آه و زاری مظلوم اثر خود را نشان دهد تمام لذتها و عزتها و شهرت و دولت با خاک یکسان می‌شود و یک عبرت باقی می‌ماند.

بترس از آه مظلومان که هنگام دعا کردن

اجابت از در حق بهر استقبال می‌آید

از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله تعالی علیه وسلم ارشاد فرمودند: که هر کس از شما به برادر خود ظلم کند یا آبروی او را ببرد و یا حقش را پایمال کند باید که امروز حق او را ادا کرده یا از او معافی بخواهد قبل از اینکه آن روزی فرا رسد که در آنجا نه دیناری است و نه درهمی. اگر او اعمال خوبی داشته باشد به اندازه ظلم از اعمال او گرفته می‌شوند و اگر نیکی نداشت بدیهای مظلوم را بر روی او می‌اندازند. (بخاری شریف)

در جای دیگر آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند: مفلس چه کسی است؟ صحابه عرض کردند که ما مفلس کسی را می‌دانیم که در اختیارش پول و مال نباشد. آن حضرت صلی الله علیه و سلم این سخن را شنیده فرموند: مفلس حقیقی امت من، آن کسی است که در روز قیامت، روزه و زکات با خودش می‌آورد (نماز خوانده و روزه گرفته زکوة ادا کرده) اما در میدان محشر در حالی می‌آید که کسی ما را دشنام داده و به کسی تهمت زده و مال کسی را به ناحق خورده و خون کسی را پایمال کرده و کسی را زده است و چون روز قیامت روز تسویه حساب خواهد بود بخاطر همین تسویه حساب ثواب نماز، روزه،

زکات و نیکی‌هایش به را به این حقداران می‌دهند. اگر ثواب و نیکی‌هایش قبل از تکمیل حقوق اشخاص تمام شود گناه آنها را بر سر او انداخته و او را به جهنم می‌فرستند. (مسلم شریف)

از این حدیث معلوم می‌شود که ظلم فقط خوردن مال مردم نیست، بلکه دشنام دادن تهمت زدن، به ناحق کسی را زدن، بی‌آبرو کردن همه داخل ظلم هستند. خیلی از انسانها فکر می‌کنند که ما دیندار هستیم اما از این اعمال ذره‌ای دوری نمی‌کنند.

این را به یاد داشته باشید که خداوند حقوق خود را با توبه و استغفار معاف می‌کند اما حقوق بندگانش را زمانی معاف می‌کند که اداکرده شوند یا معاف کنند.

۷) و عن أبی‌هریرة رضی الله تعالی عنه قال: قال رسول الله تعالی علیه و سلم: «إذا اتخذ الفیئ دولا و الأمانه مغنما و الزکواة مغرما و تعلم لغیر الدین و أطاع الرجل امرئته و عق أمه و أدنی صدیقه وأقصی أباه و ظهرت الأصوات فی المساجد و ساد القبیلة فاسقهم کان زعیم القوم أرذلهم و أکرم الرجل مخافه شره و ظهرت القنیات و المعازف و شربت الخمور و لعن أخر هذه الأمه أولها فار تقبوا عند ذلک ریحاً حمرا و زلزلة و خسفا و مسخا و قذفا وایات تتابع کنظام قطع سلکه فتتابع»[1]

زمانه آمدن عذابهای پی در پی

از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم ﷺ ارشاد

۱- رواه الترمذی

فرمودند: زمانی که مال غنیمت را اشیاء خانه بدانیم و امانت را غنیمت شماریم و از آن استفاده کنیم و زکوة را ضرر بحساب آوریم و برای رزق تعلیم دینی حاصل کنیم و مردان اطاعت همسران و نافرمانی مادران را بکنند و دوست خود را نزدیکتر از پدر و مادر بدانند و در مساجد شلوغی باشد و بزرگان قبیله و خانواده‌ها انسانهای بی دین بوده و رهبران قوم انسانهای ناباب باشند و مردم صرفا بخاطر اینکه از شر بعضیها در امان باشد برای آنها احترام قایل شوند و زنهای رقاصه و خواننده و وسایل رقص و آواز عام شود و شراب نوشیده شود پس در این زمان انتظار آمدن زلزله، هوای سرخ، فرورفتن در زمین، آمدن سنگ از آسمان مسخ شدن صورت را داشته باشید و در کنار این عذابها نشانیهای دیگری را هم انتظار بکشید که پی در پی ظاهر می‌شوند مثل پاره شدن نخ تسبیح که دانه‌های آن پشت سر هم می‌ریزند».

توضیح: از حضرت علی رضی الله عنه نیز این هم روایت شده و در آن این هم ذکر شده است که روزگاری می‌آید که مردها لباس ابریشمی می‌پوشند (مشکوة عن الترمذی ایضاً)

در این حدیث خبرهایی که داده شده است در زمان حاضر ظاهر شده‌اند و نتیجه بعضیها (یعنی زلزله و غیره) در جاهای مختلف به وقوع پیوسته و اگر بر کارنامه امت مرور کرده و با این عذابها مقایسه کرده شود که بصورت زلزله و غیره می‌بینیم در مورد این حدیث یقین ما کامل خواهد شد که هرچقدر ما آفات و مصائب می‌بینیم، نتیجه اعمال وکردارهای ما می‌باشد. اجزای این حدیث جداگانه ذیلاً توضیح داده می‌شود.

أتخذ الفیئی دولا: مال غنیمت را اشیاء خانه دانستن نیز از نشانه‌های قیامت

است شرح این حدیث را صاحب «لعمات» چنین نوشته است: «و المراد فی الحدیث أن الأغنیاء و أصحاب المناصب یتداولون أموال الفیء یمنحو من مستحقیها و یستأثرون بحقوق الفقراء»

مقصود این است که: سرمایه داران و مسئولان مال غنیمت راکه حق عموم مسلمانان و فقراء و مساکین است بین یکدیگر تقسیم کرده و به جای دادن به مستضعفین و فقراء تنها خودشان استفاده می‌کنند.

آخرین جمله صاحب لعمات و یستأثرون بحقوق الفقراء (ثروتمندان حق فقراء را خودشان می‌خورند) به این شاره می‌کند که در حدیث شریف مال غنیمت به طور مثال ذکر شده، مطلب این است در دنیا افراد با قدرت و با نفوذ و سرمایه داران، حقوق فقراء را پایمال می‌کنند مثلاً امروزه در مورد اوقاف ما با چشمهایمان می‌بینیم که متولیان مساجد و مدارس و دیگر دست اندرکاران اوقاف مستضعفین را از حقوقشان محروم می‌کنند و خودشان از امکانات استفاده می‌کنند و در صورت حسابها، صورت‌های کاذب نوشته و اموال را به جیب خود می‌زنند.

«و الأمانة مغنما» (و امانت را غنیمت دانستن) یعنی آن را حیف و میل می‌کنند مثلاً کسی مال امانت را پیش آنها بگذارد آنها در آن خیانت می‌کنند و از آن استفاده می‌نمایند بطوریکه گویی مال خودشان است و گویا از میدان جهاد بطور غنیمت بدست آورده‌اند و یا میراث پدر و پدربزرگانشان است.

«و الزکوة مغرما» (و زکوة را تاوان دانستن) یعنی دادن زکوة بر او سنگین و ناگوار باشد بطوریکه ناگهان به او ضرری برسد یا بغیر ضرورت مال خود را خرج کند، در زمان ما در مورد زکوة همین طور است، که در میان سرمایه داران دادن زکوة خیلی به سختی صورت می‌گیرد و کسانی که هم می‌دهند با

خوش دلی نمی‌دهند، خیلی کم هستند کسانی که در راه خدا خرج کنند.

«و تعلم لغیر الدین» و تعلیم دین برای غیر دین (یعنی دنیا) حاصل شود، امروزه اکثر انسانها که بخاطر دنیا جاه، دولت، ثروت، پست و مقام، تعلیمات دینی را می‌آموزند. اگر چیزی برسد آنگاه وعظ (سخنرانی) می‌کنند و قرآن و تجوید یاد می‌دهند و امامت می‌کنند، و احساس مسئولیت برای این امور باعث می‌شود که پنج وقت در مسجد حاضر می‌شوند، و اگر کارمندی و حقوق از دست آنها برود برای الله تعالی یک ساعت هم حاضر نیستند که درس قرآن و حدیث بدهند و اگر امامت از دست رفت اهتمام جماعت هم از دست می‌رود.

«و اطاع الرجل امرأته و عق أمه» یعنی زنش را اطاعت کند و مادرش را اذیت کند یعنی خواسته زن خود را چه جائز چه ناجائز برآورده سازد و بجای اینکه خدمت مادرش را انجام دهد برعکس او را اذیت می‌کند نه حرفش را می‌پذیرد و نه در فکر آسایش اوست در حال حاضر این حرکتها را می‌بینیم.

«و أدنی صدیقة و أقصی أباه»: و دوست خود را نزدیک‌تر از پدر خود می‌داند، یعنی: قدر و منزلت دوست را در دل بیشتر از پدر دارد و به فکر خدمت و راحتی او نیست. گفته‌های دوست مقدم است بر گفته‌های پدر. در روایت حضرت علی ﷺ چنین آمده است: «و بر صدیقه و جفا أباه» یعنی: به دوست خود حسن اخلاق نشان می‌دهد و به پدر ظلم می‌کند. بطوری که امروز این واقعیات را ما با چشمان خود می‌بینیم، که انسانها از خدمت پدر و مادر خود غافل هستند.

«و ظهرت الاصوات فی المساجد»: و در مسجد سر و صدا است. یعنی ادب و احترام مسجد از دلها بیرون رفته و در مساجد آوازهای بلند از قبیل فریاد زدن و قهقهه کردن شروع شود، امروزه حال بعضی از مساجد مسلمانان

همین طور است که مساجد را مکانی برای گروهها و احزاب درست کرده‌اند، جای دعوا و درگیری است و مکانی خوب برای غیبت است.

«و ساد القبیلة فاسقهم و کان زعیم القوم أرذلهم»: بزرگان قبیله و خانواده‌ها به دین پایبند نیستند، بطوری که امروزه ما می‌بینیم که به حرف انسانهای متقی در خانواده‌ها توجه نمی‌کند، بلکه انسانهای بی دین را بزرگ قبیله و خانواده می‌دانند، و زمانی که گروه یا انجمنی درست می‌شود گویا اغراض و مقاصدش محض دینی و اسلامی هستند و نامش هم خالص مذهبی است، اما رئیس راکسی می‌گذارند و انتخاب می‌کنند، که در او دین داری و پرهیزگاری، خداترسی، رحم، زهد، دیانت، امانت و هیچ حسنی در وجودش نیست.

«و أکرم الرجل مخافة شره» و عزت و احترام انسان را به این خاطر می‌کنند که از او ضرری نرسد یعنی ادب و احترام، تعظیم و اکرام در دل نیست بلکه در ظاهر می‌باشد که حال این چنین رواج دارد. و یا اگر فلان شخص را تکریم و احترام نکنیم ممکن است که مشکلاتی درست کند و از اقتدار مال و دنیایش که به غرور آمده معلوم نیست کی و چه وقتی مصیبتی ایجاد کند و این حال روز به روز بیشتر می‌شود که هرکسی را در جلویش عزت میدهند ولی پشت سرش به او دشنام می‌دهند.

«و ظهرت القینات و المعازف»: زنهای رقاصه و خواننده و وسایل رقاصی رایج می‌شود بطوریکه امروز همه ما می‌بینیم، که به کسی پولی برسد یا از اضافه کاری بدست آورد اول از همه خریدن وسایل لهو و لعب را ضروری می‌داند و خریدن وسایل صوتی تصویری را معیار ترقی و علامت آسودگی تشخیص میدهد. به آوازهای بلند و مسخره گوش می‌کنند و بر بعضی از قبرها

به نام یادواره جلسه و گردهمایی هایی گرفته می‌شود که یک حالت تفریحی دارد به خواندن و رقصیدن مشغول می‌شوند بطوریکه نماز خواندن را فراموش می‌کنند امروزه دیده می‌شود که بر مزار بعضی از بزرگان چنین اعمال بدعت انجام می‌شود. رسول خداﷺ ارشاد فرمودند که ترانه (موسیقی) در دل نفاق پیدا می‌کند مثل آب که گیاه را می‌رویاند. (بیهقی)

و نیز آن حضرتﷺ فرمودند: رب من، مرا برای تمام جهان رحمت و هادی خلق کرده و فرستادند و به من حکم داده شده که اسباب رقاصی و خوانندگی و بت و صلیب و چیزهای جاهلیت را از بین ببرم (رواه احمد)

امروزه موسیقی جزو اهم زندگی قرار گرفته است، و معیار ازدواجهای زندگی اینقدر عوض شده‌اند که برای انتخاب همسر، خدا ترسی را معیار قرار نمی‌دهد، بعضی از مردها زنهای رقاصه را انتخاب می‌کنند و بعضی زنها به دنبال تفریح‌های نادرست و برای بدست آوردن مال و ثروت و حاصل کردن شهرت هستند و خانواده‌های شریف عزت خود را از بین برده‌اند.

در بعضی از مدرسه‌ها و دانشگاها روش تعلیم رقص و آواز خوانی آموزش داده می‌شود.

رادیو بهترین وسیله برای رساندن تعلیمات، اخلاق پسندیده، و سخنان مفید و حکمت آمیز است. ولی اکثراً ترانه و موسیقی از آن پخش می‌شود. افسوس که مسئولین این زمانه کمتر به فکر اصلاح و رشد معنوی مردم هستند.

فخر کائنات نبی رحمتﷺ برای از بین بردن بی حیائی، اسباب موسیقی، لهو و لعب تشریف آورده تا مردم را به طرف الله تعالی متوجه کند، اما افسوس که مسلمانان بجای پیروی از سنت آن حضرتﷺ مجالس خود را با لهو لعب، موسیقی و منکرات، آلوده می‌کنند و نام آن را جشن مولود و

تجلیل از پیامبرﷺ می‌نامند.

کارگردانان سینما برای عادت دادن طبقه دین دار به آمدن سینما، فیلمهای به اصطلاح اسلامی، درست کرده و به عموم مسلمانان نشان می‌دهند، و چنین آدعا می‌کنند که: ما فیلمهای اسلامی درست می‌کنیم. اما در مورد هیچ فیلمی خواه هر چقدر ادعای اسلامیت و دینداری و اصلاح جامعه را هم بکنند حتماً در آن رقص و آواز وجود دارد. و زن هم دیده می‌شود. اگر در فیلم منظره دعا خواستن را نشان می‌دهند آن هم به وسیله زن بی حجاب نمایش داده می‌شود... حتی اگر موضوعاتی چون انصاف جهانگیر یا سخاوت حاتم طایی و یا شجاعت طارق را در صحنه فیلم نشان دهند حتماً در کنار آن زنهای بی حجاب وجود دارد. امروزه در تمام کارخانه‌ها، تابلوهای آگهی و تبلیغات اعضاء و اندام زنان را به نمایش می‌گذارند و آمار زنان غیر محجبه که در دفاتر و مراکز کار می‌کنند درحال افزایش است زنان بخاطر نقصان عقلی شان فکر می‌کنند که ما به حقوق خود می‌رسیم ولی نمی‌دانند که عزت و عصمت شان در حال زوال و فنا شدن است.

در سینماها چیزی بنام اسلامی وجود ندارد چون اسلام اساسش بر شرم، حیا، عفت و عصمت است و اساس سینما برای از بین بردن و از بیخ کندن این امور نهاده شده است.

مردم می‌گویند که این تنگ‌نظری و تعصب خشک مولوی‌ها است که مسلمانان را از ترقی عقب گذاشته است. حالا آنکه بر عقل و فکر انسان افزوده می‌شود، و مناظر جنگ‌های گذشته جلوی انسان می‌آید، و تاریخ گذشته یادآوری می‌شود. واقعات عروج و زوال و عدل و انصاف سلاطین گذشته و مناظر شجاعت و دلیری مشاهده می‌شوند. با توجه به این همه منافع زیاد، چرا

رفتن به سینماها درست نیست؟!

ما می‌گوییم که اگر بالفرض فایده‌ای از فیلمی هم که باشد بنا به دلایل شرعی نگاه کردنِ آن فیلم هرگز جایز و حلال نخواهد شد. قرآن شریف شراب و قمار را ذکر کرده و فرموده است که در آن فایده هم است و گناه شان هم بزرگ است. ببینید با وجود پذیرفتن نفع آن ضرر بزرگ آن را بیان کرده و از ارتکاب آن منع کرده است. خلاصه اینکه هر چیزی که مفید باشد جایز نمی‌شود؛ لذا در کنار فایده مصلحتهای اجتماعی، انفرادی، اخلاقی، ایمانی را در نظر بگیریم پس اگر کمی منافع و فوائد را از سینما حاصل کند آیا از چیز دیگری نمی‌تواند حاصل بکند؟

ما تا امروز در مورد هیچ صاحب نظر و هیچ مهندس و دانشمندی نشنیده‌ایم که از رفتن به سینما و نگاه کردن فیلمها، عقل و دانش او بیشتر شده باشد و در مورد هیچ وزیری و رئیس جمهوری نیز نخوانده‌ایم که در سینما احوال و واقعات گذشته را دیده و در او استعداد ریاست جمهوری پیدا شده و او لایق این کار است و برای اداره کردن یک کشور آماده شده است.

بله این چیز را شنیده‌ایم که دختری از جلوی سینما گم شده است یا اینکه فلان مرد فلان زن را در تالار سینما دیده و عاشق همدیگر شده‌اند.

شما را به خدا یک کمی انصاف بکنید!!

در جایی که رقص و آواز و نمایش اعضای عریان مردها و زنها و اختلاط آنان، وجود دارد امیدی برای اصلاح و خوبی وجود دارد؟ برای فهمیدن اسباب صعود و سقوط اقوام و امم ماضیه قرآن و حدیث بس است، آیا شما برای فهمیدن قرآن و حدیث خود را فارغ کردید؟ در حالی که قرآن و حدیث انسان را به خدا می‌رساند، بد اخلاقی و بی حیایی را می‌زداید اگر شما

می‌خواهید خواهشات نفسانی را زیر پا بگذارید به قرآن و حدیث چنگ بزنید.

گردانندگان سینماها که بقول خودشان فیلمهای اسلامی درست می‌کنند و مردم را دعوت به یادگیری اسلامیات می‌دهند در حقیقت مقصد اینها فقط بدست آوردن پول است. احکامات اسلامی را که امت در طول ۱۴۰۰ سال نگه داشته‌اند آیا اکنون بدون سینما فراگرفته نمی‌شود؟ آیا رسیدن به عشق الهی و حب نبویﷺ نیاز است که سینما ایجاد شود؟ خیلی از مردم جاهل می‌گویند که ما نمی‌توانیم به زیارت کعبه شریف و گنبد خضرا (علی صاحبها الصلوة والسلام) برویم پس از همین جا چشمهایمان را شاد بکنیم. ما به اینها عرض می‌کنیم که آیا شما می‌خواهید مطابق دین زندگی کنید یا اینکه مطابق خواهشات خود عمل می‌کنید و اگر شما با الله تعالی و رسولﷺ محبت دارید پس مطابق تقاضای طبیعت و نفس خود عمل نکنید و شعائر دین را بر پردهٔ سینما تماشا نکنید.

این امر هم قابل ذکر است که کسانی که به سینماهای می‌روند اکثراً پولدار هستند که از نظر مال دنیا استعداد رفتن به حرمین شریفین را دارند و شرعاً حج بر اینها فرض است. همچنین اینها اگر واقعاً با خداوند متعال و رسولﷺ محبت دارند پس اثبات غیرت ایمانی خود را نشان بدهند آوردن مناظر حرمین شریفین در سینماها دو نقصان بزرگ دارد.

اول اینکه از دل مسلمانان رغبت رفتن به مکه معظمه و مدینه منوره بیرون می‌شود.

خیلی از انسانها شوق رفتن به حج را دارند و خانه وکار بار خود راگذاشته و به زیارت حرمین شریفین می‌روند. زمانی که در خانه نشسته‌ایم و در ظرف

سه ساعت زیارت مکه معظمه و مدینه منوره صورت می‌گیرد پس رغبت آنها برای رفتن به آنجا حتماً کمی پیدا می‌شود که این از نظر ایمانی نقصان بزرگی است.

دوم اینکه غیر مسلمانها فیلم مناظر حج را نگاه می‌کنند و چونکه در دل آنها عظمت اسلام نیست لهذا بغیر از عظمت و عقیده از دیدن مناظر حج، عزت و قدر و منزلت اسلام از دلهای آنان بیرون می‌شود.

تعلق اعمال حج با عشق و محبت است نه با امکنه و مقام ظاهری و زینت آنها، وقتی در فیلم حج اشخاصی خود را با دوچار سفید پوشانده و دور یک خانه‌ای دور می‌زنند و سنگ ریزه‌هایی را پرتاب می‌کنند اینها را وقتی که تماشا می‌کنند و بخاطر اینکه از این شعائر و الهانه و عاشقانه و رازهای پوشیده آگاهی ندارند بهمین علت دین را مورد تمسخر قرار داده و یک رکن عظیم الشان اسلام را یک عمل فضول خرچی و غیر معقول تصور کرده واز اسلام دور می‌شوند که باعث آن مدعیان اسلام هستند.

دین الله تعالی را در خانه شیطان نشان دادن واین جرم عظیم را نیکی فهمیدن چقدر جهالت و شقاوت است! و مصیبت اینجا است که از یک طرف فیلم حج به نمایش گذاشته می‌شود و از طرفی دیگر موسیقی پخش می‌شود و جلوتر یا بعد از آن همان فیلمهای بی‌حیایی و بی‌عفتی را نشان می‌دهند. بعد از فیلم حج همان فیلمهای مبتذل شروع می‌شود و سیاست این سینماها است که به بهانه این فیلمها مسلمانان را به طرف سینما دعوت بدهند در حقیقت مقصود تمام اینها همان مناظر بی‌حیایی و بی‌عفتی می‌باشد.

آه غیرت و حمیت مسلمانان را چه شد که توهین دین می‌شود و آنها نگاه می‌کنند.

﴿وَ لاَ تَتَّخِذُوْا اٰيَاتِ اللهِ هُزُواً وَاذْكُرُوا نَعمتَ اللهِ عَلَيْكُمْ وَ مَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتٰبِ وَ الحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللهَ وَاعْلَمُوا اَنَّ اللهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ﴾

وَ شَرَبَتِ الْخَمُور ... (و شراب خواری نوشیده شود) برای تشریح آن زیاد ضرورت نیست همه می‌دانند که عموماً شرابخواری صورت می‌گیرد حتی که در کشورهای اسلامی مثل کشورهای غیر اسلامی رواج یافته است درباره شراب وعیدهای که گفته شده است تشریح آن در حدیث شماره یک گذشته است.

«و لعن آخره هذه الأمه أولها»: کسانی که بعد می‌آیند در این امت به انسانهای نیک گذشته لعنت می‌فرستند.

و این پیشین گویی بر مسلمانان این زمان صادق شده است. حضرات صحابه رضی‌الله‌عنهم از دست مسلمانان دور حاضر هم محفوظ نماندند. بعضیها بخاطر علاقه‌ای که به انتقاد دارند بر اکابرین سلف تهمت و زبان درازی می‌کنند و انتقاد جزو اعظم مضامین آنها را تشکیل می‌دهد. پرداختن به بیان نقائص صحابه رضی‌الله‌عنهم و اکابر سلف صالح راکار خوبی می‌پندارند.

در نزد آنها برای اصلاح امن زباندرازی بر اکابرین سلف ضروری است بخاطر اینکه انتقاد عمل خوبی است خودشان در میدان عمل متأسفانه هیچ هستند بلکه از چشمان کور هستند. برای جواز انتقاد بزرگترین دلیل شان این است که سوای انبیاء هیچ کسی معصوم نیست.

بله این مطلب کاملاً درست است اما از کجا ثابت شد کسی که معصوم نیست در جلوی امت شخصیت او را هدف انتقاد قرار دادن ثواب دارد؟

با هر مالی، زکات مخلوط شود آن را از بین می‌برد

۸) و عن عائشة رضی الله تعالی عنها قالت: **سمعت رسول الله صلی الله تعالی علیه و سلم یقول: «ما خالطت الزکوة مالا قط إلا أهلکته»**[۱]

حضرت عائشه رضی‌الله‌عنها می‌فرماید: رسول خداﷺ فرمود: «زکات در هیچ مالی مخلوط نشده است مگر اینکه آن مال را از بین برده است.»

در این ارشاد پاک دو مطلب وجود دارد که هر دوی آن درست است.

مطلب اول: در هر مالی که زکات واجب گشته است و مال زکات را از آن تادیه نشود پس مال زکوة با بقیه مال مخلوط شده است، و این مال زکات بقیه مال را از بین می‌برد.

مطلب دوم: برای شخصی که گرفتن مال زکات جائز نیست و او مال زکات می‌گیرد و به مال خودش همراه می‌کند، پس این مال زکات مال اصلی او را از بین می‌برد در یک حدیث ارشاد است که در خشکی یا در دریا هر مالی که ضایع می‌شود سبب آن ندادن مال زکات است. (ترغیب و ترهیب)

از احادیث گذشته معلوم شد که از ندادن مال زکات آمدن باران قطع می‌شود. و از این حدیث هم معلوم شد که اگر مال زکات با بقیه مال همراه شود آن مال از بین می‌رود و این هر دو وجه درست هستند.

بعضی از انسانها مال اندوزی می‌کنند و در کارهای خلاف شرع خرج می‌کنند اما حاضر نیستند یک مقدار ناچیز از آن را به غربا و یتیمها و مساکین بدهند. چنین مالی به شکلهای مختلف از بین می‌رود.

۱- رواه الشافعی

آن ذات پاک که از فضل خودش به ما مال عطا فرموده است و ما از این که نافرمانی او را می‌کنیم به هیچ وجه ناراحت نیستیم ولی اگر در برپا کردن حکم خداوند مال خود را خرج بکنیم به نگرانی می‌افتیم. بعضی از انسانها به فکر دادن مال زکات هستند اما بدون حساب می‌دهند و یا حساب می‌کنند اما با حساب دقیق (یک چهلم) مال خود را نمی‌دهند. خصوصاً کسانی که مالهای زیاد یا به قول معروف میلیاردر هستند اینها مطابق حساب نمی‌دهند.

از متن این حدیث شریف این مطلب را هم می‌توان بیان کرد که کسی که گرفتن مال زکات برای او حلال نیست، اگر او زکات بگیرد پس این زکات باقیمانده مال او را برباد می‌دهد چنان افرادی کم نیستند که صاحب نصاب هستند و یا سادات و سید هستند و مستحق زکات نیستند مگر از حرص و هوس دنیا با زبان بازی، خود را مستحق گرفتن زکات نشان می‌دهند. عموماً ائمه مساجد و موذنها در این مسئله سخت مبتلا هستند که شوق رفتن به حج را دارند و در اختیارشان چهارصد یا پانصد روپیه موجود است اما از مردم طلب کمک مالی می‌کنند برای سفر حج که از آن هزارها روپیه خرج می‌شود در این جمع آوری کمک مردم به طور عموم مال زکات خود را می‌دهند. در نتیجه وقتی خودش مستحق زکات نیست پس این پول چطور حلال می‌شود؟ فالی الله المشتکی

از خوردن، نوشیدن و پوشیدن حرام، عبادت و دعا قبول نمی‌شود

۹) و عن أبی‌هریرة رضی‌الله‌تعالی عنه قال: قال رسول الله ﷺ: «إن الله طیب لایقبل إلا طیبا و إن الله أمر المؤمنین بما أمر به المرسلین فقال ﴿یایها

الرسول کلوا من الطیبت و اعملوا صالحا﴾ و قال تعالی: ﴿یا ایها الذین آمنوا کلوا من طیبت ما رزقنکم﴾ ثم ذکر الرجل یطیل السفر أشعث أغبر یمد یده السماء یا رب یارب و مطعمه حرام و مشربه حرام و ملبسه حرام و غذی بالحرام فأنی یستجاب لذلک»[1]

حضرت ابوهریره رضی الله عنه می‌فرماید که رسول الله ﷺ ارشاد فرمودند: «که بی‌شک الله تعالی پاک هستند. و پاک را فقط قبول می‌کنند و بی‌شک الله تعالی مؤمنان را همان حکم داده‌اند که پیامبران خود را حکم داده بودند»، چنانچه می‌فرمایند: ﴿یَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوْا مِنَ الطَّيِّبٰتِ وَاعْمَلُوْا صَالِحاً﴾ ای پیامبران چیزهای طیب (پاکیزه) بخورید و عمل خوب انجام بدهید. و ارشاد الله تعالی است: ﴿یَا أَيُّهَا الَّذِيْنَ آمَنُوْا كُلُوْا مِنْ طَيِّبٰتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ﴾[2] «گفتیم بخورید از لذائذ آنچه روزی دادیم شما». بعد از آن، آن حضرت ﷺ تذکره شخصی را فرمودند که در سفرهای طولانی با موهای ژولیده و بدن غبارآلود به طرف آسمان دستهایش را بلند می‌کرد و یارب یارب می‌گوید و همچنین خوردنش از حرام و نوشیدنش از حرام و لباس‌هایش از حرام بود با وجود همه اینها چگونه دعاهایش قبول می‌شود»؟!

در حدیثی آمده است تا زمانی که انسان در سفر باشد حتماً دعاهایش قبول می‌شوند ـ و اگر در سفر شکسته دل و نگران باشد، دعاهایش به قبولیت نزدیکتر هستند ـ در این حدیث ارشاد شده است که با وجودی این حالت دعای آن شخص که خوردن، نوشیدن، پوشیدن از حرام باشد، قبول نمی‌شود.

۱- رواه مسلم ۲- طه ۸۱

امروزه بسیار دعا می‌شود و بخاطر دور شدن مصیبتها خوب گریه و زاری می‌شود اما دعاها قبول نمی‌شوند و چطور دعاها قبول شوند که دوری فکر از حرام وجود ندارد.

مال حرام بطور کلی جلوی قبولیت دعا را می‌گیرد و جلوی مقبولیت نماز را هم می‌گیرد.

در مشکات شریف آمده است که حضرت ابن عمر (رضی الله تعالی عنهما) فرموده‌اند که من از هر دو گوشهایم ناشنوا بشوم اگر از رسول اللهﷺ شنیده نباشم که فرمود هر کسی یک دست لباس با قیمت ده درهم بخرد در حالیکه در آن یک درهم حرام باشد، تا زمانی که آن لباس در تن او باشد الله تعالی نمازهایش را قبول نمی‌کند. وقتی که یک درهم لباس از حرام است و نماز قبول نمی‌شود پس کسیکه تمام لباس آن از حرام و خوردن و نوشیدن او از حرام باشد چطور نمازهایش قبول می‌شود؟

برای جلوه دادن کارهای حرام و پاکیزه نشان دادن آنها که امروزه جزو برنامه زندگی شده است کارهای زیادی رواج دارد. امروز تمدن جدید نام ربا را بهره و نام رشوت را هدیه و نام خیانت را زرنگی گذاشته و تأسف بزرگ این است که در تجارت توجه کردن به حلال و حرام را نادانی می‌دانند و با نادانی کامل می‌گویند که: اینکه تجارت است! گویا حدود احکام شریعت از تجارت خارج است. العیاذ بالله

ای مسلمانان! تجارت اسلامی انجام بدهید ـ طریقه‌های نصرانیهای مغرب و مشرکهای مشرق برای شما جز نکبت و وبال نتیجه‌ای نخواهند داشت.

بعضی از انسانها می‌گویند که امروز مال حلال گیر نمی‌آید! این فریب نفس است و با این خیال، می‌خواهند از قید و بند حلال فرار کنند.

و بقول حضرت سفیان ثوری رحمه الله که می‌فرماید: **الحلال لایحتمل السرف** مالی که از راه حلال بدست آید گنجایش آن را ندارد که در عیش و مستی صرف شود.

اما در دل کسانی که ترس خدا موجود باشد و کسانی که فرمان سرور کائنات ﷺ راکه فرمود: «**لایدخل الجنة لحم من السحت و کل لحم نبت من السحت کانت النار أولی به**»[1]

«در جنت آن گوشت داخل نخواهد شد که از حرام بوجود آمده است و هر گوشتی که از حرام پرورش یافته است مستحق دوزخ است».

شنیده‌اند به رزق حلال توجه می‌کنند و الله تعالی آنها را رزق حلال عطا می‌فرماید. اگر چه آنها را حلال زیاد نمی‌رسد و کسانی که حلال را طلب می‌کنند بسا اوقات مورد آزمایش و مشکلات قرار می‌گیرند. اما هر عاقلی تحمل این مشکلات را به خاطر ترس عذاب آخرت خود لازم و ضروری می‌داند.

در اینجا این امر قابل ملاحظه و فکر کردن است که اگر انسانها به طرف تقوا و پرهیزگاری جهت داده شوند و همه فکرشان برای بدست آوردن رزق حلال باشد این مشکلاتی که امروز پیدا می‌شوند، در کسب حلال پیدا نخواهند شد. اما حال اینطور است به کسانی دین‌دار و پرهیزگار می‌گویند که اولاً نمازگزار باشند و فقط برای پرسیدن سجده سهو و مسائل غسل و وضو خدمت مفتی صاحب تشریف می‌برند و در این موردها خوب بحث می‌کنند اما به این توجه نمی‌کنند که در جهت کار و تجارت خدمت مفتی صاحب بروند و

١- مشکوة

بگویند که من می‌خواهم این تجارت را انجام بدهم یا فلان معامله مشروع است یا غیرمشروع. حالانکه در شریعت حکم و احکام هر معامله‌ای گفته شده است. در شریعت حضرت موسی علی نبینا و علیه الصلاة و السلام معامله یهود اینطور بود که بر بعضی اصول عمل می‌کردند و بر بعضی عمل نمی‌کردند، این حقیقت را خداوند قدوس اینطور ارشاد فرمودند:

﴿أَفَتُؤْمِنُوْنَ بِبَعْضِ الْكِتٰبِ وَ تَكْفُرُوْنَ بِبَعْضٍ﴾ [۱]

«آیا شما بر قسمتی از کتاب خداوند ایمان دارید و قسمتی از آنسرا انکار می‌کنید».

حال به همین روش یهود، امروز مسلمانان حرکت مـی‌کنند و احکـام شریعت را به ذکر و تسبیح و نماز و روزه محدود کرده‌اند. خیلی از حاجی‌ها و نماز گزاران و صوفی‌ها زمین کسی را به رهن گرفته و سالهای سال از آن استفاده می‌کند اما به خوردن سود و ربا لعنت می‌گویند. خیلی از نمازگزاران و حاجی‌ها معامله شراب می‌کنند و یا در کارخانه شراب‌سازی کارمند هستند. بعضی از مردم دوست دارند که دیگران را به حج بفرستند یا برای ساختن مسجد تشویق می‌کنند آنها به این چیز توجه ندارند که او این مال و ثروت را چگونه بدست آورده، آیا از راه حلال بوده یا حرام! این حیله نفس و شیطان است که می‌گوید در کارهای نیک خرج کردن، گناه معامله حرام را از بین می‌برد ـ حالانکه این فریب خیلی بزرگی است.

رسول اکرمﷺ فرمودند: که هر شخصی مال حرام را جمع کرده و بعد آن را به صدقه بدهد به او هرگز ثواب نخواهد رسید (بلکه) وبال آن مال به او

۱- بقره

خواهد بود و حضرت ابن مسعود رضی‌الله‌تعالی‌عنهما فرمودند: هر کسی که کار و معامله حرام انجام داد، زکوة مال کسب و کار او را پاک نخواهد کرد.[۱]

از ترک کردن امر بالمعروف و نهی عن المنکر عذاب می آید

۱۰) عن حذیفة رضی الله عنه أن النبی ﷺ قال: «والذی نفسی بیدی لتـأمرن بالمعروف و لتنهون عن المنکر أو لیوشکن الله أن یبعث علیکم عذابا من عنده ثم لتدعنه و لایستجاب لکم»[۲]

ترجمه: از حضرت حذیفه رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم ﷺ ارشاد فرمودند که: «قسم به آن ذات پاک که جان من در دست اوست شما امر به معروف و نهی از منکر کنید وگرنه خداوند، عذاب خود را بر شما، مسلط خواهد کرد، آن وقت شما دعا می‌کنید قبول نخواهد شد».

برای مسلمان این فقط کافی نیست که خودش فقط نیکی انجام بدهد، بلکه مسلمانان مسئولیت دارند تا بندگان نافرمان را از گناهان دور کرده و به طرف نیکیها دعوت بدهند. در قرآن پاک ارشاد است:

﴿ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُوْنَ بِالْمَعْرُوْفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُؤْمِنُوْنَ بِاللهِ ﴾

«هستید شما بهتر امتی که بیرون آورده شد برای مردمان می‌فرمائید به کار پسندیده و منع می‌کنید از ناپسندیده و باور می‌دارید

۱- ترغیب و ترهیب ۲- رواه الترمذی

خدا را»

در این آیه شریف امت محمدیه (علی صاحبها الصلوة و التحیة) از تمام امتها بهتر گفته شده است و امتیاز و برتری این امت را بخاطر امر کردن به کارهای خوب و بازداشتن از کارهای بد، فرموده‌اند ـ به هر صورت امر به معروف و نهی از منکر یک وظیفه و مسئولیت خصوصی این امت است ـ در قرآن شریف ارشاد است:

﴿وَ الْمُؤْمِنُوْنَ وَ الْمُؤْمِنٰتُ بَعْضُهُمْ اَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُوْنَ بِالْمَعْرُوْفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُقِيْمُوْنَ الصَّلٰوةَ وَ يُؤْتُوْنَ الزَّكٰوةَ وَ يُطِيْعُوْنَ اللهَ وَ رَسُوْلَهُ﴾ [1]

«و مردان مسلمان و زنان مسلمان بعض ایشان کارساز بعض‌اند می‌فرمایند به کار پسندیده و منع می‌کنند از ناپسندیده و برپا می‌دارند نماز را و می‌دهند زکات را و فرمانبرداری می‌کنند خدا را و رسول او را».

در این آیه مبارکه امر به معروف و نهی از منکر را از صفات خصوصی اهل ایمان ذکر فرموده‌اند مردم در این دنیا، اطاعت خداوند را فراموش می‌کنند و در نتیجه یقین به نعمت‌های آخرت ضعیف می‌شود و نعمت‌های دنیا را لذت می‌دانند و در معصیتها آلوده می‌شوند ـ برای دور کردن این غفلت‌های بسیار بزرگ از انسان‌ها و متوجه کردن آنها به آخرت و جهت دادن انسان‌ها به طرف خداوند قدوس تبلیغ و ترغیب و ترهیب را قائم کرده‌اند. هر وقتی که این سلسله نورانی در امت احیاء گردد و در تمام طبقات امت از عام و خاص احکام دینی در آنها زنده می‌شود آنگاه رحمت و نصرت الله تعالی

۱- توبه: ۷۱

شامل حال کلی می‌گردد. و اگر این کار و مسئولیت کماحقه انجام داده نشود، به دو صورت عذاب خواهد آمد ـ اول بخاطر اینکه این کار یک فریضه مستقل است و ترک آن سبب هلاکت و بربادی خواهد بود. دوم اینکه اگر در این فریضه کوتاهی شود در ذهن انسانها فرمانبرداری از خداوند باقی نخواهد ماند و به طرف گناهان کشیده می‌شوند که باز سبب بربادی و هلاکت خواهد بود.

زمانی که برای انجام دادن امر به معروف و نهی از منکر کوتاهی می‌شود، عذاب به صورت عام خواهد آمد که آن وقت دعا خواسته می‌شود ولی مقبول نمی‌گردد چنانکه در حدیث شریف ارشاد است (ثم لتدعنه و لایستجاب لکم) و این حقیقت بارها صورت گرفته است.

از حضرت جابر رضی الله عنه روایت است که آن حضرت ﷺ ارشاد فرمودند که یک مرتبه‌ای الله عزوجل به جبرئیل علیه السلام حکم فرمودند که فلان شهر را با تمام آبادی‌اش زیر و رو بگردان. (یعنی قسمت بالایی را به پایین و پایینی را به بالا ببر تاکه مردم آنجا هلاک شوند) جبرئیل علیه السلام عرض کردند ای پروردگار من! در میان آن انسانها بنده‌ای از تو است که حتی به اندازه یک چشم به هم زدن نافرمان تو را نکرده است (حداقل او را معاف کرده و ببخش) الله تعالی فرمودند: همراه با او شهر را زیر و رو بگردان ـ بخاطر اینکه هیچ وقت چهره او برای من تغییر نکرد (بیهقی فی شعب الایمان) یعنی خودش انسان نیکی بود اما دیگران را در گناهان می‌دید و با زبان منع نمی‌کرد و از دیدن این همه گناه هیچ اثر و غصه بر چهره‌اش محسوس نمی‌شد.

از این حدیث معلوم شد که بذات خود نیک و فرمانبردار بودن برای دین دار بودن کافی نیست، بلکه دعوت دادن بندگان خدا به طرف احکام شریعت لازم و ضروری است.



در مشکوة شریف بحواله ابوداود و ابن ماجه از حضرت جریر بن عبدالله ﷺ روایت نقل شده است که آن حضرت ﷺ ارشاد فرمودند: که در میان بعضی ازانسانها اگر شخصی گناه انجام می‌دهد و آنها قدرت جلوگیری از آن شخص را دارند اگر جلوی او را نگیرند، الله تعالی جلوتر از موت بر آن‌ها عذاب خود را می‌فرستد.

و این حقیقت را آنحضرت ﷺ در ضمن مثال ارشاد فرمودند که: کسی که حدود و احکام خداوند را رعایت می‌کند و کسیکه آن را رعایت نمی‌کند مانند قومی است، که با قرعه کشی، در طبقات یک کشتی جای گرفتند، بعضی در طبقه پایین و بعضی در طبقه بالا، آنهایی که در طبقه پایین بودند، هر گاه احتیاج به آب پیدا می‌کردند برای آوردن آب به طبقه بالا می‌رفتند. اینها با خود گفتند: بهتر است، برای بدست آوردن آب، قسمت پایین کشتی را سوراخ کنیم تا کسانی که بالا هستند اذیت نشوند، اکنون اگر افراد طبقه بالا آنها را بگذارد که مطابق میل و اراده خود، کشتی را سوراخ کنند، همه آنان هلاک خواهند شد و اگر آنها را باز دارند هر دو از غرق شدن نجات می‌یابند. (بخاری شریف)

مقصود این است که به سبب گناهان هر آفت و مصیبتی بیاید در آن، آن کسانی که اعمال صالحه انجام می‌دهند هم مبتلا خواهند شد بخاطر دست گناهکاران و خلافکاران خود را نگرفتند.

اگر امروز ما احوال خود را نگاه کنیم معلوم خواهد شد نه تنها به گناهان بی‌توجه هستیم بلکه دوستان، عزیزان و زیردستان خود را برای انجام گناه موقعیت و فرصت می‌دهیم و ناآگاهانه اسباب گناه را برای آنها فراهم می‌سازیم. اگر زن و بچه بی‌نماز باشند هیچ پروا نمی‌کنیم، زکوة یا حج برای

زیادی از دوستان و عزیزان فرض شده است اما به آنها یادآوری نمی‌کنیم حال آنکه ما با آنها خورد و نوش، نشست و برخاست هم داریم و خیلی از دوستان هستند که سنت زیبای نبوی را می‌تراشند و با وجود تعلقات، آن‌ها را برای گذاشتن این عمل زیبا ترغیب نمی‌کنیم و لباسهای ناجائز را برای اهل خانه خود می‌آوریم و با تمام خانواده برای دیدن فیلم‌ها به پای تلویزیون می‌نشینیم. با توجه به این حالات گناه چطور از بین بروند و رحمت‌های خداوند متعال نازل نشوند؟! **انا لله و انا الیه راجعون**

ارشاد رسول اکرمﷺ است: که هر یکی از شما اگر کار خلاف و نامشروعی را ببیند باید آنرا با دست خود منع کند، اگر با دست نتوانست با زبان منع سازد و اگر با زبان نتوانست، در دل آن را بد بداند و این کمترین درجهٔ ایمان است. (مسلم شریف)

به سبب زنا و سود (ربا) عذاب الهی نازل می‌شود

۱۱) و عن ابن مسعود رضي الله عنه ذکر حدیثا عن النبیﷺ و قال: فیه **«ماظهر فی قوم الزنا و الربوا إلا أحلوا بأنفسهم عذاب الله»**[1]

ترجمه: از حضرت ابن مسعود رضي الله عنه روایت است که آنحضرتﷺ ارشاد فرمودند: «در هر جایی که زنا و سود (ربا) ظاهر می‌شود، پس آنها برای خودشان عذاب الله تعالی را نازل کردند»

از این حدیث پاک معلوم شد که رواج عمومی زنا و ربا، سبب نازل شدن عذاب الهی خواهد شد. رواج این دو چیز در بیشتر مناطق کم و بیش ظاهر شده

۱- رواه أبویعلی



است. ربا، بلای بزرگی است که نتایج و ثمرات آن در دنیا و آخرت خیلی بد خواهد بود. در قران شریف آمده است:

﴿اَلَّذِیْنَ یَاکُلُوْنَ الرِّبٰوا لا یَقُوْمُوْنَ اِلاَّ کَمَا یَقُوْمُ الَّذِیْ یَتَخَبَّطُهُ الشَّیْطٰنُ مِنَ الْمَسِّ﴾[1]

«کسانی که می‌خورند سود را برنخیزند یعنی از گور مگر چنانکه بر می‌خیزد کسی که دیوانه ساخت او را شیطان به سبب آسیب».

از حضرت جابر رضی الله عنه روایت است که رسول خدا ﷺ لعنت فرمودند ربا را و کسی که آن را می‌خورد، کسی که آن را می‌خوراند، و کسی که گواهی برای آن می‌دهد». و بعد از آن فرمودند که «همه اینها در «گناه» با هم برابرند».

از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول خدا ﷺ ارشاد فرمودند: آن شبی که من به معراج رفتم یعنی از کنار کسانی گذشتم که شکمهایشان مثل گودال پاره شده و بر آن مارها تجمع کرده بودند. من گفتم ای جبرئیل! اینها چه کسانی هستند؟ فرمودند: کسانی هستند که سود می‌خورند.[2]

در یک حدیث آن حضرت ﷺ ارشاد فرمودند: «ربای یک درهم را اگر کسی دیده و دانسته خورد از ٣٦ مرتبه زنا سخت‌تر است».[3]

در یک حدیث آمده است که: سود از زنا کردن با مادر، سخت‌تر است. (أیضا)

در بخاری شریف یک خواب از آنحضرت ﷺ ذکر کرده شده است که

١- البقره ٢٧٥　　٢- مشکوة عن احمد و ابن ماجة

٣- مشکوة شریف

آنحضرتﷺ سودخوار را در میان نهری از خون اینطور دیدند که در وسط نهر هستند و در کنار نهر شخصی ایستاده و سنگ بزرگی در دست دارد، هر وقتی که آن شخص از نهر خون قصد بیرون رفتن را می‌کرد آن شخص کنار نهر او را با آن سنگ چنان می‌زند که دوباره به وسط نهر خون پرتاب می‌شد.[۱] خواب انبیاء حق هستند ـ در این خواب آن عذاب را نشان دادند که سودخوار در عالم برزخ اینگونه عذاب خواهد دید و همچنین مالی از راه ربا بدست آید هیچ برکتی ندارد.

﴿يَمْحَقَ اللّٰهُ الرِّبَوا وَ يُرْبِي الصَّدَقَاتِ﴾[۲]

ترجمه: «الله تعالی سود را از بین می‌برد و صدقات را می‌افزاید».

در حدیث شریف آنحضرتﷺ ارشاد فرموده‌اند:

«إن الربوا و إن كثر فإن عاقبة تصير إلى قل»[۳]

«سود اگر چه زیاد شود (اما) یقیناً سرانجام آن به طرف کمی خواهد بود».

اگر کمی به اطراف خودمان توجه کنیم می‌بینیم که رباخواری در جامعه ما چقدر جا افتاده است. قبل از همه اولاً قانون شریعت مطهره را در نظر بگیریم که هر نفعی که به سبب قرض حاصل می‌شود ربا است. مطابق این اصول تعداد زیادی از انسانها سود می‌گیرند، یک شخص نیازمند را مقداری پول می‌دهند و خانه یا زمین او را به رهن گرفته و از آن استفاده می‌کنند که این مسئله سراسر سود است. در بعضی از مناطق این مسئله طوری رواج یافته است که به مشکل خانه‌ای می‌توان یافت که رهن نباشد. در بانکها پول خود را جمع می‌کنند در

۱- مشکوة شریف کتاب الرویا ۲- بقره ۲۷۶

۳- مشکوة شریف

موقع دریافت زیاده بر اصل پول که سود می‌باشد با میل و رغبت دریافت می‌نمایند بعضی از انسانها برای جایز قرار دادن این مسئله دلایلی راگفته‌اند که بانک مبلغ پولی که در اختیار دارد تجارت می‌کند و فایده کرده و ما هم از آن فایده استفاده می‌کنیم. برادر عزیز! از تغییر دادن نام، حقیقت تغییر نمی‌یابد در اصول شریعت این سود است. اگر بانک شما را شریک تجارت خود قرار داده است. پس شما بگویید چند درصد شراکت دارید؟ اگر شریک هستید آیا در نقصان و ضرر هم شریک هستید؟ اگر به بانک فایده یا نقصان برسد با او هم شریک هستید یا نه؟ بانک خواه فایده کند یا ضرر، شما در ازای پولی که در حساب گذاشته‌اید مبلغ از پیش تعیین شده را از بانک دریافت می‌کنید و به همین سود می‌گویند.

از حضرت انس رضی الله عنه روایت است که آنحضرت صلی الله علیه وسلم ارشاد فرمودند که اگر شما به کسی قرض دادید، چنانچه شخص بدهکار به شما هدیه‌ای داد یا شما را بر سواری خود سوار کرد، این چیز را قبول نکنید ـ اگر قبل از گرفتن قرض بین طرفین سلسله هدیه دادن بوده است، پس هیچ مشکلی برای گرفتن هدیه نیست ـ (ابن ماجة)

حضرت عبدالله بن سلام رضی الله عنه یک شخص را نصیحت فرمودند که شما در سرزمینی زندگی می‌کنید، که در آنجا رواج سودخواری خیلی زیاد است. لهذا اگر شما از شخصی حقی می‌خواستید و آن شخص به عنوان هدیه به شما ریسمانی داد شما آن را قبول نکنید چراکه آن سود بحساب می‌آید. (بخاری شریف)

اگر بعلت قرض و بدهی کسی از شما ملاحظه شما راکرد و بطور هدیه و یا بدون فایده چیزی داد آن را قبول نکنید چراکه این سود است، اگر به خاطر

بدهکار بودنش بلکه بخاطر دوستی و رفاقت قدیمی و تعلق بـدهد، درست است.

بر تمام مسلمانان لازم و ضروری است که در تجارت، زراعت و کار و بار خود خوب توجه و تفکر کرده و از هر نوع سود و مشابه آن پرهیز و دوری بکنند.

از قسم خوردن زیاد، در کار و بار بی‌برکتی می آید

۱۲) وعن أبي قتادة رضي الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: «إياكم وكثرة الحلف في البيع فإنه ينفق ثم يمحق» [1]

ترجمه: از حضرت ابوقتاده رضي الله عنه روایت است کـه آن حـضرت ﷺ ارشاد فرمودند: «در خرید و فروش از قسم خوردن زیاد، پـرهیز کـنید، قسم مال شما را به فروش می‌رساند «امّا» برکت را از بین می‌برد».

همانطوری که در حال سود، هیچ برکتی نیست به همین صورت به سبب خوردن قسم از فروختن مال، برکت از بین می‌رود. چنانکه در حدیث دیگری آمده بود که در خرید و فروش از قسم خوردن پرهیز شود اگر چه مال فروخته شود ولی برکت از بین می‌رود. در حدیث شریف اول لفظ «کثرت» آمده و در حدیث بعدی حذف شده مقصود این است که در معامله هرگز قسم نخورید. اگر چه در قسم گفتن راستگو باشید. البته اگر در بعضی مواقع بحالت فراموشی از زبان خارج شد بشرطیکه قسم راست باشد اشکالی ندارد. تا آنجایی که از گفتن قسم راست هم ممعانعت به عمل آمده است، پس قسم دروغ گفتن بخاطر

۱- رواه مسلم

فروختن مال چقدر بد است؟!

یک مرتبه رسول اکرمﷺ ارشاد فرمودند: «سه شخص چنانند که در روز قیامت الله تعالی با آنها سخن رحیمانه نخواهند فرمود و با نظر رحمت آنها را نگاه نخواهند کرد و آن‌ها را پاک نخواهند فرمود.

حضرت ابوذر﷛ عرض کردند: وای به حال آنها یا رسول الله! آنها چه کسانی هستند؟! آن حضرتﷺ فرمودند: ۱) کسانی که شلوار آنها زیر شتالنگ باشد. ۲) کسانی که نیکی انجام می‌دهند و منت می‌گذارند. ۳) کسانی که با قسم‌های دروغ مال خود را به فروش می‌رسانند. (مسلم شریف)

از حضرت عبدالله بن عمر﷛ روایت است که رسول خداﷺ ارشاد فرمودند (تعدادی از) گناهان بزرگ عبارت اند از: ۱) کسی را با الله پاک شریک ساختن، ۲) آزار رساندن به پدر و مادر. ۳) جان کسی را به ناحق قتل کردن. ۴) قسم خوردن به دروغ. (بخاری)

در یک حدیث دیگری ارشاد است: **الیمین الفاجرة تذهب المال** (الترغیب) «قسم خوردن دروغ مال را از بین می‌برد».

«الیمن الفاجرة تدع الدیار بلاقع» (قسم دروغ آبادیها را ویران می‌سازد).

ارشاد آنحضرتﷺ است که هر شخصی به سبب قسم دروغ، مال مسلمان را (ناحق) بدست آورد، الله تعالی دوزخ را برای او واجب می‌گرداند و جنت را بر او حرام می‌کند. صحابه عرض کردند یا رسول الله! اگر چه چیزی معمولی باشد؟ ارشاد فرمودند: اگرچه به اندازه چوب مسواک باشد. (مسلم شریف)

اگر ما کمی نظر خود را بر تاجران بیندازیم می‌بینیم که قسم راست یا دروغ برای بفروش رساندن مال چقدر زیاد است و به همین سبب خیر و برکت از تجارت و کار و کاسبی رفته است و انسانهای عاقل نیز از آن بی‌خبرند.

سزای احتکار غله در وقت نیاز عمومی مسلمانان

۱۳) وعن عمر بن الخطاب ﵁ قال: سمعت رسول الله ﷺ يقول: «من احتكر على المسلمين طعامهم ضربه الله بالجزام و الافلاس»[۱]

حضرت عمر بن خطاب ﵁ فرمودند که: من از رسول اکرم ﷺ شنیدم که فرمود: «هر شخص بخاطر بالا رفتن قیمت احتکار کند (یعنی در حالت نیاز شدید به مسلمانان نفروشد) آن شخص را الله تعالی مفلس و فقیر می‌گرداند».

تجارت غله درست است که در موقع برداشت آن را خرید کرده و بعد از آن اگر قیمت بالا هم برود فروختن آن هم درست است، (امّا) در وقت نیاز شدید مسلمانان که به صورت عمومی در بازار یافت نشود و این در انتظار بالا رفتن قیمت، آنها را احتکار بکند در یک حدیثی آن حضرت ﷺ چنین شخصی را ملعون نیز خطاب کرده‌اند.

در حدیث بالا فرمودند که این شخص را سزای افلاس خواهد رسید یعنی بخاطر این حرکت بد او را سزای جسمانی و مالی خواهد رسید، در بدنش مریضی مهلک پیدا خواهد شد و بخاطر آن مالی که در انتظار بالا رفتن قیمت احتکار کرده بود آن مال هم بر باد خواهد رفت و افلاس بر او سایه خواهد انداخت.

در حدیث دیگری ارشاد رسول خدا ﷺ است که ارشاد فرمودند: هر کس غله خود را بخاطر بالا رفتن قیمت تا چهل روز نگه دارد، الله تعالی از او دور گشته و او از الله تعالی دور شده است.

در یک حدیث دیگر آمده است که در حالت (ضرورت عمومی) هر کس

۱- رواه ابن ماجة و البيهقى في شعب الايمان و رذين في كتابه

غله خود را تا ۴۰ روز احتکار کرد و بعد از آن، آنها را صدقه کرد این (صدقه دادن) به اندازه کفاره گناه نگاهداشتن هم نمی‌شود.

رسول اکرمﷺ ارشاد فرمودند: خیلی بد است برای آن بنده‌ای که در وقت ابتلای عام، غله خود را احتکار کند و اخلاق و روش او طوری باشد که اگر الله تعالی قیمت را ارزان کند او رنجیده شود و اگر قیمت را بالا ببرد او خوشحال می‌شود.[1]

سزای آزار رسانیدن به والدین

۱۴) و عن أبي بكرة ﷺ قال: قال رسول الله ﷺ: «كل الذنوب يغفر الله منها ما شاء إلا عقوق الوالدين فإنه يعجل لصاحبه في الحيوة قبل المات»[2]

از حضرت ابوبکرﷺ روایت است که رحمة للعالمینﷺ ارشاد فرمودند: «که الله تعالی هر گناهی را که بخواهند معاف می‌فرمایند اما سزای آزار رساندن والدین را قبل از موت در همین دنیا به او داده خواهد داد».

مقام والدین خیلی بزرگ و بالا است این عزت را الله تعالی عطا فرموده‌اند و در قرآن پاک حکم حسن سلوک با والدین داده شده است و در حق آنها این دعا را باید کرد:

﴿رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيراً﴾ «ای پروردگار من! به هر دو اینها رحم بفرما که آنها در کوچکی من را پرورش داده‌اند».

۱- تمام این احادیث از مشکوة شریف باب الاحتکار مأخوذاند.

۲- رواه البیهقی فی شعب الایمان.

در حدیث شریف آمده است که یک شخص عرض کرد یارسول الله حق والدین بر اولاد چیست؟ آن حضرتﷺ ارشاد فرمودند که هر دو آنها جنت و جهنم تو هستند (ابن ماجه) یعنی اگر شما خوب باشید و خدمت آنها را بکنید و آنها را خوشحال نگه بدارید جنت را بدست می‌آورید و اگر نافرمانی آنها را بکنید به جهنم خواهید رفت. و سزای نافرمانی والدین که در آخرت می‌رسد در جای خودش باقی است که در دنیا هم به مشکلات و پریشانیها مبتلا خواهید شد. علاوه بر والدین احوالپرسی از فامیل و وابستگان آن‌ها هم ضروری است چنانکه در حدیث با مفهوم صله رحمی یاد شده است که تشریح آن در احادیث آینده خواهد آمد. (شعب)

سزای قطع صله رحم

۱۵) و عن عبدالله بن أبی أوفی قال: سمعت رسول اللهﷺ یقول: «لاتنزل الرحمة علی قوم فیهم قاطع رحم»[۱]

حضرت عبدالله بن اوفیؓ فرمودند که من از رسول اکرمﷺ شنیدم که می‌فرمود: «الله تعالی بر آن قومی که در میان آنها یک نفر قطع رحم بکند رخمت‌هایش را نازل نمی‌کند». «قاطع رحم» یعنی کسی که تعلقات فامیلی را شکسته است، از چنین شخصی الله تعالی آن قدر ناراض هستند که نه تنها فقط از رحمت قطع رحمی محروم هستند بلکه در میان کسانی که این شخص همراه آن‌ها است بر آن‌ها هم رحمت خداوندی نازل نمی‌شود. در حدیث دیگری ارشاد است که قطع کننده صله رحم در جنت داخل نخواهد شد. (بخاری و

۱- رواه البیهقی فی شعب الایمان

مسلم)

صله رحم در شریعت مطهره مرتبهٔ بزرگی دارد، درقرآن و حدیث به طریقه‌های مختلفی حکم آن آمده است در حدیثی آن حضرتﷺ ارشاد فرمودند که سلسله نسب خود را معلوم کنید تا که به سبب آن صله رحمی بکنید که از آن در خاندان و فامیل محبت پیدا خواهد شد و در مال ترقی حاصل می‌شود و موت دیرتر خواهد آمد (یعنی کسی که صله رحم کند عمر او زیاد خواهد شد) (ترمذی شریف)

در بخاری و مسلم از حضرت انس رضی الله عنه روایت است که آن حضرتﷺ ارشاد فرمودند که هر کسی بخواهد که در رزق او برکت و اضافه شود و عمر او بیشتر شود صله رحم بکند. اگر پدر و مادر و دیگر اقوام مشرک هم باشند باز هم با آنها صله رحم و حسن سلوک نماید رسول اکرمﷺ در مورد کسی که قطع رحم کرده‌اند تأکید خصوصی فرموده‌اند که با آنها صله رحمی انجام بگیرد چنانچه ارشاد است:

«لیس الواصل بالمکافی و لکن الواصل الذی اذا قطعت رحمه وصلها»[1]

«آن کسی که اگر دیگران با او ارتباط داشته باشند او با آنها ارتباط برقرار و صله رحم کند، صله رحم نکرده است. بلکه صله رحم را کسی می‌کند که مردم با قطع رابطه بکنند و او در صدد وصل آنها برآید».

منظور این است که ما نباید این فکر را بکنیم که فلان شخص از فامیل با ما قطع رابطه کرده پس ما چرا با او ارتباط برقرار کنیم، این طرز تفکر با حقیقت

۱- بخاری شریف

صله رحمی مغایرت دارد.

ملاقات و احوالپرسی با والدین و فامیل آنها، نشست و برخاست، خدمت کردن، هدیه دادن وگرفتن، در غم و شادی آنها شریک شدن همه اینهادر صله رحمی داخل هستند اما به خاطر صله رحمی و فامیل بودن شرکت کردن در امور گناه ناجائز است مثلاً در بعضی از قومها و فامیلها در شادی و غم آنها بعضی از رسومات غیرشرعی هستند که باید از آنها دوری کرد.

ارج ننهادن به صله رحمی بزرگترین اقوام را در حضیض تباهی می‌اندازد و آن دسته از اقوامی که صله رحمی می‌کنند تمام امور آنها بخوبی انجام می‌گیرند و مزید بر آن خداوند متعال در عمر و رزق آنها برکت می‌دهد.

از درست نکردن صف نماز، در دلها دوری و اختلاف ایجاد می‌شود

۱٦) و عن أبی مسعود الأنصاری رضی الله عنه قال: کان رسول الله ﷺ یمسح مناکبنا فی الصلوة و یقول: «استووا و لاتختلفوا فتختلف قلوبکم لیلنی منکم أولوا الأحلام و النهی ثم الذین یلونهم ثم الذین یلونهم قال أبومسعود فانتم الیوم أشد اختلافا» [1]

حضرت ابومسعود انصاری رضی الله عنه می‌فرمایند که رسول اکرم ﷺ در نماز (برای درست کردن صفها) با دست مبارک خود شانه‌های ما را می‌گرفت و ارشاد می‌فرمودند که «کنار همدیگر ایستاده و صفها را راست بگیرید و اگر نه در دلهای شما اختلاف پیدا می‌شود».

۱- رواه مسلم

راوی حدیث حضرت ابومسعود انصاری رضی الله عنه به حاضرین فرمودند شما اگر امروز برای درست کردن صفها توجه نکنید در شما اختلاف زیادی به وجود می‌آید.

اثر ظاهر بر باطن و اثر باطن بر ظاهر غیر قابل انکار است، وقتی که جسم در یک صف راست نباشد بر دل اثر می‌گذارد و انگیزه‌ی اختلاف و شقاق را در دلها ایجاد می‌کند. رسول اکرم ﷺ قبل از شروع نماز تمام مقتدیان را برای درست کردن صف نماز آماده می‌ساخت حتی که خود آن حضرت شانه‌های مردم را با دست مبارک راست می‌فرمودند بعد از درست کردن صفها تکبیر تحریمه شروع می‌شد و این هم بر عهدهٔ مقتدیها است که صفها را درست کنند و امام‌ها نیز وظیفه دارند تا صفوف را درست کنند.

در یک حدیث ارشاد است که صفها را برابر و درست کنید که راست شدن صفها قسمتی از تکمیل نماز است. (مسلم شریف) آن حضرت ﷺ ارشاد فرمودند که امام را در نماز وسط خود قرار بدهید و در صفها جاهای خالی را پر کنید. (ابوداود) و باز هم فرمودند که صفها را در نماز درست کنید و شانه‌های خود را مستقیم برابر نموده و دست برادر خود را با نرمی گرفته و جاهای خالی را پر کنید. بخاطر اینکه در جاهای خالی شیطان به مانند بچه گرگی داخل می‌شود.

در اینجا فرمودند که دست برادر خود را با نرمی بگیرید مقصود این است که اگر جایی در صف نماز خالی است و دست شما راکسی گرفت و جای خالی را پر نمود شما ناراحت نشوید.

حضرت ابومسعود رضی الله عنه در زمانه خودش به مردم فرمودند: **أنتم اليوم أشد اختلافا** (امروز در شما اختلاف شدید است) و اگر در این زمانه صفهای

مسلمانان را می‌دیدند و نتیجه اختلاف را مشاهده می‌نمودند معلوم نبود چه ارشاد می‌فرمودند.

در آخر حدیث فرمودند هر کس از شما عاقلتر و فهمیده‌تر است نزدیک من بایستد یعنی در صف اول پشت سر امام انسانهای صاحب عقل و فهم قرار بگیرند و برای رفتن به اینجا اهتمام کنند تا در وقت ضرورت بتوانند که خلیفه شوند و اگر چنانچه امام سهو کرد بتوانند او را لقمه بدهند و در درجه اول انسانهای فهمیده و دیندار نزدیک باشند به همین صورت در درجه دوم افرادی بایستند که سطح سواد دینی شان از اولیها کمتر است خلاصه اینکه افراد دانا و فهمیده را متوجه کنند تا آنها معمولاً جای خود را در صفها بدانند و در صف اول قرار بگیرند.

سزای دشمنی کردن با اولیاء الله

۱۷) و عن معاذ بن جبل رضی الله عنه قال: سمعت رسول الله ﷺ یقول: «إن یسیر الریاء شرک و من عادی لله ولیا فقد بارز الله بالمحاربة إن الله یحب الأبرار الاتقیاء الاخفیاء الذین إذا غابوا لم یتفقدوا و إن حضروا لم یدعوا و لم یقربوا قلوبهم مصابیح الهدی یخرجون من کل غبراء مظلمة»[۱]

از حضرت معاذ بن جبل رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم ﷺ ارشاد فرمودند: «کوچک‌ترین ریا هم شرک است و کسی که با دوست خدا دشمنی کند او با خدا اعلام جنگ کرده است. و فرمودند الله تعالی آن بنده خود را دوست دارد که پرهیزگار باشد و طوری زندگی کند که عوام الناس آنها را

۱- رواه ابن ماجة و البیهقی فی شعب الایمان

بحساب نیاورده و ضرورت وجود آن‌ها را احساس ننمایند اگر غایب شوند هیچ کسی را برای پیداکردن آنها تلاش نکند و اگر حاضر هم باشند کسی برای نزدیک شدن به آنها کسی را دعوت نمی‌دهند و آن‌ها را به خود نزدیک نمی‌کنند اما دلهای آنان چراغ هدایت هستند و باعث بصیرت دلها می‌شوند و از هر فتنه رهایی می‌یابند گرچه تاریک و غبارآلود باشد.»[۱]

در این حدیث اول از همه مذمت ریاکاری را ارشاد نموده و آن را شرک فرمودند. بر بنده لازم است که در انجام هر عمل نیک صرفاً الله را در نظر داشته باشد چون اگر بخاطر اینکه عمل نیک انجام دهد که در دل مردم جا بگیرد و یا برای بدست آوردن پول این اعمال را انجام دهد (مثلاً نماز بخواند و یا روزه بگیرد و در خواندن کلام الله وقت صرف کند یا صدقه و خیرات تقسیم نماید) اگر به ظاهر این عمل‌ها نیک به حساب می‌آید بخاطر وجود ریا این عمل‌ها شرک حساب می‌آیند. در مقابل بت‌ها ایستادن و آنها را پرستش کردن شرک اکبر است و ریاکردن شرک اصغر است. در یک حدیث ارشاداست هر کس نماز را با ریا خواند شرک کرده و هر کس برای ریا روزه گرفت او شرک کرد و هر کسی برای ریا صدقه داد او شرک کرد.[۲]

الله تعالی فقط آن عملی را قبول می‌فرمایند که فقط برای رضای خداوند انجام گرفته باشد. اگر برای عملی نیت کند که از الله تعالی ثواب حاصل نمایم و در میان مردم شهرت پیداکنم و یا چیزی به من برسد این عمل نزد الله تعالی مردود است.

در یک حدیث ارشاد است که در روز قیامت الله تعالی همه را جمع

۱- ابن ماجه و بیهقی فی شعب الایمان

۲- مشکوة عن احمد

می‌فرمایند که در آن هیچ شک و شبهه نیست یک منادی اعلام می‌کند که هر کسی که عملی را برای خدا انجام داده وکسی دیگری را در آن شریک ساخته است پس آن شخص ثواب عمل را از همان کس دریافت نماید که برای او انجام داده بود، بخاطر اینکه الله تعالی از شریک بی‌نیاز است و تمام شرکاء به الله محتاج هستند الله تعالی بی‌نیاز است. (احمد)

ثانیاً در حدیث شریف فرمودند که هر کسی با ولی خدا دشمنی کرد پس او برای جنگیدن با الله جل جلاله به میدان آمده، این مضمون در یک حدیث دیگر، با این الفاظ هم آمده است:

«من عادی لی ولیا فقد آذنته بالحرب» [1]

«هر کس با ولی من دشمنی کند من با او اعلام جنگ می‌نمایم».

ولی به معنی دوست است هر مسلمانی در مرتبه‌ای دوست خداوند است؛ و با هر مسلمانی دشمنی کردن نشانه تباهی و بربادی است. اما خاص آن بندگانی که در محبت الله سرشار و بی‌قرار هستند و برای الله زندگی می‌کنند و برای الله می‌میرند و در تمام حالات و معاملات به احکامات خداوندی نگاه می‌کنند و از گناهان پرهیز و دوری می‌نمایند و در امر الهی سر تسلیم فرود می‌آورند این افراد را آزار رساندن و با اینها دشمنی کردن بربادی و تباهی دنیا و آخرت است.

با بندگان خاص خداوند دشمنی کردن نشانه دشمنی با خداوند است یعنی اینکه خداوند را دشمن خود ساخته است چون هر انسانی از دوست خود پشتیبانی می‌کند با دوست دشمن هم دشمنی می‌نماید و هر کسی که به جنگ

۱- مشکوة عن البخاری

خداوند آمد جایگاه او کجا خواهد بود؟ قاضی الحاجات غفار، ستار، ناصر و مددگار اگر با کسی دشمنی کرد در دنیا و آخرت چه کسی حاجت او را برآورده می‌کند؟ و برای او دروازه رحمت و نصرت از کجا باز می‌شود؟

هر شخصی که الله پاک را در جنگ مقابل خود قرار داد او با «**خالق کل شيء**» دشمنی کرد که در دست و قدرت او همه چیزها هستند آن ذاتی که در چیزهای سودمند ضرر هم می‌تواند پیدا کند و بغیر از اسباب از پرده‌های غیب دروازه عذاب را باز می‌کند. علماء می‌فرمایند که دو گناه هستند که هر کس مرتکب آنها باشد الله تعالی را در مقابل ذات پاک خود قرار می‌دهد اول آن کسی که با دوست خدا دشمنی کند و دوم کسی که ربا بخورد. چنانکه در سوره بقره آمده:

﴿فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوْا فَأْذَنُوْا بِحَرْبٍ مِنَ اللهِ وَ رَسُوْلِهِ﴾

ترجمه: «پس اگر نکردید پس خبر دار باشید به جنگی از طرف خدا و رسول او.»

با کمی دقت معلوم می‌شود که الله تعالی کسانی را که با دوستانش دشمنی دارند به این خاطر در مقابل خود قرار داده است که بندگان خاص خداوند در مقابله اهل دنیا بی‌زر و زور هستند و در سرشت آنها صفت عفو و گذشت وجود دارد و از سخت‌ترین دشمنان خود خیال انتقام هم ندارند به همین سبب خداوند داوری این بندگان خود را می‌نماید بعضی وقتها اتفاق افتاده است که بندگان خداوند دشمن خود را معاف می‌کنند ولی از طرف خداوند عذاب آمده و آنها را تباه و نابود کرده است تاریخ شاهد است که در هر زمانی هیچ کس یا قوم و یا حکومتی با بندگان خاص خداوند عداوت و دشمنی نکرده عاقبت آنها به نابودی و هلاکت انجامیده است در این زمانه هم خیلی از انسانها

خواه نخواه با اهل الله دشمنی می‌کنند و هرگونه فساد و خرابی را به آنها نسبت می‌دهند مثلاً بندگان خداوند را به طرف ذکر و عبادت دعوت می‌دهند یا در ترویج تعلیم و تعلم می‌کوشند و در جهت نشر احکام الهی سرگرم هستند و این طبیعی است که در این مراحل دارای کمی و کوتاهی نیز هستند ولی آن افرادی که از سرگرفته تا پاهایشان و از تولد تا موت در دنیا غرق هستند. چطور بخودشان اجازه می‌دهند که به این اشخاصی که در کار خداوند مشغول هستند، دهن کجی کرده در مجالس خود از آنها غیبت و بدگویی نمایند؟! در دنباله حدیث شریف الله پاک با نزول خواران اعلام جنگ فرموده‌اند: در این رابطه سودخواران از مستضعفان و مفلسان و غریبها فایده ناجایز می‌برند و سود اموال و املاک و هست و نیست انسانهای تنگدست و پریشان حال را قبضه می‌کنند و همینطور آن اشخاصی که با دوستان خدا و اهل الله سر ناسازگاری دارند، این را بدانند که با گرفت قادر متعال روبرو خواهند شد.

در حدیث شریف تعریف بندگان نیک را فرموده‌اند که پرهیزگارانی هستند که درگمنامی زندگی می‌کنند و طالب شهرت نیستند و اعمال خود را پوشیده انجام می‌دهند و برای نام و شهرت هیچ عملی انجام نمی‌دهند. اهل دنیا نه برای آنان ارزشی قایل هستند و نه درصدد ملاقات و نشست و برخاست با آنها هستند و نه در مجالس خود آنها را دعوت می‌کنند و خلاصه اینکه اهل دنیا هرگونه که درباره آنها تصور می‌کنند واقعیت این است که آنها نزد الله رب العزت از مرتبه‌ای والای برخوردارند و به تعبیر آن حضرتﷺ چراغ هدایت به شمار می‌آیند. آنها با فراست ایمانی، خودشان را از هر فتنه و فساد کنار می‌کشند. اللهم اجعلنا منهم.

سزای حمایت و نصرت کردن مسلمان با وجود داشتن قدرت

۱۸) و عن أنس ﷺ عن النبیﷺ قال: «من اغتیب عنده أخوه المسلم و هو یقدر علی نصره فنصره ... الله فی الدنیا و الآخرة فإن لم‌ینصره و هو یقدر علی نصره أدرکه الله فی الدنیا و الآخره»[1]

از حضرت انس ﷺ روایت است که آنحضرتﷺ ارشاد فرمودند: «اگر در نزد کسی غیبت برادر مسلمانش شود و او با وجود قدرت از او دفاع کند (یعنی کسی که غیبت می‌کند از طرف برادر مسلمان خود جواب او را بدهد) در دنیا و آخرت الله تعالی او را کمک می‌فرماید و اگر با وجود قدرت از او دفاع نکرد در دنیا و آخرت مؤاخذه خواهد شد».

هر شخصی که به برادر مسلمان خود کمک کند رحمت و نصرت خداوند متعال متوجه او می‌شود بر ای کمک و امدادرسانی طریقه‌ها و فرصت‌های مختلفی وجود دارد همانطوری که در حدیث شریف آمده است که اگر در جایی غیبت برادر مسلمان کرده شود اگر قدرت حمایت از او را دارید. پس حتماً حمایت او را بکنید و اگر نکردید در دنیا و آخرت مورد مواخذه قرار می‌گیرید.

در یک حدیث ارشاد آنحضرتﷺ است هر کس هنگامی که آبروی مسلمانی در خطر است به او کمک نکند وقتی او نیز احتیاج به کمک داشته باشد خداوند از کمک به او اعراض خواهد کرد و اگر کمک و مدد بکند آنگاه الله تعالی همچنان او را کمک و نصرت می‌فرماید.

۱- رواه فی شرح السنة

از حضرت معاذ بن انس رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم ﷺ ارشاد فرمودند: کسی که برادر مؤمن خود را در مقابل منافق حمایت کرد در روز قیامت الله تعالی فرشته‌ای را می‌فرستند که او را از آتش دوزخ نجات بدهد و هر کس برادر مسلمان خود را عیب جویی کرد الله تعالی او را بر پل صراط نگاه خواهند داشت تا عذاب ببیند یا که (برادر خود را راضی کرده حرفش را پس بگیرد.) (مشکوة شریف)

از حضرت ابن عمر رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم ﷺ ارشاد فرمودند: مسلمان، برادر مسلمان است نه بر او ظلم کند و نه در وقت فقر از او دوری کند و هر مسلمانی که در رفع حاجت مسلمانی دیگر مشغول باشد الله تعالی برای رفع حاجت او مشغول می‌شوند و هر مسلمانی که غم مسلمان دیگر را دور کند الله تعالی در روز قیامت غم و اندوه را از او دور می‌سازد. و هر کسی پرده پوشی مسلمان را کرد الله تعالی پرده‌پوشی او را در روز قیامت خواهند کرد.[1]

این احادیث را در مقابل خود قرار دهید و با رفتارهای خود مقایسه کنید و ببینید آیا هنگام ضرورت، ما مدد برادر مسلمان خود را کرده‌ایم و آیا مستحق رحمت خداوندی قرار گرفته‌ایم یا اینکه مسلمانی را در مصیبت دیده خوشحال شده‌ایم و برای رفع مصیبت او چاره سازی نکرده‌ایم و یا او را بیشتر پریشان نموده‌ایم؟!

---

۱ - مشکوة عن البخاری و مسلم

زمانی که فساد و پلیدی زیاد شود
با وجود انسانهای نیک هلاکت و نابودی خواهد آمد

۱۹) و عن زینت بن جحش رضی‌الله تعالی عنها قالت (بعد ذکر القصة) فقلت یا رسول الله أفنهلک و فینا الصالحون؟ قال: «نعم إذا کثر الخبث» [۱]

حضرت ام المؤمنین زینت بنت جحش رضی الله تعالی عنها بیان فرمودند که من از رسول اکرمﷺ سوال کردم آیا هلاک خواهیم شد در حالیکه در میان ما صالحین وجود دارند؟ رسول اکرمﷺ جواب دادند که: «بله، زمانی که فساد و پلیدی زیاد شود».

از این حدیث معلوم شد که اگر فساد و پلیدی غالب شود از نیکی کردن افراد جلوی نابودی و هلاکت گرفته نمی‌شود یعنی اگر پلیدی فسق و فجور و گناهان کبیره زیاد شوند و بندگان نیک خداوند خیلی کم باشند اگر نابودی و هلاکت آمد اینجا اینطور نیست که نیکوکاران نجات کنند و گناهکاران را هلاک سازند بلکه بر همه آنها مصیبت خواهد آمد در روایت بخاری و مسلم آمده است: **«إذا نزل الله بقوم عذاباً کان فیهم ثم بعثوا علی أعمالهم»** [۲]

«هر وقتی الله تعالی برای قومی عذاب نازل می‌فرمایند عذاب همه را در بر می‌گیرد بعد هر شخص مطابق اعمال خود حشر خواهد شد».

یعنی در مصیبت عمومی همه گرفتار خواهند شد بعد از آن در قیامت بر طبق نیت و عمل، اجر داده خواهند شد **«إن خیرا فخیر و إن شرا فشر»** معلوم می‌شود که کثرت گناهان و نافرمانیها اسباب ویژه‌ای هستند که عذاب عمومی

۱- رواه البخاری و مسلم

۲- مشکوة شریف باب الخوف و البلاء

سرازیر می‌کنند، و آن عذاب معمولی هم نخواهد بود بلکه چنان خواهد بود که نیک و بد هر دو را نابود و هلاک خواهد ساخت». به هر حال سزای گناه، خیلی بد و خطرناک است نجات از آفات، عذاب و مصائب دنیا و آخرت زمانی نصیب می‌شود که ما خودمان از محرمات دوری کنیم و دیگران را هم از نافرمانیها بازداریم.

تا اینجا آن احادیثی گفته شدند که عوامل مصیبتها بودند و حال به بیان احادیثی می‌پردازیم که در آنها ذکر علاج مصائب است.

به وسیله نماز و صبر، از خداوند کمک بخواهید

۲۰) «و عن حذیفة رضی الله عنه قال: كان النبی صلی الله تعالی علیه و سلم إذا حذ به أمر صلی»[1]

حضرت حذیفه رضی الله عنه می‌فرماید که این عادت شریفه سرور دو عالم صلی الله علیه و سلم بود که هر مشکلی پیش می‌آمد به طرف نماز متوجه می‌شدند.

و در قرآن شریف ارشاد است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِيْنَ آمَنُوا اسْتَعِيْنُوْا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلٰوةِ إِنَّ اللهَ مَعَ الصّٰبِرِيْنَ﴾ «ای اهل ایمان کمک بخواهید به سبب صبر و نماز بدون شک الله تعالی با صابران است». در شریعت اسلام درجه نماز بسیار بلند است کامیابی دنیا و آخرت الفت و محبت داشتن با نماز فرض و نوافل وابسته است. رسول الله صلی الله علیه و سلم برای درمان هر مشکلی نسخه نماز را تجویز فرموده‌اند. بطور مثال برای رفع هر مشکل به ادای نماز دستور داده‌اند، مثلاً برای طلب باران، در عیدین، قبل از شروع سفر، بعد از سفر، برای خورشید

۱- رواه ابوداود

گرفتگی، اگر کسی مظلومانه به قتل می‌رسد در تمام این صورتها به نماز باید روی آورد. علاوه بر نماز فرایض نمازهای اشراق، چاشت، أوابین، تهجد، بعد از وضو گرفتن، تحیة الوضو، داخل شدن به مسجد غرض اینکه برای هر مؤمن نماز دارای اهمیت ویژه‌ای است.

از آیه قرآن پاک معلوم می‌شود که به سبب نماز از الله جل جلاله کمک بخواهید و از حدیث شریف و طرز عمل رسول اکرمﷺ نیز معلوم شد که رسول اللهﷺ در هر مشکل فوراً به سوی نماز می‌شتافتند.

نضر بن عبدالله بیان فرمودند که یک بار خورشیدگرفتگی شد من به خدمت حضرت انس رضی الله عنه رسیدم و پرسیدم که در زمان رسول اکرمﷺ چنین حالتی پیش آمده بود ایشان جواب دادند بله در چنین مواقعی بسوی نماز می‌شتافتند و علاوه بر آن در آن زمان اگر باد تندی می‌وزید، از ترس آمدن قیامت همه مردم به طرف مسجد می‌دویدند. این عادت عهد نبوت است و دستور الله تعالی و ارشاد رسول اکرمﷺ نیز همین است که برای نجات از معصیت و رسیدن به نعمت به طرف نماز بشتابید، این دستوری که خالق کائنات جل شانه، خاطرنشان ساختند که راه سعادت همین است و بس به این معنا نیست که هنگام فرا رسیدن مصائب و مشکلات صرفاً نمازهای فرض با اهتمام برگزار شوند بلکه چنین حالتی همراه با اقامه فرائض نمازهای نفلی نیز به کثرت خوانده شود و مکرراً در بارگاه پروردگار در نماز پیشانی نیاز گذاشته شود اما حال طوری شده که در خوشحالی و غم نوافل بجای خود که نمازهای فرض ضائع می‌شوند. حال بفرمایید چگونه می‌توان از مصایب نجات یافت؟

صبر هم نعمت بسیار بزرگی است در یک حدیث ارشاد است:

«و ما أعطی أحد عطاء هو خیر و أوسع من الصبر»[۱]

«الله تعالی هیچ کسی را چیزی بهتر و زیاده‌تر از صبر بخشش نفرموده‌اند». درجهٔ صبر خیلی بزرگ است بقیه نعمت‌ها در آرامش و راحت به‌کار خواهند آمد ولی نعمت صبر در موقع مصیبت درکنار انسان خواهد بود بخاطر همین است که این را از بقیه بخششها بهتر قرار داده است. در مصیبت صبر کردن و امید ثواب داشتن نسخه بسیار سودمند است در یک حدیث ارشاد است:

«أفضل العباد إنتظار الفرج»[۲]

«افضل‌ترین عبادت انتظار برای رفع مشکلات است».

بنده مؤمن موقع آمدن مشکلات صبر می‌کند داد و فریاد نمی‌کند و بر الله پاک اعتراض نمی‌نماید. در این چنین حالتی دل او سکون و اطمینان حاصل می‌کند و مصیبت فوراً از او برطرف می‌شود و بخاطر صبر بر مصیبت به او اجر و ثواب خواهد رسید.

هر انسانی که در حالت مصیبت ترسیده و داد و فریاد سر دهد و به ذات پروردگار اعتراض کند اینچنین انسانهایی از مصیبت رهایی نمی‌یابند و در دل آنها سکون و اطمینان پیدا نمی‌شود بعضی از انسانها در حالت مصیبت ذات پروردگار را حرفهای بد و زشت می‌گویند که به سبب آن کافر می‌شوند و دولت ایمان را از دست می‌دهند. مصیبتی که آمدنی بود خواهد آمد و از نماز، صبر و دعا دور می‌شود از داد و فریاد دور نمی‌شود پس از وحشت وبی‌صبری چه فایده حاصل می‌شود؟ بر مصیبت باید صبر کنیم و بر آن از ذات الله تعالی

۱- مشکوة شریف ۲- مشکوة شریف

امید ثواب داشته باشیم و انسان عاقل از مصیبت‌ها چیزهای باارزش کسب می‌کند و کسی که بی‌صبری می‌کند و امید اجر و ثواب را نداشته باشد او مصیبت را می‌بیند و از اجر و ثواب محروم هم می‌شود. «فإنما المصاب من حرم الثواب» مصیبت‌زده اصلی آن کسی است که از ثواب محروم باشد.

از حضرت صهیب رضی الله عنه روایت است رسول اکرم ﷺ ارشاد فرمودند: مؤمن حال عجیبی دارد و هر حال او بهتر است و بغیر از مؤمن برای کسی دیگر نصیحت نیست اگر برای مؤمن خوشی میسر شد شکر می‌کند و این برای او بهتر است و اگر مشکلی آمد صبر می‌کند این برای او بهتر است صبر و شکر دو نعمت بسیار بزرگ هستند که بوسیله آن بندگان مؤمن دنیا و آخرت خود را درست می‌کنند و بیشتر مستحق رحمت و نعمت خداوند می‌شوند.

وعده الله تبارک و تعالی برای کسی که نماز اشراق و چاشت را می‌خواند

۲۱) و عن أبي الدرداء و أبي ذرٍ رضي‌الله تعالی عنهما قالا: قال رسول الله صلی الله تعالی علیه و سلم عن الله تبارک و تعالی انه قال: «یا ابن آدم ارکع لی أربع رکعات من أول النهار أکفک آخره» [1]

از حضرت ابودرداء و حضرت ابوذر رضی الله تعالی عنهما روایت است که رسول اکرم ﷺ ارشاد فرمودند که «الله تبارک و تعالی می‌فرمایند ای انسان تو برای من در شروع اول چهار رکعت (نماز نفل) اداکن من تا آخر روز برای تو کافی هستم».

۱- اخرجه الترمذی

وعده الله تعالی است که هر شخصی صبح زود قبل از (برآمدن خورشید) چهار رکعت نماز خالصانه برای الله پاک اداکند در تمام آن روز خداوند قدوس حاجتها و مشکلاتش را رفع خواهد نمود و این فضیلت هم در وقت اشراق با خواندن چهار رکعت نماز نفل به دست می‌آید و از خواندن نماز چاشت هم حاصل می‌شود بخاطر اینکه این هر دو نماز در اول روز خوانده می‌شوند بعضی از بزرگان این را تجربه کرده‌اند که از خواندن نماز چاشت با پایبندی در رزق تنگی پیدا نمی‌شود.

در یک حدیث ارشاد است که هر کس نماز فجر را با جماعت اداکند بعد در همان جا تا طلوع آفتاب بنشیند و به ذکر خداوند مشغول شود و بعد از آن دو رکعت نماز بخواند الله تعالی او را به اندازه یک حج و یک عمره ثواب می‌دهد با تأکید سه مرتبه فرمودند که کاملاً ثواب یک حج و عمره به او داده می‌شود. (ترمذی شریف)

همچنین ارشاد فرمودند که برای هر عضو بدن روزانه بطور شکرانه صدقه لازم است پس گفتن «سبحان الله» صدقه است و «الحمدلله» صدقه است و «الله اکبر» صدقه است یعنی خواندن اینها برابر با صدقه می‌باشد و امر به معروف صدقه است و نهی عن المنکر صدقه است و بجای همه خواندن نماز چاشت کافی می‌باشد. (مسلم شریف)

فایده عظیم دعا و آداب آن

٢٢) و عن ابن عمر رضی‌الله‌تعالی عنهما قال: قال رسول الله ﷺ: «إن

الدعاء ینفع مما نزل و مما لم ینزل، فعلیکم عباد الله بالدعاء»[1]

از حضرت ابن عمر رضی‌الله تعالی عنهما روایت است که رسول اکرمﷺ ارشاد فرمودند: «دعا قبل از آمدن مصیبت مفید است اگر مصیبتی هم نیاید باز هم سودمند می‌باشد لهذا ای بندگان خدا حتماً دعا کنید».

مقصود این است که به سبب دعا آن مصیبت که آمدنی است دور می‌شود و آن مصیبتی که آمده است آن هم به سبب دعا دور می‌شود.

در فرمان آن حضرتﷺ که دعا سودمند و نافع می‌باشد جای هیچ شک و تردید وجود ندارد اما این مسئله را در نظر بگیریم برای ثمربخش بودن دعا شرائط و آداب دعا را رعایت کنیم مثلاً ۱) از رزق حرام باید پرهیز کرد، ۲) برای گناه یا قطع رابطه خویشاوندی نباید کرد، ۳) برای قبول شدن دعا یقین کرد باید، ۴) برای قبول شدن دعا نباید عجله کرد، ۵) در زمان آسایش دعا کردن سبب می‌شود که در زمان پریشانی دعا قبول شود، ٦) در اول و آخر دعا تعریف الله تعالی را نمودن و برای رسول راستگو درود شریف فرستادن، ۷) آن دعاهایی را اختیار کنیم که از رسول اکرمﷺ منقول هستند و غیر ذلک؛ دعاهای عامیانه زیاد هستند که بعضی مطابق قواعد شرعی نیستند.

یک شرط بزرگ برای قبولیت دعا این است که دل را حاضر کرده و دعا خواسته شود در یک حدیث ارشاد است: از الله پاک دعا بخواه در حالی که در دل تو یقین قبولیت باشد و بدان که الله رب العزت دعای دَل غافل را قبول نمی‌فرمایند. (ترمذی) یعنی در خواستن دعا دلی که بطرف آن متوجه نیست و در کارهای مادی خود مشغول است و با زبان برطبق عادت الفاظی را بیرون

---

۱ - رواهما الترمذی

می‌کند این نوع دعا لیاقت قبولیت را ندارد در این زمان حالت دعاکنندگان به همین صورت است همانطوری که در نماز حضور قلب نیست به همین صورت در دعا هم قلب حاضر نیست.

کوتاهی خیلی بزرگ در ما این است که در وقت مصیبت بیاد دعا می‌افتیم و در عیش و خوشی دعا فراموش می‌شود از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم ﷺ ارشاد فرمودند: هر کسی که می خواهد خداوند دعای او را در حالت سختی و مصیبت قبول نماید پس او باید در حالت خوشی و آسایش خوب و باکثرت دعا بخواهد. (ترمذی شریف)

دعا دولت بسیار بزرگی است در یک حدیث ارشاد است: «الدُّعَاء مُخُّ العِبَادَة» یعنی: دعا مغز عبادت می‌باشد.

در یک حدیث ارشاد است که: هر کسی به درگاه الله تعالی دعا نمی‌کند، الله تعالی بر او خشمگین می‌شوند. (مشکوة)

از حضرت ابوسعید روایت است که رسول اکرم ﷺ ارشاد فرمودند: هر مسلمانی به درگاه الله تعالی دعاکند و در آن گناه و قطع رحم نباشد الله تبارك و تعالی از سه چیز یکی را حتماً عنایت می‌فرمایند: ۱) دعای او را قبول فرموده و فوراً آرزویش را برآورده می‌کنند، ۲) یا دعایش را در آخرت ذخیره نموده و محفوظ می‌دارند، ۳) و یا مصیبت راکه آمدنی است تا دیر نگاه می‌دارند. صحابه رضی‌الله‌عنهم عرض کردند که در این صورت ما خیلی دعا می‌کنیم رسول اکرم ﷺ در جواب فرمودند: که (فضل) الله تعالی خیلی زیاد است (مشکوة عن احمد) هر چقدر که می‌خواهید، بخواهید که در آنجا هیچ چیز کمی وجود ندارد.

خلاصه در خوشی، رنج، مشقت، آسودگی و راحتی که در هر حال و



همیشه و هر چیز کم یا زیاد را فقط از خداوند بخواهید. محبوب رب العالمینﷺ فرمود: هر حاجتی دارید از الله پاک بخواهید حتی که اگر تسمه کفش شما پاره شده آن را هم از خداوند درخواست کنید و در یک روایت آمده است که حتی نمک را هم از الله پاک بخواهید. (مشکوة عن الترمذی)

با شکرگزاری بر نعمت‌ها افزوده می‌شود

۲۴ـ و عن جابر رضی الله عنه قال: قال رسول اللهﷺ: «افضل الذکر لا إله إلا الله و أفضل الدعاء الحمدلله»[1]

از حضرت جابر رضی الله عنه روایت است که رسول اکرمﷺ ارشاد فرمودند: «از تمام اذکار افضل ذکر لا اله الا الله است و از تمام دعاها افضل دعا الحمدلله است»

در این حدیث پاک «لا اله الا الله» را از تمام اذکار افضل فرموده‌اند «الحمدلله» را از تمام دعاها افضل شمرده‌اند. «لا اله الا الله» از بقیه اذکار بخاطر این افضل است که بیانگر عقیده بنیادی اسلام است اگر ایمان نباشد هیچ ذکر و وظیفه و عبادتی قبول نخواهد شد. لذا جمله‌ای که با آن اظهار و اعلام ایمان می‌شود باید افضل همه قرار بگیرد.

حضرت «موسی» علی نبینا و علیه الصلوة و السلام به بارگاه «الله» جل جلاله عرض کرد مرا ذکری تعلیم دهید که با آن شما را یاد کنم و صدا زنم الله تعالی ارشاد فرمودند که: «لا اله الا الله» بگو عرض کرد: پروردگارا! همه جهانیان این را می‌گویند. خداوند متعال (دوباره) ارشاد فرمودند: «لا اله الا

۱ـ رواه الترمذی و ابن ماجه

الله» بگو، عرض کرد، یا رب العالمین! می‌خواهم که فقط مخصوص من باشد. الله تعالی ارشاد فرمودند ای موسی! اگر هفت آسمان و هفت زمین در یک کف ترازو گذاشته شوند و در کف دیگر «لا اله الا الله» قرار داده شود کفه‌ای که در آن «لا اله الا الله» قرار دارد سنگین خواهد شد. (شرح السنة)

بعد از «لا اله الا الله» این را ارشاد فرمودند که «الحمدلله» از دعاهای دیگر افضل می‌باشد. معنی «الحمدلله» این است که تمام تعریفها فقط برای الله تعالی هستند و انعامات و احسانات الله تعالی بر بنده‌هایش بی‌شمارند. بندگان مومن الله تعالی نعمت‌های الله تعالی را همیشه در نظر داشته و در حالت اختیار و اضطرار، الحمدلله گفته و بلند می‌شوند و شکر الله تعالی را ادا می‌کنند. در مقابل، الله تعالی در نعمت‌هایش بیشتر اضافه می‌فرمایند و اگر بنده ناشکری کند پس او را از نعمت‌هایش محروم می‌سازد. همانطور که در سوره ابراهیم ارشاد است:

﴿وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيْدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِيْ لَشَدِيْدٌ﴾

«و آن وقت که خبردار ساخت پروردگارش که اگر شکر کنید زیاده دهم شما را و اگر ناسپاسی کنید هر آئینه عذاب من سخت است».

پس وقتیکه از ادا نمودن شکر در نعمت اضافه می‌شود خود الحمدلله شکر می‌باشد از گفتن این کلمه بر نعمت‌ها افزوده خواهد شد و از گفتن این کلمه شکر هم ادا می‌شود و مطالبه نعمت هم خواهد شد بخاطر همین الحمدلله افضل الدعا قرار داده شد در حدیث ارشاد است: «الحمد رأس الشكر ما شكر الله عبد لايحمده»

«حمد ریشه شکر است آن بنده‌ای که حمد نمی‌گوید پس او شکرگزار الله

تعالی نیست»

از آیه ذکر شده بالا به طور واضح معلوم می‌شود که شکر کردن سبب اضافه شدن نعمت‌ها می‌شود و ناشکری سبب کم شدن نعمت‌ها خواهد بود.

ابن کثیر در تفسیر ﴿إِنَّ عَذَابِيْ لَشَدِيْدٌ﴾ فرموده‌اند: و ذلک بسلبها عنهم و عقابه ایاهم علی کفرها

یعنی بخاطر ناشکری وعید و عذاب شدید را اشاره فرموده عذاب آشکار می‌شود که خداوند متعال نعمت‌هایش را پس می‌گیرند و بخاطر ناشکری آنها را مجازات می‌کند.

الله تعالی مردم سرزمین «سبا» را از نعمت‌های زیادی بهره‌مند فرموده بودند آنها ناشکری نعمت‌های خداوند راکردند لذا الله تعالی نعمت‌های خود را از آنها پس گرفتند، که شرح آن در سوره «سبا» رکوع دوم آمده است، خداوند متعال ارشاد می‌فرماید:

﴿لَقَدْ كَانَ لِسَبَا فِيْ مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَنِ عَنْ يَمِيْنٍ وَ شِمَالٍ كُلُوْا مِنْ رِزْق رَبِّكُمْ وَ اشْكُرُوْا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَ رَبٌّ غَفُوْرٌ﴾

«هر آئینه بود قوم سبا را جای ماندن ایشان نشانهٔ مر ایشان را بود و بستان از جانب راست و از جانب چپ گفتیم بخورید رزق پروردگار خویش را و شکر گوئید او را شما را شهری است پاکیزه و پروردگار آمرزنده»

﴿فَأَعْرَضُوْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ العرم وَ بَدَّلْنٰهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتَيْ أُكُلٍ خَمْطٍ وَاثْلٍ وَ شَيْءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيْلٍ ذٰلِكَ جَزَيْنٰهُمْ بِمَا كَفَرُوْا وَ هَلْ نُجْزٰى إِلاَّ الْكَفُوْرَ﴾

«پس رو گردانیدند پس فرستادیم بر ایشان سیلی تند و عوض دادیم اوشان را به جای دو بوستان ایشان بوستانی دیگر خداوند میوه‌های بدمزه و درخت گز و چیزی اندک از درخت، کنار این سزا دادیم ایشان را به سبب ناسپاسی ایشان و سزای بد نمی‌دهیم مگر ناسپاس را»

در ملک «سبا» پادشاهی برای جمع کردن آب، سد بسیار بزرگی درست کرد که آب‌های خیلی زیادی در آن جمع می‌شدند و از آن سد نهرهای کوچکی بیرون آورده بودند که در تمام سال به سبب آن باغات و زمین‌های کشاورزی آبیاری می‌شدند و باغات هم در دو طرف جاده درست شده بودند و خانه‌ها و روستاها نزدیک به هم متصل بودند و مسافران در هر جایی و در هر وقتی که می‌خواستند مکان استراحت و غذا فراهم بود، و به سبب نزدیک بودن روستاها، امنیت و آرامش نیز برقرار بود؛ و آب و هوای پاکیزه‌ای داشت. وقتی که مردم بجای شکرگزاری و اطاعت دست به نافرمانی و معاصی زدند وقت عذاب آمد سد شکست و در بعضی از روایتها آمده است که الله تعالی برای شکستن سد از موشهای آبی کار گرفتند آنها داخل سد را سوراخ کرده که آن سوراخها کم کم بزرگتر شدند و به سبب آن سد شکست و تمام باغات و کشاورزی آنها را تباه و برباد کرد زمانی که آب سد خشک شد بجای آنها درخت گز و کُنار رویید. بعضی از مردم هلاک شدند و بعضی دیگر پراکنده شدند.

در تفسیر ابن کثیر آمده است که وضع باغات مردم سبا اینطور بود که یک زن برای آوردن میوه از داخل باغ یک سبد را بر سر خود می‌گذاشت و داخل باغ می‌رفت از راه رفتن در داخل باغ آن سبد پر از میوه می‌شد. یعنی از کثرت میوه‌ها بر روی درختها لازم نبود که با تکان دادن یا با چوب میوه‌ها را از روی

درختها پایین بیاورند. خود به خود از درختها میوه‌ها بر روی زمین می‌افتادند. این انعام الله تعالی بر آنها بود و حتی مگس، پشه و هیچ نوع کرمی در آبادیهای آنها وجود نداشت. الله تعالی بر آن‌ها مهربانی فرمودند تا که آنها بنده‌های موحدی شوند و در عبادت الله تعالی مشغول شوند و به آنها حکم شده بود که رزق رب خود را بخورید و شکرگزار او باشید اما آنها صورت خود را از طرف الله تعالی برگرداندند و در ناشکری مشغول شدند که بسبب ناشکری آنان، آن نعمت‌ها از آنها گرفته شدند کما قال الله تعالی ﴿وَ هَلْ نُجْزِی إلاَّ الْكَفُوْر﴾ در سوره نحل الله تعالی ناشکری یک شهری را و انجام آن را یادآوری می‌فرمایند چنانکه ارشاد است:

﴿وَ ضَرَبَ اللهَ مَثَلاً قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيْهَا رِزْقُهَا رَغَداً مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعِمُ اللهِ فاذاقها الله لِبَاسَ الْجُوْعِ وَ الْخَوْافَ بِمَا كَانُوْا يَصْنَعُوْنَ﴾ [1]

«و بیان کرد خدا داستان دیهی که بود ایمن آرمیده می‌آمد به او روزی او به کشادگی از هر جای پس ناسپاس کرد به نعمت‌های خدا پس چشانید او را خدا پوشش گرسنگی و ترس به سبب آنچه می‌کردند»

بیان مفسرین است که این آیت شریفه در مورد اهل مکه ذکر شده است. برای اهل مکه همیشه انعامات و احسانات الله تعالی بوده آنها همیشه در شادی و آرامش بوده‌اند برای تجارت در طول سال دو سفر انجام می‌دادند و وسایل خورد و خوراک و وسایل زندگی آن‌ها مهیا بود و مردم برای زیارت بیت الله شریف، از مناطق مختلف می آمدند و همراه با خود نعمت‌های زیادی

۱- نحل ۱۱۲

می‌آوردند و در همانجا می‌گذاشتند و بخاطر حرمت و عزت کعبه هیچ قبیله‌ای به مردم مکه حمله نمی‌کرد.

بخاطر همین اهل مکه خیلی با خوشحالی و در امنیت و آرامش زندگی می‌کردند و با فراغت خوب خورد و نوش داشتند. و الله رب العزت نبی آخر الزمان حضرت محمد رسول الله ﷺ را مبعوث فرمودند: آنحضرت ﷺ پیامبر تمام بشریت هستند. (در قرآن پاک هم اعلام شده است) اما در ابتداکار نبوت را آن‌حضرت ﷺ از وطن خود مکه معظمه شروع فرمودند. اهل مکه بجای اینکه به توحید معترف شوند و اطاعت نبی آخر الزمان را انجام دهند. از رسول الله ﷺ روگردان شدند و رسول خدا ﷺ را آزار رساندند و مخالفت را شروع کردند و به طرف نعمت‌های خداوند هیچ توجهی نکردند و به کفر و کفران نعمت مشغول شدند به همین سبب رسول اکرم ﷺ و اصحاب گرانقدر مجبور شدند مکه را ترک نمایند. و مدینه منوره را برای خودشان دارالهجرت قرار دهند و مردم مکه از آنها دست بردار نشدند و بشت سر آن‌ها به مدینه آمده و جنگ و خونریزی را شروع کردند. رسول اکرم ﷺ در حق آنها دعای قحط فرمودند و در مکه چنان خشکسالی آمد که مردم آنجا سخت در گرسنگی و تنگدستی مبتلا شدند در نزد آن‌ها هیچ چیزی برای خوردن نماند تا جایی که پوست شتر و استخوانها را هم می‌خوردند. این مصیبت به سبب کفر و کفران نعمت آمد. ﴿فَأَذَاقَهَا اللهُ لِبَاسَ الْجُوْعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا كَانُوْا يَصْنَعُوْنَ﴾

خلاصه این که ناشکری، نعمت‌ها را از بین می‌برد و زندگی را بدتر می‌کند و بخاطر افراد ناسپاس، نعمت‌های الهی سلب می‌شوند و برای بندگان شکرگزار در نعمت‌ها اضافه می‌شود.

حقیقت شکر و ناشکری چیست؟ در این رابطه از اکابر امت اگر چه اقوال مختلفی نقل شده است اما معنای همه یک چیز است. علامه ابن کثیر در تفسیر ﴿لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْن﴾ چنین فرموده‌اند:

أی إذا اقمتم بما أمركم الله من طاعته بأداء فرائضه و ترک محارمه و حفظ حدود فلعلكم ان تكونو من الشاكرين[1]

یعنی: فرمان الله تعالی را اطاعت کنید و فرائض او را ادا کنید. از چیزهای حرام اجتناب کنید و حدود خدا را حفظ کنید در چنین صورتی شما از شاکران خواهید بود.

نیز علامه ابن کثیر در تفسیر ﴿وَكَانَ الاِنْسَانُ لِرَبِّهِ كَفُوْراً﴾ نوشته‌اند:

أی جحوداً لأنه أنكر نعمة الله عليه و لم‌يعمل بطاعته بل أقبل على معصته و مخالفته[2]

یعنی انسان انکار کننده نعمت‌ها است چونکه فرمان برداری الله تعالی را نمی‌کند؛ بلکه در مخالفت و نافرمانی او مشغول است.

حضرت امام غزالی رحمه الله در «منهاج العابدين» نوشته‌اند:

و أما الشكر فتكلموا فى معناه و أكثروا فعن ابن عباس رضي الله عنه انه قال: الشكر هو الطاعة بجميع الجوارح لرب الخلائق فى السر و العلانية و إلى نحوه ذهب بعض مشائخنا فقال: الشكر هو أداء الطاعات فى الظاهر والباطن ثم رجع إلى أنه اجتناب المعاصى ظاهراً و باطناً (إلى أن قال:) إن أقل ما يستوجب المنعم بنعمة أن لا يتوصل بها إلى معصية و ما أقبح حال من

۱- ذكره فى تفسير آيات الصوم

۲- ذكر فى تفسير بنى اسرائيل ع ۳

جعل نعمة المنعم سلاحاً علی عصیانه

معنی شکر را علماء به صورتهای مختلفی بیان فرموده‌اند. چنانکه از حضرت ابن عباسِ رضی الله عنهما روایت است به روشهای ظاهری و باطنی با تمام اعضاء و جوارح، فرمانبرداری پروردگار عالم را اداکردن شکر نام دارد. بعضی از مشایخ هم اطاعت ظاهری و باطنی را در اداکردن شکر بیان فرموده‌اند و به الفاظ دیگر چنین گفته‌اند: ظاهر و باطن را ازگناهان پاک داشتن شکر نام دارد. حضرت امام غزالی رحمه الله فرموده‌اند این بدترین درجه است که به کسی که نعمت داده شد او آن نعمت را در جهت نافرمانی او به مصرف برساند و حقیقتاً جای تعجب است آن نعمت‌هایی راکه به او داده شده است او بجای تشکر، اسلحه ناشکری و نافرمانی را بر دوش بگیرد.

از تمام این مطالب معلوم شد که نعمت‌های داده شده خداوند همانند مثل دولت، عزت، رخصت، شهرت، منصب، عظمت، مسئولیت و مقام را اگر در مسیر طاعت و عبادت صرف شود ولی استفاده کردن از نعمت‌های خدادادی و سپس ناسپاسی نمودن ناشکری محض است. بدترین ناشکری این است که نعمت‌هایی که خداوند عطا نموده آن نعمت‌ها را در نافرمانی خداوند بکار ببریم. مردمان این زمانه با ورد کردن الحمدلله و بدست گرفتن تسبیح فکر می‌کنند که حق شکر را اداکرده‌اند در حالی که چنین نیست؛ اگر ما هزاران تسبیح ورد کنیم اما ریش را تیغ بزنیم، نمازها را ضائع کنیم، زکات را ندهیم و حج بیت الله راکه بر ما فرض شده انجام ندهیم در ماه رمضان، ماه رمضان را روزه نگیریم شکر نکرده‌ایم.

وضعیتی که در جامعه فعلی رواوج دارد این است که جوانان در ماه رمضان همانند بقیه ماهها در خورد و نوش مشغول‌اند، پول و سرمایه در



خریدن تصویر و موسیقی صرف می‌شود و در سینماها و خریدن لباس‌های ناجایز صرف می‌شود. معامله ربوی و کارهای خلاف عفت رواج دارد و اعضاء و جوارح از قبیل بینی، چشم، دل و مغز و دست و پا و این همه نعمت‌های خدادادی در امور گناه استعمال می‌شوند.

برای چنین انسانهای ناسپاسی چگونه نعمت‌ها سرازیر شوند؟! و اینها چطور مستحق زندگی خوب باشند؟! به سبب آفات مختلف این نعمت‌ها که از انسان گرفته می‌شوند سزای ناشکری است با این همه معصیت و نافرمانی اگر باز هم مورد انعام و احسان قرار می‌گیریم از فضل و کرم اوست.

برکات تلاوت قرآن مجید

۲۳) و عن أبي سعيد ﷺ قال: قال رسول الله ﷺ «يقول: الرب تبارک و تعالی: من شغله القرآن عن ذکری و مسئلتی أعطيته أفضل ما أعطی السائلين و فضل کلام الله علی سائر الکلام کفضل الله علی خلقه».[1]

از حضرت ابوسعید خدری ﷺ روایت است که رسول اکرم ﷺ ارشاد فرمودند که: «پروردگار عالم می‌فرمایند: هر شخصی که به علت مشغول بودن با قرآن فرصت ذکر و دعا نداشته باشد، من او را از همه سوال کنندگان (دعا کنندگان) بیشتر عطا می‌کنم و برتری کلام الهی بر سایر کلامها همانند برتری خود خداوند متعال بر تمام مخلوقات است».

یعنی کسی که به یادگیری و یا دانستن و فهمیدن قرآن به حدّی مشغول شده باشد که برای دعا و غیره وقت نداشته باشد، من از دعاکنندگان چیزهای بهتری

۱- رواه الترمذی و الدارمی و البیهقی فی شعب الایمان

به او عطا خواهم کرد.

۲۴) وعن عطاء بن أبي رباح رضی الله عنه قال بلغني أن رسول الله ﷺ قال: من قرأ يٰس في صدر النهار قضيت حوائجه»[۱]

حضرت عطاء بن ابی رباح رحمه الله (تابعی) بیان می‌فرمایند که به من این حدیث رسول اکرم ﷺ رسیده است که: «هر شخصی در آغاز روز (یعنی صبح) سوره یٰس را تلاوت کند تمام حاجات او را الله تعالی تکمیل می‌کند».

۲۵) و عن ابن مسعود رضی الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: «من قرأ سوره الواقعة في كل ليله لم تصبه فاقه ابدا» و كان ابن مسعود يامر بناته يقرآن بها في كل ليله»[۲]

حضرت ابن مسعود رضی الله عنه می‌فرمایند که ارشاد رسول اکرم ﷺ است که: «هر شخصی سوره واقعه را هر شب بخواند، هرگز به او فقر و تنگدستی نمی‌رسد». ابن مسعود رضی الله عنه به دختران خود امر می‌کرد که هر شب این سوره را بخوانند. در بعضی از روایت‌ها آمده است که حضرت ابن مسعود رضی الله عنه با یقین کامل می‌فرمودند که در خانه من چطور فقر می‌آید که دختران من سوره واقعه را می‌خوانند؟!

در یک حدیث سوره واقعه را سوره الغنی فرموده‌اند. (منتخب کنز العمال)

در یک حدیث از سید البشر رسول اکرم ﷺ نقل شده که روز قیامت به صاحب قرآن گفته می‌شود قرآن مجید رابخوان و به درجات جنت بالا برو و با ترتیل و آهسته آنچنان که در دنیا می‌خواندی، بخوان که منزل تو جایی است

۱- رواه الدارمی مرسلا ۲- رواه البیهقی فی شعب الایمان



که به آخرین آیه قرآن برسی. (رواه احمد)

حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنه می‌فرماید که رسول اکرم ﷺ ارشاد فرمودند کسی که در دل او چیزی از قرآن نباشد مانند خانه ویرانه‌ای است.

حضرت ابن مسعود رضی الله عنه می‌فرماید که رسول اکرم ﷺ ارشاد فرمودند: هر کسی حرفی از قرآن مجید بخواند برای او در عوض آن یک نیکی است و یک نیکی در ثواب برابر با ده نیکی خواهد بود من نمی‌گویم که الٓمٓ یک حرف است بلکه الف یک حرف، لام یک حرف و میم یک حرف است. (ترمذی عن ابن مسعود)

حضرت معاذ جهنی رضی الله عنه می‌فرماید که، رسول اکرم ﷺ ارشاد فرمودند: هر کس قرآن مجید را بخواندو بر آن عمل کند، روز قیامت بر سر پدر و مادرش چنان تاجی نهاده می‌شود که روشنایی آن از روشنی خورشید بیشتر خواهد بود اگر آن خورشید در خانه‌های شما باشد. حالا چه گمان می‌کنید برای کسی که خودش بر آن عمل کرده باشد. (رواه احمد)

از حضرت انس رضی الله عنه روایت است که آنحضرت ﷺ ارشاد فرمودند که هر چیز دلی دارد و دل قرآن پاک سوره «یس» را فقط برای رضا و خشنودی الله تعالی بخواند، تمام گناهان گذشته‌اش مغفرت خواهند شد لذا این سوره را بر مردگان خود بخوانید. در یک حدیث ارشاد آن حضرت ﷺ است که هر کس روز جمعه سوره کهف را بخواند در میان هر دو جمعه یک نوری برایش روشن خواهد بود. (یعنی در دل او نورانیت خواهد بود) (بیهقی فی الدعوات الکبیر)

در یک حدیثی ارشاد است که هر کسی روز جمعه سوره آل عمران را بخواند تا آمدن شب فرشته‌ها برای او دعای رحمت می‌فرستند. (دارمی)

از رسول اکرمﷺ ارشاد است که: روز جمعه سوره هود را بخوانید (ایضاً) از حضرت عبدالملک بن عمیر روایت است که رسول اکرمﷺ ارشاد فرمودند که در فاتحة الکتاب (یعنی سوره فاتحه) شفای هر بیماری است. (دارمی)

از حضرت ابن عباس رضی الله عنه روایت است که خاتم النبیینﷺ ارشاد فرمودند که (سوره) اذا زلزلت برابر با نصف قرآن مجید است و سوره اخلاص قرآن مجید است و سوره اخلاص برابر ثلث قرآن مجید است و (سوره) کافرون برابر با $\frac{۱}{۴}$ قرآن مجید است (ترمذی) در یک حدیثی است که (سوره) اذا جاء نصر الله $\frac{۱}{۴}$ قرآن پاک است.

در یک حدیث ارشاد آنحضرتﷺ است که سوره فتح برای من از تمام آن چیزهایی که خورشید بر آنها اطلوع می‌کند محبوب‌تر است. (حصین)

از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول اقدسﷺ ارشاد فرمودند در قرآن مجید چنان سوره‌ای وجود دارد که سی آیه است این سوره برای خواننده خود شفاعت می‌کند تا اینکه مغفرت کرده شود، این سوره «تبارك الّذی» است. (مشکوة)

در حدیث دیگری است که این سوره سبب نجات از قبر می‌باشد و در مورد سوره الم‌سجده هم این فضیلت وجود دارد: آنحضرتﷺ بغیر از خواندن این دو سوره هرگز نمی‌خوابیدند. (مشکوة شریف)

حضرت ابوهریره رضی الله عنه می‌فرماید که رسول اکرمﷺ ارشاد فرمودند: هر کس به یک آیه از قرآن مجید گوش کند برای او دو برابر نیکی نوشته می‌شود و هر کس یک آیه تلاوت کند برای او روز قیامت نوری خواهد بود. (احمد)

از ذکر الهی در دل، اطمینان حاصل می‌شود و سبب نجات از عذاب خواهد شد

۲۶) و عن عبدالله بن عمر رضی‌الله‌تعالی عنهما عن النبی ﷺ انه کان یقول: «لکل شی صقالة و صقالة القلوب ذکر الله و ما من شیء أنجی من عذاب الله من ذکر الله قالوا و لا الجهاد فی سبیل الله قال و لا أن یضرب بسیفه حتی ینقطع»[1]

ترجمه: حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می‌فرماید: رسول خدا ﷺ فرمودند: «برای هرچیز صیقل دهنده‌ای وجود دارد و صیقل دهنده دلها ذکر الله تعالی است. و ذکر الله بزرگترین وسیله نجات انسان است و چیزی بالاتر از آن که از عذاب الهی دور نگه دارد وجود ندارد. صحابه عرض کردند آیا جهاد از ذکر بالاتر نیست؟ فرمود: خیر. اگر چه مجاهد شمشیر بزند تا اینکه شمشیرش بشکند».

از حدیث شریف معلوم شد که از عذاب دنیا و آخرت از تمام اعمال بزرگترین وسیله نجات ذکر الهی است. تلاوت کلام الله، سبحان الله، الحمدلله، الله اکبر، لا اله الا الله، لاحول و لا قوة الا بالله همه اینها ذکر هستند و به سبب اینها تمام پریشانیها دور می‌شوند. از ذکر خداوند در دلها اطمینان پیدا می‌شود چنانکه در قرآن شریف ارشاد شده است: ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾[2] «آگاه شو! به یاد خدا آرام می‌گیرند دلها».

از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم ﷺ ارشادفرمودند: هر جماعت و گروهی که به یاد الله تعالی مشغول شوند،

۱- رواه البیهقی فی الدعوات الکبیر

۲- رعد ۲۸

فرشتگان از هر طرف آن گروه را احاطه می‌کنند و رحمت الله تعالی آنها را می‌پوشانند و بر آنان سکینه نازل می‌شود و خداوند متعال در بارگاه (و مجلس) خود، بطور فخر از آنها یاد می‌کند. (مسلم)

در یک حدیث ارشاد الله تعالی است: من با بنده خود طبق گمانی که نسبت به من دارد معامله و رفتار می‌کنم، و هرگاه مرا یاد کند من با او خواهم بود، پس اگر او مرا در دل خود یاد می‌کند من با او خواهم بود، پس اگر او مرا در دل خود یاد می‌کند من نیز در دل خود او را یاد می‌کنم و اگر او مرا در جمعی یاد می‌کند من نیز در جمعی بهتر از آن (یعنی: در جمع فرشتگان که معصوم و بی‌گناهند) او را یاد می‌کنم. (بخاری و مسلم)

از حضرت ام حبیبه رضی‌الله‌تعالی عنها روایت است که رسول اکرمﷺ ارشاد فرمودند: هر حرف انسان بر او وبال است، (چیزی به نفع او نیست) مگر امر به معروف و نهی از منکر یا ذکر خداوند متعال. (ترمذی)

یکی از اصحابؓ عرض کرد: یا رسول اللهﷺ! احکام شریعت بسیارند به من چنان چیزی نشان ده که من آنرا در دستور کار و مشغله خود قرار دهم، آنحضرتﷺ فرمودند: با ذکر خدا هر وقت رَطبُ اللسان باش (یعنی زبانت با نام خداوندتر و تازه باشد). (ترمذی)

در یک حدیث ارشاد آنحضرتﷺ است شیطان دل انسان را در دست خود گرفته، هر وقت که انسان به یاد خداوند مشغول می‌شود او دور می‌شود و هر وقت که انسان در غفلت باشد، شیطان در دل انسان وسوسه می‌آورد. (مشکوة شریف)

در یک حدیثی ارشاد آن حضرتﷺ است که اگر من سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر بگویم برای من محبوبتر از تمام چیزهایی

است که خورشید بر آنها طلوع می‌کند. (مسلم)

در یک حدیث است که آن حضرت ﷺ فرمود: دو کلمه دارای چنان ویژگی هستند که بر زبان آسان و (در روز قیامت) بر ترازو خیلی سنگین و محبوب خداوند هستند اینها عبارت اند (سبحان الله و بحمده، سبحان الله العظیم. (بخاری و مسلم)

در یک حدیث ارشاد است که «لاحول و لا قوة الا بالله» دوای نود و نه مریضی را شفا می‌بخشند که کمترین آن غم می‌باشد، یعنی غم در جلوی این کلمات هیچ حقیقتی ندارد، این غم و ۹۸ مریضی دیگر را با هم حساب بکنیم، این کلمات شفابخش آنها هستند.

از حضرت مکحول روایت است، هر شخصی این کلمات «لاحول و لاقوة الا بالله و لا منجأ من الله إلا إليه» را بگوید، الله تعالی هفتاد دروازه مشکلات را بر او می‌بندد که کمترین آن فقر می‌باشد.

حضرت انس رضی الله عنه بیان می‌فرمایند، در هر زمانی که رسول خدا ﷺ را خبر ناراحت کننده‌ای می‌رسید این الفاظ را می‌خواندند، (یا حی یا قیوم برحمتک أستغيث) (مشکوة شریف)

در ذکر یک شعبه مهم، درود شریف می‌باشد که به سبب آن نعمت‌های زیادی در دنیا و آخرت حاصل می‌شود، و سبب نجات ازمصائب و پریشانیها خواهد بود، و غم از انسان دور می‌شود. از حضرت انس رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم ﷺ ارشاد فرمودند: هر شخصی بر من یک مرتبه درود شریف بفرستد، الله تعالی بر او ۱۰ رحمت نازل می‌فرمایند، و از نامه اعمالش ده گناه معاف می‌شود و ده درجه بر مقام او افزون می‌شود و برای او ده نیکی نوشته می‌شود. (حصن حصین)

حضرت ابی بن کعب ﷺ عرض کردند یا رسول الله، من برای شما درود می‌فرستم شما بفرمایید که (از بقیه اذکار) چقدر درود مقرر بکنم؟ آنحضرت ﷺ فرمودند: هر چقدر می توانی مقرر کن، من عرض کردم از بقیه اذکار ۱/۴ مقرر بکنم، آنحضرت ﷺ فرمودند: هر چقدر می توانی مقرر کن، اگر بیشتر از آن مقرر بکنی برای تو بهتر است، من عرض کردم اگر نصف درود شریف و نصف دیگر بقیه اذکار مقرر بکنم چطور است؟ آنحضرت ﷺ فرمودند هر چقدر که می توانی مقرر کن، اگر بیشتر از این می توانی برای تو بهتر است، من عرض کردم اگر دو وقت درود شریف و یک قسمت بقیه اذکار را مقرر بکنم؟ آنحضرت ﷺ فرمود: هر چقدر که می توانی مقرر کن اگر بیشتر از این بتوانی برای تو بهتر است، من عرض کردم که خیلی خوب تمام وظیفه خود درود شریف را مقرر می‌کنم آن حضرت ﷺ فرمودند که کفایت تمام تفکرات تو و کفاره گناهان خواهد شد. (ترمذی)

حضرت عمر بن خطاب ﷺ فرمودند که بلااستثناء دعا در میان زمین و آسمان معلق است به بالا نمی‌رود تا زمانی که بر رسول خدا ﷺ درود نفرستیم. (ترمذی)

حضرت عبدالله بن مسعود ﷺ بیان می‌فرمایند که من در مسجد نماز می‌خواندم نبی اکرم ﷺ با ابوبکر همراه بودند، زمانی که من از نماز فارغ شدم و در حالت نشسته تعریف خداوند را شروع کردم و بعد برای نبی اکرم ﷺ درود فرستادم و بعد برای خودم دعا کردم، این ماجرا را نبی اکرم ﷺ دیدند و فرمودند بخواه که خواستن تو مورد قبول واقع خواهد شد. (ایضا)

از حضرت ابوهریره ﷺ روایت است که آنحضرت ﷺ ارشاد فرمودند هر مجلسی که در آن ذکر الله تعالی و درود بر رسول الله ﷺ نباشد در روز

قیامت چنین مجلسی سبب حسرت و زیان خواهد شد، باز خداوند متعال اگر بخواهد با لطف خود مغفرت می‌فرماید و اگر بخواهد باز خواست کند و عذاب بدهد. یکی دیگر از شعبه‌های مهم ذکر استغفار است، و ما فضائل و فوائد آن را در شرح حدیث زیر بیان می‌کنیم.

اجر و پاداش استغفار

۲۷) وعن ابن عباس رضی‌الله تعالی عنهما قال: قال رسول الله ﷺ: «من لزم الاستغفار جعل الله له من کل ضیق مخرجا و من کل هم فرجا و رزقه من حیث لایحتسب»[۱]

از حضرت ابن عباس رضی‌الله تعالی عنهما روایت است که نبی اکرم ﷺ ارشاد فرمودند: «هر شخصی به استغفار مشغول باشد، الله تعالی برای او در هر تنگی گشایش درست می‌نماید و او را از هر غم نجات می‌دهد و از جایی به او رزق عطا می‌فرمایند که او گمان ندارد».

توضیح: از استغفار و توبه گناهان معاف می‌شوند و تنگی، سختی هم دور می‌شود و زندگی با سکون و آرامش هم می‌رسد چنانچه در قرآن شریف ارشاد است:

﴿وَ أَنِ اسْتَغْفِرُوْا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوْبُوْا اِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعاً حَسَناً إِلَى أَجَلٍ مُسَمّى وَ يُؤْتِ كُلَّ ذِيْ فَضْلٍ فَضْلَهُ وَ اِنْ تَوَلَّوْا فَاِنِّيْ أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيْرٍ﴾[۲]

ترجمه: «و آن که آمرزش طلب کنید از پروردگار خود باز رجوع کنید به

۱- رواه احمد و ابوداودو ابن ماجه

۲- هود ۳

سوی وی تا بهره‌مند سازد شما را به بهره نیک تا میعاد معلوم و تا بدهد هر صاحب بزرگی را جزای بزرگی او و اگر روگردان شوید پس هر آئینه مِن می‌ترسم بر شما از عذاب روز بزرگ»

از حضرت عبدالله بن بُسر رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم ﷺ ارشاد فرمودند: برای آن شخص خوشخبری است که در نامه اعمال خود استغفار داشته باشد. (ابن ماجه)

یعنی استغفار در روز قیامت نتیجه مطلوبی می‌دهد هر کسی هر چقدر با کثرت گفته باشد به همان اندازه برای او مفید خواهد شد.

در یک حدیث ارشاد است که شیطان به خداوند گفت ای رب به عزت تو قسم خوردم تا زمانی که روح در بدن بندگان تو باشند آنها راگمراه خواهم کرد، در جواب آن پروردگار عالم (عزوجل) فرمودند قسم به عزت و جلال و مرتبه بلند خودم که آنها هر وقتی استغفار بگویند من آن‌ها را می‌بخشم و معاف می‌کنم. (رواه احمد)

از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم ﷺ ارشاد فرموند: وقتی مؤمن مرتکب گناهی می‌شود، یک نقطهٔ سیاه بر دل او می‌افتد، اگر توبهٔ واقعی بکند، نقطه سیاه دور می‌شود وگرنه سر جایش باقی می‌ماند، سپس وقتی گناه دیگر می‌کند، نقطهٔ دیگری اضافه می‌شود تا اینکه بطور کلی دل او سیاه و زنگ آلود می‌شود. چنانکه الله تعالی در قرآن پاک ارشاد می‌فرمایند: ﴿ كَلاَّ بَل رَان عَلَى قُلُوبِهِم مَا كَانُوا يَكسِبُوْنَ ﴾ [1] ترجمه: «نَی، نَی، بلکه زنگ بسته است بر دل‌های ایشان آنچه می‌کردند». (رواه احمد)

۱- مطففین ۱۴

حضرات انبیاء علیهم‌الصلوة و السلام، امتهای خود را به استغفار و توبه ترغیب داده‌اند و آن‌ها را از منافع و ثمرات دنیوی و اخروی آگاه فرموده‌اند.

حضرت نوح علیه السلام قوم خود را نصیحت کرده، فرمودند:

﴿اسْتَغْفِرُوْا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً ○ وَ يُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِيْنَ وَ يَجْعَلْ لَّكُمْ جَنّٰتٍ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَاراً﴾ [1]

ترجمه: «طلب آمرزش کنید از پروردگار خود هر آئینه او هست آمرزنده تا بفرستد بر شما باران ریزنده و پی در پی دهد شما را اموال و فرزندان بدهد شما را بوستانها و پدید آرد برای شما جویها».

و همین نصیحتها را همراه این وعیدها، حضرت هود علیه السلام قوم خود را فرموده‌اند که ذکر آن در قرآن حکیم به این صورت آمده است:

﴿وَ يٰقَوْمِ اسْتَغْفِرُوْا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوْبُوْا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً وَ يَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ﴾ [2]

ترجمه: «و ای قوم من آمرزش طلبید از پروردگار خود باز رجوع کنید به سوی او تا بفرستد! ابر را بر شما ریزان گشته و بیافزاید شما را قوتی همراه قوم شما»

پیامبر معصوم خداوند در مجالس خود صد مرتبه در بارگاه الهی اینطور استغفار می‌کردند: **رب اغفرلی و تب علی إنک أنت التواب الغفور** (مشکوة)

ای الله من را ببخش و توبه من را قبول کن بدون تردید تو توبه را قبول می‌کنی و بخشاینده هستی.

جای تدبر و فکر است که رسول اکرم ﷺ با وجود معصوم بودن در

۱- نوح ۱۲ ۲- هود ۵۲

مجالس خود صد مرتبه معافی می‌خواهد و ما با وجودی که هر وقت در گناه مشغول هستیم یک مرتبه هم استغفرالله نمی‌گوئیم.

حضرت حذیفه رضی الله عنه می‌فرماید من به رسول اکرم ﷺ عرض کردم زبانم خیلی در گردش است لهذا بر آن نسخه‌ای تجویز بفرمایید، آن حضرت ﷺ فرمودند چرا در استغفار مشغول نمی‌شوید؟ (حصن حصین) یعنی استغفار را بر خود لازم بگیر که حرکت زبان تمام می‌شود.

در حدیث شریف وارد است که بعد از نماز فرض آن حضرت ﷺ سه مرتبه استغفار می‌کردند. (مشکوة)

از این معلوم می‌شود که بعد از اعمال نیک هم استغفار باید کرد زیرا اگر در آن اعمال کمی و کوتاهی شده باشد تلافی جبران می‌شود.

صدقه دادن رفع بلاست

۲۸) و عن أنس رضی الله تعالی عنه قال: قال رسول الله ﷺ: «إن الصدقة لتطفیء غضب الرب و تدفع میتة السوء»[۱]

از حضرت انس رضی الله عنه روایت است که رسول اقدس ﷺ ارشاد فرمودند که: «صدقه خشم پروردگار را سرد می‌کند و از موت بد، نجات می‌دهد». (ترمذی)

برای محفوظ ماندن از مصیبتهای دنیا و آخرت صدقه دادن یک عمل بسیار بزرگ و مؤثری است از حدیث شریف معلوم شد که صدقه دادن خشم الله تعالی را سرد می‌نماید. یعنی به سبب گناهان مصیبتهایی که در دنیا و

۱- رواه الترمذی

آخرت می‌رسند با دادن صدقه از آنها حفاظت می‌شوند و صدقه کفاره گناهان می‌شود لهذا بر گناهان مؤاخذه نمی‌شود و خشم خداوند متعال را دور می‌کند و فرمودند که صدقه از موت بد حفاظت می‌کند مقصود این است که صدقه حالت موت آدمی را مطلوب می‌کند یعنی از ذکر خداوند غافل نمی‌شود و از زبانش الفاظ بد بیرون نمی‌شود و از خاتمه بد حفاظت می‌شود و غیره بشرطیکه صدقه از مال حلال باشد.

صدقه در نجات از عذاب جهنم هم دخالت دارد در یک حدیث آمده است: «فاتقوا النار و لو بشق تمرة»[1]

«از عذاب دوزخ نجات حاصل کنید اگر چه صدقه دادن با یک دانه خرما باشد».

۲۹) و عن علی رضی الله تعالی عنه قال: قال رسول الله ﷺ: «بادروا بالصدقة فان البلاء لایتخطاها»[2]

از حضرت علی رضی الله عنه روایت است که رسول اقدس ﷺ ارشاد فرمودند: «در صدقه دادن عجله کنید، بخاطر اینکه جلوی مصیبت را می‌گیرد».

از این حدیث معلوم می‌شود که صدقه یک دیوار بزرگی است که در جلوی مصیبتی که در حال آمدن است می‌ایستد، و مصیبت را یارای آن نیست که دیوار آهن صدقه را بشکند. از حدیث معلوم شد که صدقه همیشه باید داد تا که مصیبت و آفاتی که در حال آمدن هستند، جلویشان گرفته شود. در میان مردم به طور عام این چیز رواج دارد که هنگام مصیبت به طرف صدقه متوجه می‌شوند برای این افراد به طور خیرخواهی و نصیحت عرض می‌کنیم که

۱- بخاری و مسلم ۲- رواه رزین

همیشه صدقه بدهید تا که با مصیبت در حال آمدن برخورد شود و در هنگام مصیبت هم صدقه دادن خالی از فایده نیست اما قبل از مصیبت صدقه ندادن باعث آمدن آفتِ شده و کم و اثر آن به انسان می‌رسد خواه کم باشد یا زیاد.

پول، غذا، لباس و چیزهای ضروری را به انسانهای نیازمند دادن هم جزو صدقه هستند. بعضی از مردم چنین عمل می‌کنند که در وقت ابتلا به برخی از مصائب گوشت تقسیم می‌کنند یا برای باریدن باران هم کارهای انجام می‌دهند و به این ترتیب خیلی چیزها رواج شده است که در شریعت اسلام برای آنها هیچ اساس و اصلی وجود ندارد. معمولاً صدقه چون هر وقت داده شود سبب دفع مصائب می‌شود.

۳۰) و عن الحسن مرسلا قال: قال رسول اللهﷺ: «حصنوا أموالكم بالزكوة و داووا مرضاكم بالصدقة و استقبلوا أمواج البلاء بالدعاء و التضرع»[1]

از حضرت حسن رضی الله عنه روایت است که رسول اکرمﷺ ارشاد فرمودند: «که با دادن زکوة مال خود را حفاظت کنید و علاج مریض‌های خود را به سبب صدقه مداوا کنید» (یعنی در وقت مصیبت شما دعا کنید و در مقابل ذات پروردگار تضرع و زاری کنید و در مقابل مصیبت استقامت کنید آنگاه مصیبت از شما دور می‌شود).

از این حدیث معلوم می‌شود که از ادا کردن زکوة، مال انسان حفاظت می‌شود و برای علاج بیماری موفق‌ترین نسخه، تداوی با صدقه است. موجهای مصیبت به سبب دعا و تضرع دفع می‌شوند.

۱- رواه ابوداود و فی المراسیل



برای دفع مرض دادن هر نوع صدقه‌ای کافی است لذا هر کس هر قدر که توانایی دارد صدقه بدهد بعضی از مردم برای دفع امراض یک گوسفند را ذبح کرده وگوشت آن را جلوی حیوانات درنده می‌اندازند و چنین عقیده دارند که مریضی با گوشت همراه شده و از بین می‌رود این عقیده وطریقه شرعاً بی‌اساس است و از حیوان‌ها انسانهای فقیر و مساکین مستحق ترند.

بر اهل زمین رحم کنید الله تعالی بر شما رحم می‌کند

۳۱) و عن عبدالله بن عمرو رضی الله تعالی عنهما قال: قال رسول الله ﷺ: «الراحمون یرحمهم الرحمن ارحموا من فی الارض یرحمکم من فی السماء»[۱]

از حضرت عبدالله بن عمرو رضی الله تعالی عنهما روایت است که رسول اکرم ﷺ ارشاد فرمودند: «شما بر اهل زمین رحم کنید صاحب آسمان و عرش عظیم بر شما رحم می‌فرمایند».

اهل زمین ـ انسان، حیوانات، عزیز، غریب، دوستان، زن، فرزند، والدین، برادر و خواهر، یتیمان، فقراء، مساکین، بیوه‌ها، بدهکاران و غیره هستند. ذات پروردگار رحمن و رحیم هستند و برای حاصل کردن مهربانی الله تعالی بهترین نسخه، رحم کردن بر مخلوقات خداوند متعال است.

در یک حدیث ارشاد است که تمام مخلوقات اهل (اولاد و خاندان) الله تعالی هستند پس بهترین دوست خداوند همان است که بر مخلوقات الله تعالی حسن سلوک و مهربانی کند. (بیهقی فی شعب الایمان)

۱- رواه ابوداود و الترمذی

یعنی الله تعالی مهربان است و دوست دارد که با مخلوقاتش (خاندانش) با مهربانی و حسن سلوک رفتار شود. همانطور که شما خوشحال می‌شوید که با اهل و اولاد شما خوش رفتاری شود به همین صورت الله تعالی همان شخص را محبوب خود قرار می‌دهد که با مخلوقات الله تعالی حسن سلوك و مهربانی کند.

در یک حدیث ارشاد است هر کسی حاجت یک نیازمند را برآورده کند الله تعالی هفتاد و سه رحمت برای او می‌فرستد که یک رحمت برای او در دنیا کافی خواهد بود و هفتاد و دو رحمت در روز قیامت درجات او را بلند خواهد کرد. (بیهقی فی الشعب)

از حضرت جرید بن عبدالله رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم ﷺ ارشاد فرمودند: «لایرحم الله من لایرحم الناس»[1]

یعنی: الله تعالی بر آن شخص که بر مخلوقات او رحم نکند، رحم نمی‌فرماید.

کسی که نیتش طلب آخرت باشد خداوند متعال دلش را غنی می‌گرداند

۳۲) و عن أنس رضی الله عنه أن النبی ﷺ قال: «من کانت نیته طلب الآخرة جعل الله غناء فی قلبه و جمع له شمله و أتته الدنیا و هی راغمة و من کانت نیته طلب الدنیا جعل الله الفقرین عینیه شتت علیه أمره و لایأتیه منها إلا ما کتب له» (رواه الترمذی) و زاد فی روایة: «فلایمسی إلا فقیرا و لایصبح

۱- بخاری و مسلم

إلا فقير ما أقبل عبد على الله بقلبه إلا جعل الله قلوب المومنين تنقاد إليه بالود و الرحمة و كان الله بكل خير إليه أسرع»[۱]

از حضرت انس رضی الله عنه روایت است که رسول خدا ﷺ ارشاد فرمودند: «اگر نیت هر کس برای طلب آخرت باشد الله تعالی دل او را غنی می‌کند و برای فکرهای او خاطر جمعی نصیب می‌شود و دنیا ذلیل شده نزد او می‌آید و اگر نیت هر کس طلب دنیا باشد الله تعالی فقر را پیش او می‌آورد و در کارهایش پریشانی پیدا می‌کند و دنیا به اندازه‌ای او را می‌رسد که برای او مقدر شده است». (ترمذی) در یک روایت این مضمون اضافه بیان شده است که: «طالب دنیا، شب که می‌شود فقیر است و صبح که می‌شود باز هم فقیر است» (بخاطر اینکه هر چقدر کار می‌کند برای او کافی نیست و ضرورتهایش بیشتر و بیشتر می‌شوند. و فکر زیاد برای او آرامش نمی‌گذارد) و هر بنده‌ای که از صمیم دل به طرف خداوند متوجه می‌شود الله تعالی قلب او را فرمانبردار می‌گرداند و خوبی را برای او زود می‌فرستد.»

در یک حدیث ارشاد الله تعالی است: ای فرزند آدم برای عبادت اوقاتی اختصاص ده من سینه ات را از تفکرات و، وسوسه‌ها پاک کرده و فقر تو را دور می‌سازم وگرنه دلت را از (صدها نوع) مشاعل و فقرت را برطرف نمی‌سازم. (ترمذی شریف)

مقصود مؤمن فقط حاصل کردن زندگی آخرت و بلندی درجات می‌باشد. کسانی هستند که دارای ایمان کامل و برای رسیدن به اجر و ثمرات زندگی آخرت یقین کامل دارند، تمام زندگی خود را برای حاصل کردن

۱- جمع الفوائد

آخرت وقف می‌کنند. لهذا جهت زندگی کردن در دنیا به اندازه ضرورت (خوردن و نوشیدن، لباس، خانه و...) اشکالی ندارد که در کار و بار مشغول شوند و در این کار و بار توجه به شریعت اسلامی را نموده و از الله تعالی امید اجر و ثواب را داشته باشند. و در دنیا آنقدر مشغول نشوند که آخرت شان نقصان بیند و از محتملات و مظنات حرام، مکر و فریب، دروغ و خیانت، دوری کنند. نیاز چنین بنده‌هایی را الله تبارك و تعالی از غیب برطرف می‌فرمایند و دنیا ذلیل شده و نزدشان می‌آید و در دلشان سکون و اطمینان بوجود می‌آید و چنانچه نیازشان با کمی تاخیر برطرف شود به سبب صبر و شکر و قناعت هیچ وقت افسرده دل و غمگین نمی‌شوند.

و کسانی که زندگی دنیا را مقصود خود قرار داده‌اند برای دنیا می‌میرند و برای آن کار می‌کنند و می‌خورند و فکر و تدبر، محنت و کوشش، آرامش و تکلیف، سفر و حضر، خود را برای اینها وقف کرده‌اند، انسانها، از الله تعالی دور هستند و از درجات بلند آخرت، اجر و ثمرات هم محروم می‌باشند و زندگی دنیا هم با سکون و اطمینان نمی‌گذرد هر چقدر کار می‌کنند آن را کم می‌دانند اگر ضرر شود گریه می‌کنند و اگر فایده‌ای رسید برای رسیدن فوائد بیشتر فکر می‌کنند کاملاً در کار خود مشغول هستند، از ترس کم شدن مال استراحت هم نمی‌کنند، بعضی وقتها غذای به موقع هم نصیب آنها نمی‌شود، با وجود این همه مشغله، تصور می‌کنند که ما هیچ چیز بدست نیاورده‌ایم این انسانها در زمرهٔ تنگ‌دستان به حساب می‌آیند، بخاطر اینکه نیازهایشان تکمیل نشده است، کاش بجای این همه مشغولیت و رسیدن مال، انسان غنی می‌شد و بدون تفکر ضرورتهایش تکمیل می‌شدند امّا، متأسفانه به سبب غفلت ورزی از آخرت و فراموشی از ذکر خداوند و اطاعت و عبادت، از



طرف الله تعالی به عذابهایی همچون مشکلات قبلی، تنگی، پریشانی، کوشش‌های سخت، بی آرامی، مشکلات فکری، محکوم و مبتلا می‌شوند. از محنت وکوشش زیاد هیچ چیز حاصل نمی‌شود، آن چیزی که در تقدیر نوشته شده است حاصل می‌شود، پس چرا در این چیزهای دنیا مشغول شده و آخرت خود را نقصان کنیم.

زندگی دنیا هر چقدر که زیاد شود، به هر حال یک روزی تمام می‌شود و مال و متاع هر چقدر که زیاد باشند یک روزی از دست می‌روند یا به سبب موت متلاشی می‌شود یا با ورشکست کردن نابود و هلاک می‌شود اما زندگی آخرت هیچ وقت تمام نمی‌شود و نعمت‌هایش برای همیشه هستند. اگر در انسان ذره‌ای عقل باشد آن چیزی راباید اختیار کند که برای همیشه می‌ماند و رفتن پشت سر چیزهایی که در اختیار خود انسان نباشد انتهای نادانی است.

در حدیث آمده بود که هر شخصی آخرت را هدف و مقصود خویش قرار دهد دنیا خود به خود ذلیل شده و نزد او می‌آید، مقصود این است که طالب آخرت بی‌نیاز است و چیزهای دنیا در اختیار او هستند. از این بیشتر چه ذلتی می‌تواند باشد که از چیزی بی‌اعتنا باشی و آن پیش تو بیاید.

در یک حدیث آمده است که رسول اکرمﷺ ارشاد فرمودند: هر شخصی تمام تفکرات را یک فکر یعنی فکر آخرت درست کند، الله تعالی به فکر دنیای او خواهد بود و کسی که همه تن بفکر دنیا باشد، الله تعالی در مورد او هیچ پروایی ندارد که در کدام گرفتاری دنیا هلاک شود.[1]

چنین انسانهایی در هر دو جا نامراد و ناکام شدند، بخاطر اینکه خواستار

۱- رواه ابن ماجه عن عبدالله بن مسعود

آخرت نشدند و غرق در افکار دنیا شدند از نصرت و رحمت خداوند محروم گشتند و هر چقدر که بدست آورده بودند با خودشان نبردند.

دنیا برای بعضیها طالب است و برای بعضیها مطلوب، آن کسانی که طالب آخرت هستند، دنیا به دنبال آنان می‌رود و به آنها رزق می‌رسد، و کسانی که در طلب دنیا مشغول می‌شوند، آخرت آن‌ها را طلب نمی‌کند تا اینکه مرگ به سراغ آنان می‌آید.

حضرت ابوسلیمان درانی می‌فرماید: در آن دلی که آخرت باشد، دنیا با او می‌جنگد و می‌خواهد که قلبش را تصرف کند، و در آن دلی که دنیا باشد، آخرت برای او مزاحمت ایجاد نمی‌کند بخاطر اینکه آخرت کریم است و برای بدست آوردن خانه دل دیگران کاری ندارد و دنیا پست است و می‌خواهد خانه دیگران را تصرف کند.

مالک بن دینار رحمه الله می‌فرماید تو هر قدر برای دنیا غم خواری کنی به همان مقدار غم آخرت از دل تو بیرون می‌رود و هر قدر برای آخرت غمخواری کنی به همان مقدار غم دنیا از دل بیرون می‌رود.

حضرت امام غزالی رحمه الله فرمودند: دنیا مثل یک زن زیبایی است که انسانها را با حسن و جمال خودگرفتار می‌کند و با عشوه گری خود انسانهای باهوس را هلاک می‌سازد از کسانی که آن را می‌خواهند فرار می‌کند و به طرف آنها توجه نمی‌کند و خیلی بخل نشان می‌دهد. و اگر هم متوجه شود توجه آن از مصیبت، خالی نیست هر کسی که در فریب آن آمده عاقبت او ذلت است و هر کسی بخاطر دنیا غرور و تکبر کند او به طرف حسرت در حال حرکت است و هر کسی که ازاو فرار کند دنیا بدنبال او می‌باشد و هر کسی خدمت او را انجام دهد از او دوری می‌کند و هر کسی از دنیا اعراض کند برای ملاقات او خیلی

کوشش می‌کند در خوشی دنیا رنج آغشته است و میوه نعمت‌های آن حسرت و سوای ندامت چیز دیگری نیست. خیلی مکار و فریب دهنده است و در یک لحظهٔ زندگی‌ها را به هم می‌زند دنیا برای کسانی که آن را می‌خواهند برای آن‌ها زیبایی و زینت را اختیار می‌کند و هر وقتی که خوب در آن غرق شدند الان دندانهای خود را به او نشان می‌دهد و زندگی منظم او را دگرگون می‌کند و نیرنگهای خود را به او نشان داده و زهر قاتل را به وی می‌چشاند.

و من يحمد الدنيا لعيش يسره   فسوف لعمری عن قليل يلوما
إذا أدبرت كانت على المرء حسرة   و إذا أقبلت كانت كثيرا هواما

حال دنیا این است وقتیکه می‌رود داغ حسرت را بر دل می‌نهد و وقتیکه می‌آید تفکرات و تشویش را افزون می‌کند.

ثمرات تقوی و توکل

۳۳) و عن أبی ذر رضی الله تعالى عنه أن رسول الله صلى الله تعالى عليه و سلم قال: «إنی لأعلم آيه لو أخذ الناس بها لكفتم و من يتق الله يجعل له مخرجا و يرزقه من حيث لايحتسب»[1]

از حضرت ابوذر رضی الله عنه روایت است که رسول خدا ﷺ فرمودند: «من یک آیه‌ای می‌دانم که اگر مردم بر آن عمل کنند، برای آن‌ها کافی خواهد بود و آن آیه این است:

﴿وَ مَنْ يَتَّقِ اللهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لاَيَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾[2]

۱- رواه احمد و ابن ماجه و الدارمی   ۲- طلاق ۳

ترجمه: «و هر که بترسد از خدا پدید آرد برای او مخلصی و رزق دهدش از آنجا که گمان دارد و هر که توکل کند بر خدا پس خدا بس است او را»

این آیه از سوره طلاق است که در آن اهمیت و فضیلت تقوی و توکل، و منافع و ثمرات آن ذکر شده است اول این ارشاد شد که هر شخصی از الله تعالی بترسد، الله تعالی حالات و اسبابی پیدا می‌فرمایند که از هر تنگی و پریشانی راحت شود. و او را از جایی رزق می‌دهد که او از آنجا هیچ گمانی نداشته باشد باز هم ارشاد فرمودند که هر کس بر الله تعالی توکل کند برای او الله پاک کافی است و وعده الله تعالی سراسر حق هستند.

تقوی و توکل دو نعمت بزرگ هستند که به سبب آنها کامرانی و کامیابی دنیا و آخرت نصیب می‌شود. تقوی چیست؟ ترسیدن از الله تعالی و از نافرمانی او دوری نمودن، از گناهان صغیره و کبیره پرهیز کردن، محفوظ شدن از مشتبهات یعنی از چیزهایی که جواز و عدم جواز در آن شک است جانب عدم جواز را ترجیح دادن و پرهیز نمودن. مراتب تقوی بسیارند و هر قدر بنده تقوی را اختیار کند به همان مقدار رحمت، نصرت، برکت از طرف خداوند به او می‌رسد.

۳۴) و عن عمر بن الخطاب رضی‌الله‌تعالی عنه قال: سمعت رسول الله ﷺ یقول: «لو أنکم تتوکلون علی الله حق توکله لرزقکم کما یرزق الطیر تغدو خماصا و تروح بطانا» [۱]

حضرت عمر بن الخطاب رضی الله عنه فرمودند که من از رسول اکرم ﷺ شنیدم

۱- رواه الترمذی و ابن ماجه

که فرمود: «طوری بر خدا توکل کنید که حق توکل است اگر چنین کردید الله تعالی شما را به طوری رزق می‌دهد که پرنده‌ها را می‌دهد چنانچه صبحها بیرون می‌شوند و وقت شام با شکم پر بر می‌گردند».

مراتب توکل زیاد هستند از همه کم‌ترین درجه توکل این است که رازق حقیقی و کارساز مطلق الله تعالی را بداند و بر این یقین کند هر چقدر که یقین رازقیت الله تعالی بیشتر شود به همین مقدار توکل بیشتر می‌شود تا اینکه نوبت به ترک اسباب می‌رسد، آن حضراتی که ترک اسباب می‌کنند به آن‌ها هم رزق می‌رسد و آنچه برای انسان مقدر شده است جای دیگری نمی‌رود، بخاطر اینکه این کار بزرگی است و کار هر شخصی هم نیست حکم به آن داده نشده است، و در میان ما افرادی هستند که فقط و فقط در خدمت دین و دینیات مشغول هستند و برای کسب مال هیچ سبب و وسیله‌ای ندارند باز هم ضرورتهایشان تکمیل هستند. هر بنده‌ای فقط به الله تعالی توکل می‌کند به طور غیبی مخلوقات الهی به طرف او می‌شتابند.

در یک حدیث ارشاد آن حضرت ﷺ وارد شده است که: هر شخصی در طلب آن چیزی مشغول شود که در نزد الله تعالی موجود است. آسمان سایه او باشد و زمین بستر او و برای هیچ چیز دنیا فکر نکند. چنین شخصی بدون اینکه کشاورزی کند نان می‌خورد بغیر از داشتن باغ میوه می‌خورد بر الله تعالی توکل کند و در جستجوی رضای او مشغول باشد، الله جل شانه هفت زمین و هفت آسمان را عهده‌دار روزی او می‌گرداند و همه آنها برای رساندن رزق او کوشش خواهند کرد. و برای رساندن رزق حلال کوتاهی نخواهند کرد و او بغیر از حساب رزق خود را تکمیل می‌کند. (در منثور)

ترک اسباب کاری بس بزرگ ست و اسباب را هم اختیار نموده و یقین

خود را محکم و مضبوط نگه داشتن هم کاری بس بزرگ است که موت و حیات، رحمت و برکت، نصرت و یاری تمام اینها در اختیار خداوند متعال هستند، پیروزی بر دشمنان فقط از طرف خداوند است نفع و نقصان از طرف او است تمام انسانها و تمام اسباب و تمام مخلوقات در مقابل ذات پروردگار هیچ هستند، او دشمنان را دوست می‌سازد و چیزهای آزار دهنده را برای خدمت بندگانش مشغول می‌کند پیاده کردن این یقین کامیابی بسیار بزرگی است در هر کاری و هر مقامی فقط نظر بر ذات خداوند باشد و فقط هر چیز را از او بدانیم این یقین تمام مصیبتها را دور می‌سازد هر کاری درست می‌شود و دروازه کامیابی و پیروزی باز خواهند شد.

انبیاء علیهم السلام در هر حال بر ذات خداوند توکل کردند و به دشمنان به صراحت گفتند: شما هر کاری می‌خواهیدانجام دهید ما بر ذات الله تعالی توکل کرده‌ایم خداوند متعال در قرآن کریم واقعات انبیاء کرام علیهم السلام ذکر فرموده‌اند و در هر جایی اعلام توکل آنها را بیان کرده است و نبی آخر الزمان حضرت محمد ﷺ را وقتی که کارفرما و مشرکان آزار رساندند، آنحضرت فقط بر ذات خداوند توکل کردند و کوه استقلال درست شده و ایستادند و الله تعالی آنحضرت ﷺ را تعلیم توکل دادند و فرمودند:

﴿فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللهُ لاَ إِلٰهَ إِلاَّ هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ﴾ [1]

«پس اگر باز گردند بگو بس است مرا خدا هیچ معبودی نیست بجز وی بر وی توکل کردم و او خداوند عرش بزرگ است.»

۱- توبه ۱۲۹

حاجت خود را در حضور خداوند متعال گذاشتن، مشکل حل می‌شود

۳۵) و عن عبدالله بن مسعود رضی‌الله تعالی عنه قال: قال رسول الله صلی الله تعالی علیه و سلم: «من نزلت به فاقة فانزلها بالناس لم تسد فاقته و من نزلت به فاقة فأنزلها بالله فیوشک الله له برزق عاجل و آجل»[1]

از حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله تعالی عنه روایت است که رسول اکرمﷺ ارشاد فرمودند که: «اگر بر کسی فقر و تنگدستی آمد و او این حالت را بر مردم با زبان حال یا قال ظاهر کرد فقر او رفع نمی‌شود و اگر بر کسی فقر و تنگدستی آمد و او حاجت خود را در جلوی الله تعالی گذاشت عن قریب الله تعالی دیر یا زود به او رزق عطا می‌نماید».

مشکل گشا، حاجت روا، کارساز و رزاق فقط ذات الله تعالی است. هر حاجت خود را به درگاه رب العالمین ارائه کنیم و برای دور کردن هر مصیبت او را باید صدا بزنیم. مخلوق خود محتاج است و هر چقدر که در اختیار مخلوق باشد بسیار ناچیزند و در مزاج مخلوق بخل هم موجود است و اگر حاجت خود را در جلوی کسی اظهار کردیم اگر او چیزی بدهد یا نه، حتماً ذلیل می‌شویم اگر چیزی هم بدهد تا چند روز کار می‌آید؟ ضرورت‌ها و حوائج بار بار پیش می‌آیند، کسی تا چه اندازه می‌دهد؟ مالک و رازق حقیقی راگذاشتن و پشت دروازه بندگان محتاج رفتن چقدر نادانی بزرگی است! فقط از الله تعالی ضرورتهای خود را بخواهیم و اگر طالب غیرالله شدیم پس هیچ وقت ضرورتهای مان تکمیل نمی‌شود و همیشه محتاج و گدا باقی می‌مانیم.

۱- رواه الترمذی

در یک حدیث ارشاد است: «و لافتح عبد باب مسئلة الاّ فتح الله علیه باب فقر»[۱]

یعنی: «هر بنده‌ای که دروازه گدائی را باز کند، الله تعالی دروازه تنگ‌دستی را بر او باز می‌کند».

در بعضی صورتها اجازه خواستن از بندگان نیز داده شده است اما کمال در این است که غیر از الله از کسی چیزی نخواهیم.

از حضرت ابوذر رضی الله عنه روایت است که آنحضرت ﷺ ارشاد فرمودند که شما از کسی گدائی نکنید حتی اگر شما در سفر بر سواری خود سوار هستید و تازیانه از دست شما می‌افتد. شما به کسی نگوئید که این را به من بدهید. (مشکوة شریف)

گرسنگی و حاجت خود را از بندگان پوشیده نگاه داشتن نسخه بزرگی است: در یک حدیث شریف آمده است که اگر بر کسی ضرورتی پیش آمد و او آن را پوشیده نگاه دارد بر ذمه الله تعالی است که او را یک سال رزق حلال نصیب می‌فرماید.

در یک حدیث ارشاد است که هر شخصی بر رزق کم راضی باشد الله تعالی بر عمل کم او هم راضی می‌شود.[۲]

برای شخصی که دارای زن و بچه و تنگدست باشد و از مخلوق چیزی نمی‌خواهد در حدیث شریف ارشاد است: «ان الله یحب عبده المومن الفقیر المتعفف أبا العیال»[۳]

۱- ترمذی عن ابی کبشة   ۲- مشکوة عن شعب الایمان

۳- رواه ابن ماجه

یعنی الله تعالی آن بنده خود را محبوب می‌دارد که با وجود اینکه دارای اهل و عیال است و از خواستن جدا پرهیز می‌کند.

این را باید بدانیم که مشکلات و مصائب صرفاً سزا و وبال نیستند بلکه برای بندگان مؤمن کفاره گناهان هستند تا از عذاب آخرت محفوظ شوند.

همانطور که به کافران نعمت و دولت زیاد داده می‌شود که بطور ناگهانی آنها را گرفتار سازد به همین صورت مشکلات مختلفی که برای بنده مومن می‌آیند باعث رحمت هستند در ذیل سه حدیث در همین مضمون برای تفصیل و تشریح این مطلب بیان می‌شوند تا این مجموعه با تکمیل شدن چهل حدیث بپایان برسد. والله الموفق

مصائب و تکالیف برای مؤمنان رحمت هستند

۳۶) و عن أبي سعيد رضي الله عنه عن النبيﷺ قال: **«مايصيب المسلم من نصب و لاوصب و لا هم و لاحزن و لاأذى و لاغم حتى الشوكة يشاكها إلا كفر الله بها من خطاياه»**[۱]

از حضرت ابی‌سعید رضي الله عنه روایت است که رسول مقبولﷺ ارشاد فرمودند: «مسلمان را هر گونه مشکل، رنج، فکر برسد، تا آنجایی که اگر سیخی به پای او برود حتماً به عوض آن‌ها الله تعالی کفاره گناهانش می‌سازد».

۳۷) و عن أنس رضي الله عنه ان رسول اللهﷺ قال: **«إن الرب سبحانه و تعالى يقول و عزتي و جلالي لاأخرج أحدا من الدنيا أريد أغفرله حتى استوفى كل خطيئه في عنقه بسقم في بدنه و اقتار في رزقه»**[۲]

۱- رواه البخاری و مسلم

۲- رواه رزین

از حضرت انس ﷺ روایت است که رسول اکرم ﷺ ارشاد فرمودند: «که رب سبحانه و تعالی می‌فرمایند: قسم بر عزت و جلالم که هر شخصی را بخواهم معاف کنم تا زمانی که گناهان او را به سبب مریضی و تنگی در رزق پاک نکنم او را از دنیا نمی‌برم.

۳۸) و عن أنس ﷺ قال: قال رسول الله ﷺ: «**إذا أراد الله تعالى بعبده الخير عجل له العقوبة فی الدنيا و إذا أراد الله بعبده الشر أمسک عنه بذنبه حتی يوفيه به يوم القيامة**»[1]

از حضرت انس ﷺ روایت است که رسول اکرم ﷺ ارشاد فرمودند: «وقتی خدای متعال با بنده خود اراده نیکی بفرمایند او را در دنیا عذاب می‌دهد (که به سبب آن گناهانش فوراً معاف می‌شوند) و وقتی بنده خود را در خرابی مبتلا سازد آن مصیبت‌های را که بخاطر گناه سرازیر می‌شوند از او جلوگیری می‌کند تا روز قیامت او را کاملاً سزا دهد.

از این حدیث به طور واضح معلوم شد که خواه مصیبت بزرگ باشد یا کوچک در حق بنده مومن نعمت است و همیشه عافیت خواستن لازم است و تمنای مصیبت نباید کرد، اگر مشکلات جسمانی یا مال و معاش رسید پس باید امید ثواب کامل را داشته باشیم و یقین کفاره گناهان کرده و با صبر تحمل کنیم.

چقدر احسان، فضل و کرم الله تعالی بر ماست که در این دنیای فانی و زندگی خیلی کوتاه به سبب گناهان، انسان را با مشکل مواجه کرده و بنده مومن خود را از گناهان پاک و معاف می‌فرماید و از دنیا می‌برد و زندگی بعد از

۱- رواه الترمذی

موت را برایش «حیات طیبه» درست می‌فرمایند.

هر شخصی که از مصیبتهای بعد از موت نجات حاصل کرد و با نعمت‌های جنت نوازش کرده شد آن شخص کامیابی بزرگی را حاصل نمود الله تعالی به سبب مصائب و مشکلات برای کفاره بنده مؤمن قانونی درست کرده و راه محفوظ ماندن از عذابهای آخرت را نیز نشان داده‌اند. الله تعالی خالق و مالك هستند و این اختیار را دارند که بر مصیبت ثواب ندهد و نه مصیبت را کفاره گناهان سازد و این اختیار را هم دارد که سزای گناهان را در آخرت به او بدهند این فقط از فضل و کرم اوست که برای نجات از عذاب آخرت راهی پیدا فرموده‌اند. فلله الحمد و المنة

در یک حدیث آن حضرتﷺ ارشاد فرمودند: اگر مسلمانی را به سبب مریضی مشکلی رسید بخاطر آن الله تعالی گناهانش را می‌ریزد هم چنان که از درخت برگها می‌ریزند. (بخاری و مسلم)

هم چنین آن حضرتﷺ ارشاد فرمودند هر زمانی که برای بنده از طرف خداوند یک مرتبه و منزلت (خاص) مقدر شده باشد و آن شخص با عمل خودش به آن نرسد پس الله سبحانه در جسم، مال و اولاد او مصیبت فرستاده و او را مبتلا می‌گرداند بعد خود الله تعالی او را (صبر) نصیب می‌فرماید تا اینکه به آن مرتبه‌ای برسد که از طرف الله تعالی برای او مقرر شده بود. (احمد و ابوداود)

از حضرت ابوهریرهؓ روایت است که رسول اکرمﷺ ارشاد فرمودند: که بر مرد و زن مؤمن در جان، مال، و اولاد مصیبت خواهد رسید تا اینکه خدا را در حالی ملاقات می‌کند که هیچ گناهی نخواهد داشت. (ترمذی)

از حضرت عائشه رضی الله عنها روایت است که رسول اکرمﷺ ارشاد

فرمودند: هر وقتی که از بنده گناهان زیادی سر زده شود و اعمال او کفاره گناهان را نداشته باشند پس الله تعالی او را در یک رنج مبتلا می‌فرماید تا که کفاره گناهانش شوند. (احمد)

از حضرت عامر رام‌رضی‌الله‌عنه روایت است که نزد رسول خداﷺ ذکر بیماریها شد، آنحضرتﷺ فرمودند: وقتی که بندهٔ مؤمن را بعد از مریضی سخت عنایت می‌فرمایند این کفاره گناهان گذشته او شده و برای آینده عبرت خواهد بود (تا که از گناهان دوری کرده و برای کفاره گناه انتظار مریضی را نکند) و اما اگر به منافق مرض سختی دچار گردد نه از مرض به او چیزی خواهد رسید و نه کفاره گناه او خواهد شد و هیچ چیزی حاصل نشده، به طوری که شتربان، شتر را می‌بندد و بعد آن را باز می‌کند و او نمی‌داند که چرا بسته شدم و چرا باز شدم (راوی بیان می‌کند که در همان مجلس شخصی بود این سخن را شنیده با صدای بلند گفت یا رسول الله من نمی‌دانم که بیماری‌ها چه هستند بخاطر اینکه مریض نشده‌ام. آنحضرتﷺ ارشاد فرمودند که بلند شو از نزد ما، بخاطر اینکه تو از ما نیستی. (ابوداود)

یعنی اگر تو مؤمن بودی بر تو بیماری می آمد و بعد از کفاره گناه، مستحق نعمتهای جنت می‌شدی بنابراین وقتی کسی از دولت ایمان محروم باشد از نعمت‌های بزرگ آخرت محروم می‌شود و همینطور کسی به مشقتهای دنیا گرفتار شود از عذاب سخت آخرت محفوظ می‌ماند.

از حضرت ابوهریره‌رضی‌الله‌عنه روایت است که آن حضرتﷺ ارشاد فرمودند که مثال مؤمن مانند بذر کشاورزی است، وقتی که هوا بر آن‌ها بوزد، آنها را خم می‌کند و برای بنده مومن مصیبت یکسان می‌رسد و مثال منافق به مانند درخت صنوبر است (همیشه راست ایستاده است) تکان نمی‌خورد تا



اینکه یک دفعه ریشه کن شود». (بخاری و مسلم)

آن حضرت ﷺ برای عیادت یک صحابی تشریف بردند و او را در حالت تب دیده، فرمودند: این خوشخبری راگوش کن که الله تعالی می‌فرماید که تب آتش من است و من آن را در دنیا بر بندگان مومن مسلط می‌کنم تا از آتش آخرت در امان باشد.[1]

یک مرتبه از آن حضرت ﷺ پرسیدند که بیشتر از همه مصیبت بر چه کسی می‌آید؟ آن حضرت ﷺ در جواب ارشاد فرموند که از همه بیشتر بر انبیاء علیهم السلام می‌آید و بعد از آن، به کسی که در تعلق مع الله و تقرب مع الله و تقرب بالله مرتبه‌ای بیشتر داشته باشد، برحسب مرتبه در مصیبت دینی مبتلا می‌شود پس اگر او در دین سخت است، بیشتر سختی می‌بیند و اگر در دین ضعیف است بر او مشکلات آسانی می‌آید، غرض اینکه به همین صورت مشکلات برداشته می‌شوند و بر زمین به این حال حرکت خواهد نمود که بخاطر کفاره گناهان حتی یک گناه باقی نخواهد ماند. (ترمذی)

حضرت انس رضی الله عنه می‌فرمایند که آن حضرت ﷺ ارشاد فرمودند که ثواب بزرگ همراه با مصیبت است و در آن هیچ شکی نیست که الله تعالی هر گروهی راکه دوست داشته باشند او را مورد آزمایش قرار می‌دهند یعنی (به مصیبت گرفتار می‌کند) هر کسی از الله تعالی راضی شد برای او رضامندی و هر کس ناراضی شد برای او از جانب الله ذوالجلال نارضایتی خواهد بود. (مشکوة شریف)

---

۱ - احمد و ابن ماجه

سخن آخر

اینک کتاب به پایان رسید. در این صفحات آیات و احادیثی که به رشته نگارش در آمدند به طور واضح ثابت شد که مصائب دنیا و پریشانی انسانها از خرابی کردار آن‌ها است، مصیبت خواه برای سزا دادن بیاید یا برای کفاره گناهان، برای مؤمن، لازم و ضروری است تا از گناه پرهیز و دوری کند و اگر گناه کرد فوراً توبه کند تا دروازه مصیبت بسته شود اگر مصیبت هم بیاید برای آزمایش ایمان یا رفع درجات خواهد بود که در آن یک لطف خاص وجود دارد.

از زبان استغفرالله گفتن و توبه، توبه کردن توبه واقعی به حساب نمی آید، بلکه حقیقت توبه این است که بر انجام گناهان گذشته پشیمان باشیم و برای آینده کاملاً اراده کامل داشته باشیم که هیچ وقت نافرمانی الله تعالی را نکنیم و درکنار، این هم ضروری است که هر چقدر از حقوق الله تعالی ضائع شده‌اند همه آنها را اداکنیم، مثلاً هر چقدر نماز قضا شده‌اند همه آنها را حساب کرده اگر چه ۵۰ سال باشند و روزانه نمازهای قضا شده را تا دم مرگ بخوانیم امید است الله تعالی بخاطر پشیمانی همه آنها را معاف کند به همین صورت زکوة مال را هم اداکنیم اگر ۵۰ سال مال زکوة نداده‌ایم همه آنها را اداکنیم. و اگر روزه‌ها را خورده‌ایم قضای آنها را بگیریم و هر چقدر فرض و واجب قضا شده داریم، ادا بکنیم.

به همین صورت فکر بکنیم که حق کدام بنده بر من است حق او را اداکنیم و اگر غیبت یا آبروریزی کسی راکرده‌ایم یا برکسی خیانت کرده‌ایم یاکسی قرضی داده و آن را فراموش کرده یاکسی را دشنام داده‌ایم یا به ناحق کسی را زده‌ایم خوب فکر کرده و حق همه را اداکنیم اگر حق کسی را در امور مالی

تلف کرده‌ایم آن مال را بدهیم، اگر کسی را زده‌ایم پیش او رفته و از او معافی بخواهیم یا به او بگوییم که عوض خود را بگیرد و اگر غیبت یا آبروریزی کسی راکرده‌ایم پیش او رفته و معافی طلب کنیم و اگر از آن جا نقل مکان کرده است به وسیله نامه یا پیغام از او معافی بخواهیم اگر کسی این کارها را انجام دهد ممکن است مردم به او دیوانه بگویند در حالیکه حقیقتاً در معامله الله تعالی او دیوانه نیست بلکه انسان بسیار هوشمندی به شمار می‌آید.

اگر ما مردم از اعمال صالحه آراسته شویم و در امانت، دیانت و راستگویی و اطاعت خداوندی و پیروی رسول اکرمﷺ را مقصد زندگی درست کنیم و از گناهان دوری کرده و دیگران را از گناهان دور نموده و به نیکی وادار کنیم. کامیابی و کامرانی نصیب ما خواهد شد و مستحق رحمت و برکت و نصرت الله تعالی خواهیم شد، ما امروز هم رحمت، برکت، نصرت خداوند را می‌توانیم حاصل کنیم اما به خدا بگویید که مستحق نعمت‌های او چه کسی است؟ آیا آن کس مستحق است که از قرآن و از رسول اکرمﷺ و از دین صورت خود را برگردانده و احکامات را پشت سر انداخته است و نقشه «فنبذوه وراء ظهورهم» را قائم کرده و بد عملی او سبب شده است که افراد غیر مسلم از قبول اسلام سرباز زنند؟!

بر هر کس که با اسلام محبت دارد و خواستار عظمت و رفعت اسلام است لازم و ضروری است که عمل کردن بر کتاب الله و احادیث نبویهﷺ را مقصد زندگی خود قرار دهد به همین صورت کامیابی و کامرانی حقیقی دنیا و آخرت را حاصل می‌کند.

ما بسبب بداعمالی هایمان الله تعالی را ناراض کرده‌ایم و ثمره کارهای خود را چشیده‌ایم و صورت خود را از او برگردانیده‌ایم و سرانجام ما خراب

شده است. لهذا آخرین صحبت این است که بیاییم و در مقابل او زانو بزنیم و بر اشتباهات خود نادم شویم و او را صدا بزنیم تا پرستش کنندگان خوب و کاملی درست شویم و بر احکام او عمل کنیم و دین الله را فروغ دهیم و برای باقی نگهداشتن عظمت اسلام جان و مال را قربان کنیم و روایات اسلاف را زنده کنیم. اگر چنین بکنیم دیری نمی‌گذرد که وقار و عظمت از دست رفته ما باز آید و پریشان حالی به خوش حالی تبدیل شود.

چنین افرادی که می‌گویند همه این پریشانیها و مصیبت‌ها نتیجه اعمال بد ماست، خیلی زیاداند اما در کنار این هم باید بدانیم فقط از اقرار گناهان دور شدن مشکلات و مصیبت، سراسر نادانی است و حقیقت این است که اینها حرفهای زبانی هستند و اگر در دل نشسته باشند که همه این بدبختی از اعمال بد ما است باز هم کافی نیست و گوینده همچنین حرفهایی، شاید خود را انسانی نیک می‌فهمد و دیگران را مجرم می‌داند.

حالانکه انسان باید از نفس خود شروع کند و همراه با اقرار کردن دوری جستن از اعمال بد هم ضروری است ما بی‌اندازهٔ احکامات احکم الحاکمین را خلاف ورزی می‌کنیم و آرزوی امن و امان و راحتی و سکون را داریم این فقط خیالی خام است شما در نافرمانی خداوند سرگرم هستید و از الله تعالی مطالبه رحم و کرم بکنید گویا به عهده خداوند رحم و کرم است و ما غیر از گناه کردن هیچ مسئولیت دیگری نداریم. (العیاذ بالله العظیم)



انتشارات شیخ الاسلام احمد جام

شابک: ۹۶۴ ـ ۸۶۸۸ ـ ۱۲ ـ ۵

ISBN: 964 – 8688 – 12 – 5